

# هفته

سال سیزدهم - پنجشنبه / ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ / ۶ مه ۲۰۲۱

۶۳۱

بها: ۲,۵ دلار / در مونتreal و اتاوا رایگان

[www.hafteh.ca](http://www.hafteh.ca)

## گفت‌وگوی اختصاصی هفته با سناتور راتنا امیدوار

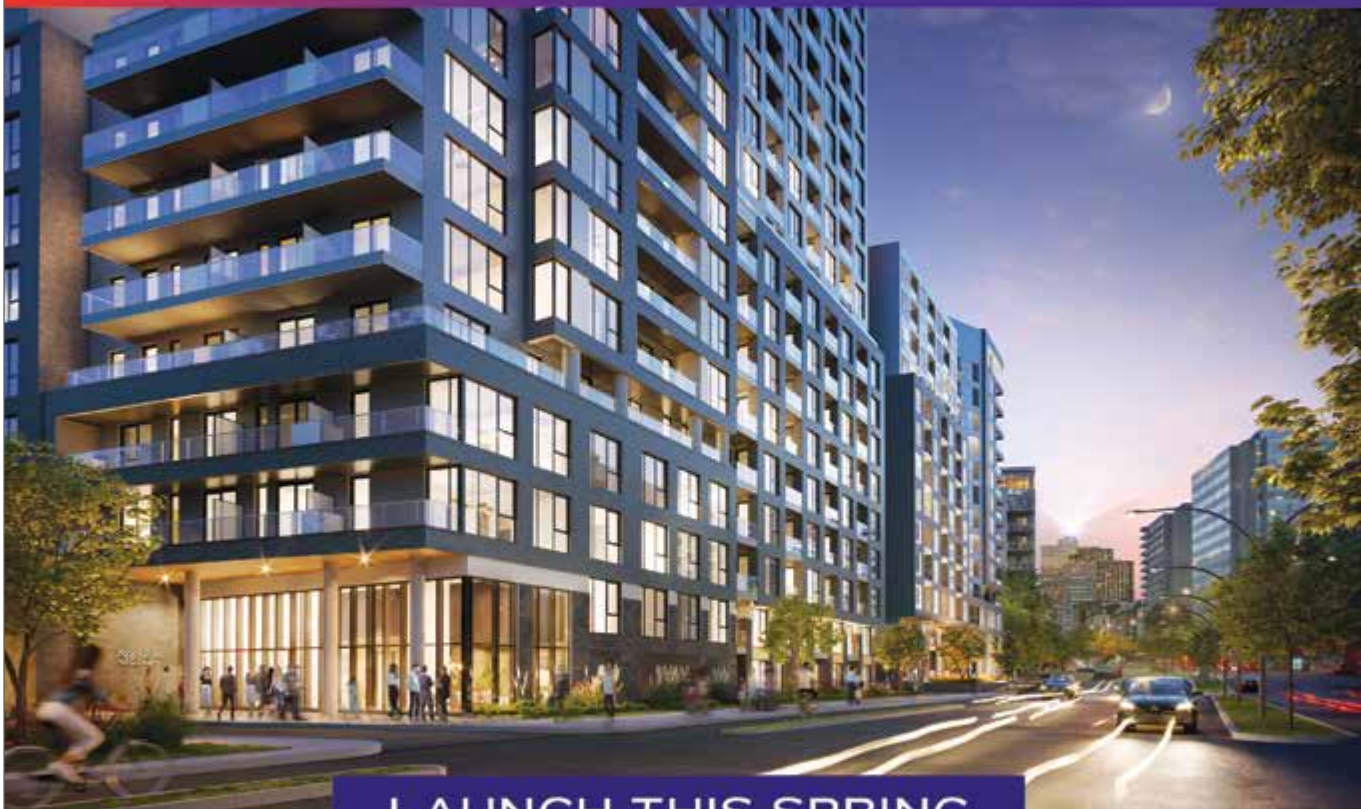
خاطراتی از ایران و تلاشی گسترده برای مهاجران  
رازهای محبوبیت دختر سیاسی گاندی در کانادا

نظرات او درباره جمهوری اسلامی، پهلوی و مصدق



# Auguste & Louis

CONDOMINIUMS



LAUNCH THIS SPRING

STUDIOS AND 1 TO 3-BEDROOM CONDOS  
IN THE HEART OF QUARTIER DES LUMIÈRES IN VILLE-MARIE  
STARTING FROM \$220,000\*TX

REGISTER NOW!

[AUGUSTEETLOUISCONDOS.COM](http://AUGUSTEETLOUISCONDOS.COM)



دکتر شریف

دکتر البزال

دکتر مهرنوش

Dr. Sharif  
Dr. Albazzal  
Dr. Mehrnoosh

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪


بیماران جدید ۱۰٪


**Montreal**

 (514) 731 1443

 5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,  
Suite 308, Montreal, QC, H3T 1Y6


 Clinique.Dentaire.Soleil


 www.cliniquedentairesoleil.com

 info@cliniquedentairesoleil.com

**Brossard**

 (450) 926 2622

 7801-2 Taschereau Blvd  
Brossard QC, J4Y1A3

 info@cliniquedentaire  
soleil-brossard.com

 www.cliniquedentairesoleil.com

 info@cliniquedentairesoleil.com

مهاجرین عزیز

آیا می‌دانید که خریداران نیازی  
به پرداخت پورسانت ندارند؟


هدیه ما به خریداران:

۱۱۰۰ دلار هزینه محضر

قصد خرید خانه یا آپارتمان دارید؟  
می‌خواهید ملک خود را بفروشید یا قصد سرمایه‌گذاری دارید؟  
در تمام مراحل خرید یا فروش همراه شما هستیم.  
با ۱۵ سال سابقه در امور مشاوره املاک  
و ۳۰ سال سابقه در زمینه ساختمان

مشاوره رایگان و حضوری ۷ روز هفته

514 969 2492

 بیش فروش آپارتمان در بهترین نقطه Downtown

 خانه‌های اجاره‌ای در West Island



فکین خاکسار - نادر خاکسار



مرجان شاوران

مشاور رسمی املاک مسکونی و تجاری





*feminine*  
**L'union fait la force**

Asal Jami  
 ROYAL LePAGE  
 ALTITUDE

Saghar Tadayon  
 ROYAL LePAGE  
 ALTITUDE

Shirin Telmoory  
 BMO

Arezou Gatmiri  
 Sutton

Anna Boroujerdi  
 ROYAL LePAGE  
 VILLAGE

W-realestate.ca

مشاوره ، طراحی ، اجرا  
**گرافیک هفته**

به ما بسپارید ....  
 از

**طراحی تا چاپ**

0-100

طراحی لوگو/ طراحی پکیج اداری/ پوستر/ کاتالوگ/ بروشور  
 تقویم و سررسید/ صفحه آرای کتاب و مجلات/ طراحی بسته بندی  
 محصولات/ طراحی تبلیغات

۵۱۴-۷۸۷-۸۸۴۸  
 ۴۳۷-۸۸۷-۸۳۰۱

Sutton



# آرزو گتمیری مشاور املاک

**AREZOU GATMIRI**  
Courtier Immobilier Résidentiel

agatmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون در آمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

**Cell: (514) 561-3-561**

Groupe Sutton-Sur L'île  
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8  
Bureau: (514) 769-7010

Sutton

# مشاور املاک

Courtier immobilier agréé / Certified Real State Broker

- مشاور ارشد املاک در مونترال و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وام های مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک در آمد زا
- خرید و فروش انواع بیزینس



**با ۳۵ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۵ سال تخصص در مشاوره املاک  
مونترال مسکونی - تجاری**

**ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن**

**فیروز همتیان**

**Cell: (514) 827-6364**

**Bur: (514) 364-3315**

**9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9**

**fhemaatiyan@sutton.com**





آرش محبی  
خسرو شمیرانی

گفت‌وگوی اختصاصی هفته با سناتور راتنا امیدوار  
رازهای محبوبیت دختر سیاسی گاندی در کانادا  
خاطراتی از ایران و تلاشی گسترده برای مهاجران  
نظرات او درباره جمهوری اسلامی، پهلوی و  
مصدق



مقاله: معصومه علی محمدی  
نکات مهم در زمینه گزینش برنامه آزمایشی  
جدید دولت کانادا

مقاله: هفته  
ده‌ها هزار کارگر ماهر متقاضی اقامت دائم در  
انتظار چراغ سبز کبک

ترجمه: نگار پرونده  
تعطیلی یک مرکز مهاجران در مانتوبا و اعتراضات



ادبیات: ویژه نامه محمد کشاورز  
فرشید سادات شریفی  
قدم‌زدن آرام بر گذرگاه نوشتن

صید واقعیت ناموجود  
جستاری از محمد کشاورز

ادبیات، از خوانندگان: شهره جبلی  
داستان کوتاه: قصه آن‌ها

شعر دو زبانه: ترجمه: خالد بازیدی (دلیر)  
چند شعر از طاهر آهنگری، شاعر معاصر کرد با  
ترجمه فارسی

تازه‌های کتاب در ایران و کانادا  
لمس انسانی و رمان L'intrusive

( 5 1 4 ) 8 3 4 - 7 2 5 4  
www.hafteh.ca  
info@hafteh.ca  
news@hafteh.ca  
ad@hafteh.ca  
ISSN1918-4379HafteH

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۱ میلادی:  
پنجشنبه ۷ ژانویه، پنجشنبه ۲۵ مارچ  
پنجشنبه ۵ جولای، پنجشنبه ۱۴ اکتبر

- هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- برداشت مطلب با ذکر سرماخذ آزاد است.
- لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (بر مبنای واژه شمار وارد) نگاه دارید.
- هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.
- نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار  
دانشجویی: ۶۰ دلار

هفته - سال سیزدهم - شماره ۶۳۱  
پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ / ۶ مه ۲۰۲۱  
بها: ۲/۵ دلار / درمونتال و اتاوا رایگان  
ناشر: مجله‌ی هفته

صورت آواز مرغ است آن کلام  
غافل است از حال مرغان مرو خام



آریانا؛ حبیب عثمان

مسحور جمال استاد ادبیات و هنرمندی خوش آواز

آریانا، نرگس هاشمی

معرفی مادران قهرمان افغانستان  
مادر بودن در سایه پاندمی

## ۵۶ دانش و اندیشه

جامعه؛ مریم ایرانی

خنده بر هر درد بی درمان دواست؛ خنده آغاز  
خوش هر ماجراست

دنیای دانش؛ گروه خبر و ترجمه هفته  
بازگشت چهار فضاورد از دراگون

الهام گرامی

با میانسالی و بحران‌های آن چه کنیم؟

سلامتی؛ ترانه ناظری

جنگ تریلیون‌ها با کنتری در روده‌های شما، وزن  
و رژیم غذایی

## ۶۸ خانواده و سرگرمی

مهسا عباس‌پور آشپزی این هفته: کوفته تبریزی گیاهی  
خاطره تحویل‌داری یکتا سخن ستارگان، برای تفنن  
هفته خانواده و سرگرمی



سیاست؛ گروه ترجمه هفته

امیر عطاران، اتهام نژادپرستی و آتش دودستگی  
در حزب همبستگی کبک

سیاست؛ آرسام ارانی

اسحاق جهانگیری از بیم تا پاستور  
مرد دلارهای ۴۲۰۰ تومانی رئیس‌جمهور ایران می‌شود؟

سیاست ایران

پنج نکته در واکنش رهبر به فابل صوتی مصاحبه ظریف  
ده دقیقه سخنرانی و تعیین تکلیف ۸ سال آینده

اقتصاد؛ آرمین آریان‌پور

آیا حباب مسکن در کانادا می‌ترکد؟



فرشید سادات شریفی

میدان‌داری رئالیسم کم‌مایه‌ای که مثل کف روی  
آب کنار رفت  
با محمد کشاورز به بهانه انتشار گزیده‌ای از آثار  
او به انگلیسی

## ۴۵ گفت‌وگو



فرنگیس شکبیا

با رویا نیک‌نیا از گروه «کولبر کانادا»:  
جابجایی بار بین کانادا و ایران بدون انگیزه مالی

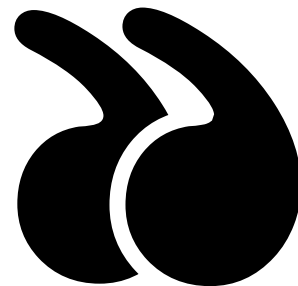
ادبیات: فرشید سادات شریفی و یاسمن حسنی  
سلامتی: دکتر فائقه ابراهیمی و الهام گرامی  
حقوق: نیوشا ریاحی  
فرهنگ و جامعه: فرنگیس شکبیا  
اقتصاد: آرمین آریان‌پور و بهراد رنجبری  
بخش دانشجویی: عباس محرابیان  
گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرورنده و نگار  
پرورنده  
وب‌سایت: بهمن عسگری‌پور

سردبیر: خسرو شمیرانی  
ویراستار: تیم ویراستاری هفته  
صفحه‌آرایی: آتلیه هفته  
کاریکاتورست: سیروس یحیی‌آبادی  
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته  
اخبار یا همستان: گروه خبرهای محلی  
آریانا: نرگس هاشمی، حبیب عثمان و عبدالهادی تپاند  
مهاجرت: معصومه علی‌محمدی و نویده احمدی

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: یاسمن حسنی، کریم زبانی، جمیله هاشمی

# راتنا امیدوار، ستاره‌ای در آسمان تاریخ سیاست



در این آسمان سیاه و تاریک، گاه ستاره‌گانی هم یافت می‌شوند که با درخشش خود، نور امیدی برای رهایی بشر از عصیان خویش می‌شوند. «راتنا امیدوار» سناتور کانادایی، از جمله همین انسان‌هاست که در میان ابتذال سیاست کمر همت به تغییر زندگی ضعیف‌ترین‌ها بسته است و در آسمان تاریخ سیاست، به دنیای اطراف خود، نور صلح و امید می‌دهد.

راتنا امیدوار سرگذشتی دارد که برای ایرانیان و افغان‌های ساکن کانادا بسیار قابل لمس و جذاب است. او شهروند ایران است اما از پدر و مادری هندی در هندوستان متولد شده. ایران را دوست دارد اما از آنجا نیز ناگزیر به فرار شده است. در آلمان درس خوانده است اما بیشتر دوران زندگی حرفه‌اش را در کانادا گذرانده است. او مهاجر موفقی است که در ده‌های آوارگی و مهاجرت را فراموش نکرده و با تمام توان تلاش می‌کند تا از جایگاه و موفقیت خود برای مهاجران و تبعیدی‌ها و فراریان و پناهندگان هزینه کند.

در «هفته» این افتخار را داشتیم تا پای صحبت این انسان بزرگ بنشینیم که به اعتبار کارنامه‌ی پر از انسانیت‌اش از نظر ما یکی از ۱۲۴ هزار پیامبر معاصر است.

واقعیت تلخ این است که در دنیای سیاست، کمتر زنان و مردانی بوده‌اند و هستند که از خود نام نیک بر جای گذاشته‌اند. گویی این عرصه را با دروغ و دغل و نیرنگ و جنگ پیوندی ازلی ست و گسست از آن، کار هر کسی نیست. قدرت و مکننت آن چنان آدمی را مسحور می‌کند که عقل از دست می‌دهند و جنایت‌ها از آن برمی‌خیزد.

در جهان امروز، در غیاب ماندلاها، گاندی‌ها، لعل نهرها، لوترکینگ‌ها، مصدق‌ها و ویلی برانت‌ها آسمان سیاست تاریک‌تر از قبل هم شده است. «آنگسان سوچی» سیاستمدار اهل برمه، نمونه‌ی بارز این ماجراست. او در سال ۱۹۹۱ برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل شد اما به دلیل حبس خانگی، پسر ۱۸ ساله‌اش این جایزه را دریافت کرد. بالاخره آنگسان سوچی در سال ۲۰۱۰ از زندان آزاد شد و در کنار دریافت جوایز متعدد، شهروندی افتخاری کانادا به وی اعطا شد. اما به محض رسیدن بر کرسی قدرت، گذشته‌ی خویش را از یاد برد و پای بر آرمان‌های دیرین‌اش نهاد. چشم بستن بر نسل‌کشی اقلیت مسلمانان روهینگیا تنها یکی از این موارد است. در پی این اقدامات بسیاری از جوایز از او پس گرفته شد و شهروندی کانادا نیز از او سلب شد.

دنیای سیاست هرگز مملو از پاکان نبوده است انگار به مرور از زنان و مردان بزرگ خالی و خالی‌تر می‌شود. خدا می‌داند چقدر باید زمان بگذرد تا اروپا دوباره ویلی برانت و یا واتسلاو هاول دیگری به خود ببیند و یا مردمان هند کی دوباره پیامبری همچون گاندی را بر مسند قدرت در کشور خود زیارت کنند و یا مادر قاره‌ی سیاه ستاره‌ی درخشان آزادی و انسانیت، نلسون ماندلا را دوباره بزاید.



کانادا  
کبک  
انتاریو  
بریتیش کلمبیا  
باهمستان افغان و ایرانی

اخبار و  
گزارش ها



**DAVID BERGER**

Avocat - Attorney  
Immigration-Refugees-Citizenship

**دیوید برگر**

پنج دوره نماینده مجلس فدرال و سفیر سابق کانادا  
عضو کانون وکلای کبک، مهاجرت - پناهندگی - شهروندی

- تقاضای اقامت موقت و دائم، شامل ویزای دانشجویی، ملاقات، نیروی کار ماهر
- تقاضای مهاجرت از طریق برنامه های تجاری و انسان دوستانه
- تقاضای پناهندگی، فرجام درخواست های پناهندگی
- بررسی حقوقی تقاضاهای ارائه شده به دادگاه فدرال کانادا و دادگاه عالی کبک
- توجه خاص به نیازهای حقوقی مراجعه کننده

Tel: 514-284-1157

[www.cilaw.ca](http://www.cilaw.ca)

[david.berger@cilaw.ca](mailto:david.berger@cilaw.ca)

1980 Sherbrooke Street West, Suite 900-25, Montreal, Quebec H3H 1E8

## احتمال تعدیل محدودیت‌ها از اواخر ژوئن

انجام داده خوشبینانه‌تر و روشن‌تر است. بر مبنای همین مدل‌های محاسباتی است که دولت انگلیس لغو تدریجی محدودیت‌های بهداشتی را از هفدهم ماه می پیش‌بینی کرده است. اما کریستیان دوبه وزیر بهداشت کبک اعلام کرده که به رغم سرعت قابل توجه پوشش واکسیناسیون، هنوز خیلی زود است که بخواهیم برای لغو محدودیت‌ها یک تاریخ مشخص ارائه کنیم. در عین حال خود آقای تومب نیز اذعان دارد که پیش‌بینی‌هایی که ارائه کرده است، قطعیت ندارد و تحقق آنها منوط به فراهم بودن برخی شرایط است چرا که بخشی از جامعه همچنان برای واکسینه کردن خود مردد هستند یا این که تحویل واکسن‌های مورد نیاز ممکن است با وقفه یا تاخیرهایی همراه شود.

را در این زمینه بر مبنای شمار دوزهای واکسن کووید ۱۹ که روزانه در کشور تزریق می‌شود، استوار کرده است. به گزارش هفته، به‌نقل از ژورنال دو مونریال، طبق محاسبات آقای تومب، تا تاریخ ۲۸ ژوئن ۷۵ درصد شهروندان کانادایی اولین دوز واکسن و ۲۰ درصد هر دو دوز واکسن را دریافت کرده‌اند.

دکتر ترزا تام مدیر آژانس بهداشت عمومی فدرال هفته گذشته اعلام کرد هرگاه واکسیناسیون در کشور به این سطح رسید، می‌توان به لغو تدریجی تدابیر پیشگیرانه فکر کرد. به گفته خانم تام، کارشناسان بهداشت عمومی کانادا پیش‌بینی کرده‌اند که این هدف احتمالا بین ژوئیه و اوت آینده محقق خواهد شد اما محاسباتی که دکتر تومب



ترور تومب استاد اقتصاد دانشگاه کلگری

اگر واکسیناسیون در کانادا با همین آهنگ ادامه داشته باشد، تعدیل یا لغو تدریجی تدابیر بهداشتی زودتر از آن چه مسئولان بهداشت عمومی فدرال پیش‌بینی کرده‌اند، آغاز خواهد شد.

این نتیجه محاسبات ترور تومب Trevor Tombe استاد اقتصاد دانشگاه کلگری است که پیش‌بینی‌های خود

## گران‌ترین خانه در کبک در لیست فروش

هشت هزار متر مربع ساخته شده است و ۶۷ اتاق از جمله ۱۲ اتاق خواب و هشت حمام دارد. رکورد قیمت خانه در حال حاضر در کبک مربوط به ملکی واقع در خیابان Redpath-Crescent است که سال گذشته توسط لیزا کوفمن به قیمت ۱۸ میلیون دلار فروخته شد اما کوفمن اکنون می‌خواهد رکورد خودش را بشکند. مالک فعلی این عمارت می‌گوید به زودی بچه‌های ما مستقل می‌شوند و ما را ترک می‌کنند به همین علت دیگر به خانه‌ای به این بزرگی نیاز نداریم. در حال حاضر سه خریدار بالقوه تمایل خود را برای خرید این عمارت اعلام کرده‌اند.

و مجل در مونترال که به یک کاخ کوچک شباهت دارد، قرار است به قیمت بی‌سابقه‌ای فروخته شود. به گزارش هفته، به‌نقل از رادیو کانادا، این ملک که در دامنه کوه رویال در خیابان Pins Ouest در محله اعیان نشین Golden Square Mile واقع شده، به قیمت ۲۹.۹ میلیون دلار برای فروش عرضه شده است. لیزا کوفمن کارگزار مسئول فروش و موسس آژانس املاک و مستغلات Sotheby's Québec می‌گوید: «اگر بتوانیم این خانه را نزدیک به قیمتی که تعیین شده است بفروشیم، به گران‌قیمت‌ترین خانه‌ای تبدیل خواهد شد که تا کنون در کبک به فروش رسیده است.» این عمارت تقریباً سه هزار متری در زمینی به مساحت



این عمارت مجل که در مونترال واقع شده، ۲۹.۹ میلیون دلار قیمت گذاری شده است.

با گران‌ترین خانه‌ای که در کبک به فروش گذاشته شده است، آشنا شوید.

این روزها که بازار فروش ملک و به ویژه خانه‌های لوکس در کبک رونق خوبی پیدا کرده است، یک عمارت بزرگ

## تظاهرات روز جهانی کارگر به رادیو کانادا نیز کشیده شد

کارگر تظاهراتی تحت عنوان «سالم و ایمن از بحران خارج شویم»، برگزار کرد. این ائتلاف با انتشار بیانیه‌ای در در صفحه فیسبوک خود اعلام کرد: «اهمیت چالش‌های اجتماعی که بحران کووید ۱۹ برای همه نمایان ساخته است، ضرورت برگزاری تظاهراتی را نشان می‌دهد که در آن اتحادیه‌ها و سازمان‌های اجتماعی پنج مطالبه اصلی را پیگیری کنند: خروج از بحران فعلی با خدمات عمومی قوی، خروج از بحران با کاری که کارگران را بیمار نمی‌کند، خروج از بحران با کاری که شایسته و درخور کارگران است، خروج از بحران با تقویت حقوق کارگران، خروج از بحران با تعهدات زیست محیطی واقعی.»

سخنگوی پلیس مونترال گفت: «نزدیک به ۳۰ تظاهرکننده وارد ورودی اصلی ساختمان رادیو کانادا شدند و پس از سردادن شعارهایی به درخواست پلیس آنجا را ترک کردند.»

برابان افزود معترضان هنوز هم بیرون ساختمان رادیو کانادا هستند و پلاکاردهایی در دست دارند که بر روی بسیاری از آن‌ها نوشته شده است: «جانان برخیزید!» یکی از سازمان دهندگان این تظاهرات به نام بونوا که نخواست هویتش به طور کامل فاش شود، تاکید کرد: «بولهوسوی‌های فرانسوا لوگو حقوق ما کارگران را یکی یکی پایمال می‌کند.»

«ائتلاف اول می مونترال» نیز به مناسبت روز جهانی



دهه‌ها نفر که روز شنبه اول ماه می در تظاهرات روز جهانی کارگر در مونترال شرکت کرده بودند، برای اعلام خواسته‌ها و رساندن صدای اعتراض خود وارد ساختمان رادیو کانادا شدند اما خیلی زود با مداخله پلیس شهر مونترال مجبور به ترک ساختمان شدند. به گزارش هفته، به‌نقل از لاپرس، ژان پییر-برابان



## تظاهرات هزاران نفر در مونترال در اعتراض به محدودیت‌های بهداشتی



هزاران شهروند مونترالی روز شنبه اول ماه می به دعوت جنبش «کبک برخیز» برای برپایی تظاهرات به خیابان‌ها آمدند تا اعتراض خود را به محدودیت‌های بهداشتی که از نظر آن‌ها «افراط گرایانه و غیرقابل توجیه» است، نشان دهند. سازمان‌دهندگان این تظاهرات تاکید کردند: «وقت آن است که همه برای ایجاد یک تجمع تاریخی و مسالمت آمیز به پا خیزیم.» به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، ساموئل

که ایجاد شده، آزادی را به عنوان یک دستاورد مهم در کشور به خطر انداخته است.» آقای برنیه لغو مقررات منع رفت و آمد شبانه و محدودیت‌های بهداشتی را که به گفته او موجب افزایش خودکشی‌ها و تاخیرهای طولانی در عمل‌های جراحی می‌شود، خواستار شد.

به رغم تعداد بالای افرادی که در این تظاهرات حضور داشتند، کورین ژاندرون استاد دانشکده مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی دانشگاه کبک مونترال تاکید کرد اکثر کبکی‌ها با تدابیر بهداشتی فعلی موافق هستند و این محدودیت‌ها را در شرایط فعلی ضروری می‌دانند.

گرونیه یکی از سازمان‌دهندگان این تظاهرات با تاکید بر این که هم مخالفان و هم طرفداران واکسن در این جنبش حضور دارند، اعلام کرد: «ما همه با پاسپورت بهداشتی مخالف هستیم.»

گرونیه افزود: «تدابیر بهداشتی بسیاری از روابط را از بین برده و خواسته ما این است که هر چه زودتر یک طرح درست و منطقی برای برچیدن قرنطینه به اجرا گذاشته شود.»

شرکت‌کنندگان در تظاهرات امروز مونترال غالباً ماسک زده بودند و فاصله فیزیکی را نیز رعایت نمی‌کردند. ماکسیم برنیه نماینده پیشین فدرال که در این تظاهرات حضور داشت، گفت: «متأسفانه شرایطی

## مانیتوبا: حداقل سن برای تزریق آسترانکا به ۳۰ سال کاهش یافت



از این پس تزریق واکسن آسترانکا به شهروندان ۳۰ سال به بالا در مانیتوبا مجاز خواهد بود

است، استفاده از آن از سر گرفته شد. CCNI نیز بار دیگر استفاده از این واکسن را به افراد بالای ۳۰ سال توصیه کرده اما همچنان واکسن‌های فایزر و مدرنا را که ویژگی‌های ایمنی بیشتری دارند و کانادایی‌ها نیز نظر مساعدتری نسبت به آن‌ها دارند، در اولویت قرار می‌دهد. دولت مانیتوبا همچنین اعلام کرد کلیه افراد ۱۸ سال به بالا نیز که برخی شرایط خاص را دارند می‌توانند، آسترانکا تزریق کنند. به عنوان مثال زنان باردار یا افرادی که در مراکز مراقبت‌های درمانی کار می‌کنند، می‌توانند برای دریافت آسترانکا وقت بگیرند. جزئیات بیشتر مربوط به این تصمیمات در پایگاه اینترنتی دولت مانیتوبا منتشر شده است.

پزشکی خاص رنج می‌برند. فهرستی از این افراد در پایگاه اینترنتی دولت استانی مانیتوبا منتشر شده است.

دولت مانیتوبا در بیانیه خود تصریح کرد توصیه‌های کمیته مشورت ملی مصونیت CCNI را که همین هفته به روزسانی شده است، دنبال می‌کند.

پس از مشاهده برخی موارد لخته خونی در افرادی که واکسن آسترانکا را تزریق کرده بودند، استفاده از این واکسن برای یک مدت کوتاه در برخی کشورها به ویژه کشورهای اروپایی به حال تعلیق درآمد اما کارشناسان با تاکید بر این که موارد لخته خونی ناشی از تزریق آسترانکا بسیار نادر و فواید این واکسن بیشتر از زیان‌های احتمالی آن

تزریق واکسن آسترانکا تحت برخی شرایط به افراد ۱۸ سال به بالا نیز گسترش یافته است. دولت مانیتوبا روز جمعه ۳۰ آوریل با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد حداقل سن برای تزریق واکسن آسترانکا به ۳۰ سال کاهش می‌یابد. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، طبق این بیانیه، در میان افراد ۳۰ سال به بالا کسانی برای واکسیناسیون در اولویت قرار می‌گیرند که از مشکلات

## افزایش حداقل حقوق در کبک از شنبه، اول ماه مه



کبک معتقد است که افزایش نرخ کلی حداقل دستمزد شرایط را برای پرداخت عادلانه‌تر دستمزدها فراهم خواهد کرد بدون این که به اشتغال یا رقابت بین کسب و کارها لطمه وارد کند. از دیدگاه آقای ژان بوله، این افزایش حداقل حقوق می‌تواند به کاهش نابرابری دستمزدها و افزایش قدرت خرید کارمندان کمک کند.

شمار کارمندان در استان کبک حدود ۲۸۷ هزار نفر است که ۱۶۴ هزار و ۷۰۰ نفرشان زن هستند.

حداقل حقوق در استان زیبا از روز شنبه اول ماه می به ۱۳.۵۰ دلار در ساعت افزایش می‌یابد.

افزایش ۳.۱ درصدی حداقل حقوق (معادل ۰.۴۰ دلار) در کبک این امکان را به دولت فرانسوا لوگو خواهد داد تا در سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۲۱ هدف مدنظر خود را که نسبت ۵۰ درصدی بین نرخ حداقل حقوق و متوسط دستمزد ساعتی است، تحقق بخشد.

دولت فرانسوا لوگو دسامبر گذشته از افزایش حداقل دستمزد ساعتی خبر داده بود. ژان بوله وزیر کار، اشتغال و همبستگی اجتماعی

حداقل حقوق در استان کبک از روز شنبه به ۱۳.۵۰ دلار در ساعت افزایش می‌یابد. به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، طبق اعلام قبلی دولت فرانسوا لوگو وزیر اول استان کبک،

## رویای سمیرا و هامون، کاراته‌بازان ایرانی در کانادا محقق شد

چیزی ممکن است. من یاد گرفته‌ام که همیشه در زندگی از چالش‌ها استقبال کنم. سمیرا ملکی پور در این باره به حرف‌های همسرش اضافه کرده است: ما یک برنامه بلندمدت برای المپیک داشته‌ایم و من خیلی خوشحالم که اینک و در کانادا دارد فرصتی برای این آرزوی همیشگی فراهم می‌شود؛ من می‌خواهم در بازی‌های المپیک کنار همسرم باشم. این بانوی ورزشکار که پله‌های ترقی را سریع پیموده و توانسته بود در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ مدال برنز را برای ایران کسب کند، درست در همان زمان اوج، به دلیل آسیب دیدگی زانو مجبور شد ورزش قهرمانی را کنار بگذارد و به مربی‌گری روی آورد.

اینک او امیدوار است همسرش که به سرعت تمام فن‌های متنوع را می‌آموزد بر رقبا پیروز شود و بتواند به المپیک تابستانی معوقه از سال گذشته برود. اگرچه این رقابت‌ها هنوز زیر سایه پاندمی کرونا قرار دارد.

به گزارش هفته، جاش براون خبرنگار ورزشی این روزنامه می‌نویسد: آرزوی آن‌ها این بود که در المپیک شرکت کنند اما تنها در صورتی که بتوانند این کار را با هم انجام دهند و این اتفاق هرگز در ایران برای این زوج ممکن نبود.

هامون در فشی پور که کمر بند مشکی دان سه دارد در گفت‌وگو با این روزنامه گفته است: دوست داشتم همسرم مربی من باشد اما ایران یک کشور اسلامی است و او در المپیک نمی‌تواند مربی من باشد.

بدین ترتیب این زوج تصمیم سختی گرفتند تا خانواده، دوستان و کار خود را در کرمانشاه ترک کنند و به کانادا بیایند تا بتوانند موقعیت برابر و عادلانه‌تری داشته باشند و با هم بازی‌های المپیک تابستانی توکیو را تجربه کنند.

در فشی پور ۲۷ ساله گفته است: وقتی به کانادا آمدم، همه به من گفتند که نمی‌توانم به المپیک بروم، چون وقت زیادی نبود. کمی ناراحت شدم اما به خودم گفتم که هر



زوج ورزشکار ایرانی، سمیرا ملکی پور و هامون در فشی پور بالاخره به رویای شرکت همزمان در المپیک رنگ واقعیت زدند. روزنامه منقطه‌ای واترلو رکورد هفته گذشته در صفحه نخست خود گزارشی را در مورد یک زوج کاراته‌کای ایرانی منتشر کرد که در کمبریج (یکی از مناطق زیرمجموعه‌ی واترلو) زندگی و مربی‌گری می‌کنند و اینک آرزوی المپیکی آنان محقق شده است.

## دود رفتار غیر اخلاقی برخی ایرانی‌ها به چشم همه می‌رود

وجود دارد. تا وقتی که به این معضل فرهنگی را باور نداشته باشیم و هر یک از ما روی آن کار نکنند نمی‌تواند در این جامعه زندگی کند. خود من تلاشم بر این است تا برخی از مشکلاتی را که از جامعه ایران با خودم اینجا آورده‌ام را رفع کنم چرا که حل نشدن آن برابر است با اینکه جامعه را به مرور به جامعه‌ای متشکل از افرادی مشابه با رفتار نادرست خودم تبدیل خواهیم کرد و این ناپسند است.

### دور باطل «زرتنگ‌بازی»

تاکید این متخصص اطفال بر این است که ممکن است به مرور با بروز چنین رفتارهایی سیستم قوانین سختگیرانه‌تری را اعمال کند. او می‌گوید: مایی که اینجا آمده‌ایم تا از دروغ، ریا و زرتنگ‌بازی دوری کنیم دوباره خودمان در کانادا همان رفتارهایی که بارها در ایران دیده شده را در اینجا مشاهده می‌کنیم.

به گفته بشارتی، مشاهده رفتار غیر اخلاقی در تزریق دوز دوم واکسن از سوی برخی ایرانی‌ها تنها یکی از مشکلات این مقوله است که شاید بی‌اهمیت‌ترین این گونه رفتارها باشد که باید برای آن‌ها فرهنگسازی کرد. البته رسانه‌های ایرانی هم باید در این راه کمک کنند و اینکه دیگر کامیونیتی‌ها نباید متوجه این قضیه شوند به عبارت دیگر این قضیه باید در داخل خانواده ایرانی خودمان طرح مساله و برای آن چاره‌ای اندیشیده شود که البته رفع این مشکل در مدت یک هفته و یک ماه ممکن نیست بنابراین نیاز برنامه‌ریزی فرهنگی، اطلاع‌رسانی و گذشت زمان دارد.

می‌دهند که هماهنگی این کار با کمک مرکز خانه ایران صورت می‌گیرد. یکی از اعضای گروه پزشکان که در بحث واکسیناسیون فعال است به صورت مکرر رفتارهای عجیبی مشاهده کرده مبنی بر اینکه متأسفانه برخی از هموطنان با استفاده از روش‌های غیرقانونی و غیر اخلاقی دوز دوم واکسن را زودتر می‌گیرند؛ از اینکه این افراد برای خودشان و برای افراد دیگر در دسر ایجاد و سیستم را هم سردرگم می‌کنند که بگذریم این رفتار مصداق همان رفتار ناپسندی است که بارها در صف نانوایی، اتوبوس و هنگام قرار گرفتن در ترافیک و حین رانندگی در ایران شاهد بوده‌ایم.

تاکید بشارتی بر این است که کشوری که اصل بر این است که شما انسان خوبی هستی مگر اینکه خلافش ثابت شود و اینکه رعایت قانون در آن اصل و مبنای زندگی است چنین عملکردی از سوی برخی از ایرانی‌ها قابل تامل و ناخوشایند است.

### پی‌آمد بزرگ رفتار یک گروه کوچک

نگرانی این فعال اجتماعی از این است که این اتفاق موجب می‌شود پیامد منفی آن مستقیم به جامعه ایرانی برگردد. به عبارت دیگر، دودش به چشم همه ایرانی‌ها می‌رود. یعنی اگر این قضیه در یکی از رسانه‌های انگلیسی‌زبان یا فرانسوی‌زبان منعکس شود مجموعه کامیونیتی ایرانی ضرر می‌کند. این رفتار برخی از ما باعث می‌شود تا نژادپرستی در برابر ایرانی‌ها امکان بروز پیدا کند.

بشارتی پیشنهاد می‌کند: قدم اول این است که بپذیریم چنین مشکلاتی بین تعداد اندکی از ایرانی‌ها



یک فعال اجتماعی از بروز یکسری رفتارهای غیرقانونی و غیر اخلاقی از سوی برخی ایرانی‌ها در کانادا خبر می‌دهد و می‌گوید: این رفتارها در برنامه تزریق دوز دوم واکسن کرونا نمایان شده که باید برای جلوگیری از وقوع و تکرار چنین اتفاق‌هایی فرهنگسازی کرد.

به گزارش هفته، دکتر امیرعباس بشارتی با اشاره به مشاهده برخی رفتارهای ناشایست از طرف شمار اندکی از ایرانی‌ها در روند واکسیناسیون، تاکید می‌کند: این قضیه در مساله تزریق دوز دوم واکسن کرونا نمود بیشتری پیدا کرده و بیانگر همان فرهنگ دور زدن و حق دیگران را در نظر نگرفتن است که به وفور در جامعه ایران دیده می‌شود غافل از اینکه اکثر ایرانی‌هایی که به کانادا آمده‌اند دقیقاً برای فرار از حاکمیت چنین نگاه و رفتارهایی، سرزمین خود را ترک کرده‌اند اما علیرغم مهاجرت و با وجود زندگی در سیستم منظمی که بر پایه اعتماد متقابل بنا شده است چنین فرهنگی در بین بعضی از ایرانی‌ها قابل مشاهده است و این بسیار دردناک است.

به گفته او، جمعی از پزشکان ایرانی تبار گروهی در تلگرام دارند که به گروه بزرگی از ایرانیان، مشاوره



## در نخستین کارگاه کاریابی کنگره ایرانیان کانادا چه گذشت؟



و بررسی کرد. به گفته آقای بهشتی، هر کسی باید رزومه خودش را بنویسد نه اینکه آن را به فرد دیگری بسپارد چراکه این موضوع در مصاحبه کاری مشخص خواهد شد. به عبارت بهتر، مصاحبه‌کننده این قضیه را از ظاهر و کلماتی که شما استفاده می‌کنید، متوجه خواهد شد؛ در چنین وضعی مسلم بدانید که از این مصاحبه کاری موفق بیرون نخواهید آمد.

تاکید به نوشتن درست و دقیق رزومه از دیگر بخش‌های سخنان او بود؛ اینکه باید حتما تحصیلات، مهارت‌ها، توانایی و تجربه‌های شما در رزومه به صورت مشخص و کامل بیان شود.

آقای بهشتی در این جلسه که بیش از دو ساعت به طول انجامید مباحث مختلف دیگری را هم عنوان کرد که علاقه‌مندان برای دسترسی به آن‌ها می‌توانند به سایت کنگره ایرانیان کانادا به نشانی [www.iccongress.ca](http://www.iccongress.ca) مراجعه کنند.

گفتنی است؛ کنگره ایرانیان کانادا قصد دارد با ادامه برگزاری کارگاه‌های ویژه برای کمک به کاریابی ایرانیان مهاجر در کانادا، مسیر ساده‌تر و هموارتری را به سوی ادغام در جامعه میزبان ترسیم کند. این سازمان از همه خواسته است تا با انتشار هر چه بیشتر این گفت‌وگوها و با عضویت در این سازمان، که بزرگترین سازمان مردم نهاد ایرانی کاناداست، در ایجاد محیطی سازنده و مشارکت ایرانی‌ها در فعالیت‌های گروهی و ارائه خدمات به جامعه خود کمک کنند.

سوی حاضران مطرح می‌شود، پاسخ دهد. پس از معرفی او، ایرج بهشتی تریبون را در این کارگاه آنلاین در اختیار گرفت و گفت: صحبت‌های من در این برنامه ماحصل حدود هفت سال حضور در جلسه‌های مختلف کاریابی در شهر مونترال است که توسط حسین پورشفیعی، یک نیکوکار در مونترال برگزار می‌شد. او سالن محل کارش را در اختیار گروه می‌گذاشت تا ما ماهی یا دو ماهی یک بار از آن فضا برای اشتراک نظرها، پیشنهادهای و آرایه راهکار به دیگران استفاده کنیم. من در این مدت از تازه‌واردان جوان ایرانی آموختم و البته افرادی هم از کشورهای دیگر مثل سریلانکا و مکزیک در این جلسه‌ها شرکت می‌کردند تا بتوانند از مطالبی که در این نشست‌ها آرایه می‌شود، استفاده کنند.

سپس او با نمایش اسلایدهایی، به بیان تجربه‌های گذشته خود درباره نحوه استخدام تازه‌واردان در شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف و فرهنگ کاریابی در کانادا و آمریکا پرداخت.

بهشتی تاکید کرد: نگاهی که در اینجا به تازه‌واردان می‌شود این است که اشتیاق تازه‌واردان برای اشتغال و موفقیت در کارشان بیشتر است بنابراین فکر نکنید چون تازه‌وارد هستید کار پیدا نخواهید کرد یا کار پیدا کردن برای شما سخت است.

چگونگی فرآیند استخدام در شرکت‌ها، بررسی رزومه‌ها و ارسال بین حتی ۲۰۰ تا ۵۰۰ رزومه به صورت هفتگی به شرکت‌ها و طولانی شدن پاسخ‌دهی به شما به دلیل ازدیاد رزومه‌ها از دیگر مباحثی بود که او در این نشست مطرح

کنگره ایرانیان کانادا نخستین کارگاه کاریابی برای مهاجران و تازه‌واردان ایرانی را برگزار کرد.

کارگاه «چگونه کار پیدا کنیم؟» در حالی یکشنبه دوم ماه می ۲۰۲۱ اجرا شد که آقای دکتر ایرج بهشتی از شهر مونترال سخنران آن بود.

در معرفی ایرج بهشتی آمده است: او دکترای شیمی عالی از دانشگاه ساسکس انگلستان و دارای مدرک مدیریت تجاری از دانشگاه سن توماس در مینیا پلیس آمریکا است. دکتر بهشتی تجربه عمیقی در ایجاد فرصت‌های تجاری و برنامه‌ریزی خدمات جدید دارند که منابع سودآوری ایجاد می‌کند. دکتر بهشتی سال‌هاست در مونترال و با همکاری سازمان‌های مردم نهاد ایرانی‌کانادایی در این شهر، داوطلبانه به انتقال تجربیات فعالیت خود در زمینه‌های مدیریتی به نسل‌های جدید مهاجران ایرانی می‌پردازد و تاکنون صدها نفر از مهاجران ایرانی‌کانادایی از تجربیات ایشان بهره‌مند شده‌اند.

در این برنامه مریم حجازی نیز از شهر مونترال با سابقه ۱۵ سال فعالیت در سازمان‌های بزرگ در حوزه‌های سیستم مدیریتی، مدیریت پروژه و بهبود فرآیند کار حضور داشت تا به پرسش‌های مرتبط با حوزه کاری خود که از

## ویدئوی آموزش پر کردن فرم‌های مالیاتی سال ۲۰۲۰

و خود اشتغالی پیشنهاد می‌کنیم با متخصص امور مالیاتی مشورت کنید. با سپاس فراوان از آقای تجلی و موسسه Qual-ivest برای همکاری بی دریغشان در تهیه این ویدئو راهنما. برای اطلاع از چگونگی دسترسی به ویدئو می‌توانید به کانال تلگرام هفته به نشانی [haftehmontreal@](mailto:haftehmontreal@) مراجعه کنید.

سازمان پند از انتشار یک ویدئو آموزشی برای راهنمایی قدم به قدم پر کردن فرم‌های مالیاتی سال ۲۰۲۰ خبر داده است.

این سازمان نوشته است: این ویدئوی راهنما ویژه ساکنان انتاریو است. همچنین در نظر داشته باشید این راهنما برای مالیات‌های ساده و غیر پیچیده است، برای موارد پیچیده‌تر



## مجمع عمومی سالیانه کاسپین برگزار می‌شود

شرکت کند. در ادامه آمده است: لازم به ذکر است فقط دانشجویان دانشگاه‌های مونترال، HEC و پلی تکنیک می‌توانند در این نشست حضور پیدا کنند. همچنین تنها دانشجویان حاضر در مونترال می‌توانند به‌عنوان کاندیدا در انتخابات برد مدیریتی کاسپین شرکت کنند. گفتنی است؛ برای حضور در جلسه ثبت‌نام الزامی است. برای دسترسی به لینک ثبت‌نام می‌توانید به کانال تلگرام هفته به نشانی [haftehmontreal@](mailto:haftehmontreal@) مراجعه کنید.

نشست سالیانه انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه مونترال (کاسپین) روز پنج‌شنبه ۶ می ۲۰۲۱ به‌صورت آنلاین می‌شود.

این انجمن نوشته است: هدف از این نشست انتخاب اعضای جدید گروه و شنیدن نقدها، پیشنهادهای و نظرهای سازنده شما برای بهبود عملکرد انجمن است. شرط ماندگاری تمامی انجمن‌های دانشجویی مشارکت دانشجویان است بنابراین از همه دوستانی که علاقه‌مند به انجام کار داوطلبانه در برد مدیریتی انجمن کاسپین هستند، دعوت می‌کنیم در این نشست و انتخاب اعضای برد مدیریتی جدید



## کتابخوانی و بحث درباره مغز عاطفی بشر

برگزار می‌شود. طبق اطلاعیه این گروه، در این جلسه درباره «مغز عاطفی بشر» تبادل نظر و بحث خواهد شد. علاقه‌مندان برای اطلاع از چگونگی حضور در این برنامه به کانال تلگرام هفته به نشانی [haftehmontreal@](mailto:haftehmontreal@) مراجعه کنند.

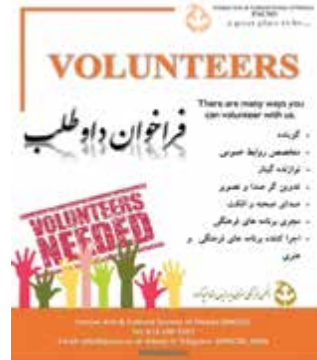
گروه روانشناسی باشگاه کتاب مونترال دوازدهمین نشست خود را به خوانش کتاب هوش عاطفی اثر دنیل گلمن اختصاص داده است. این برنامه روز شنبه ۸ می ۲۰۲۱ ساعت ۱۸ تا ۱۹ به وقت شرق کانادا در نرم‌افزار زوم



## انجمن پاکسو داوطلب می‌پذیرد

گفتنی است؛ به داوطلبان گواهی ساعت کار داوطلبانه در انجمن‌های غیرانتفاعی کانادا اعطا می‌شود. در صورت علاقه شما می‌توانید با آقای همایون راستان، مسئول برنامه‌گذاری پاکسو از طریق ایمیل [homayoun\\_rastan@yahoo.com](mailto:homayoun_rastan@yahoo.com) در تماس باشید. برای کسب اطلاعات بیشتر از سایر برنامه‌ها نیز می‌توانید به وبسایت این انجمن به نشانی [www.pacso.ca](http://www.pacso.ca) مراجعه کنید.

انجمن فرهنگی هنری ایرانیان اتاوا (پاکسو) قصد دارد برای افزایش فعالیت‌های فرهنگی و هنری جامعه ایرانی در شهر اتاوا از نیروهای جوان و مستعد بیش از پیش استفاده کند. در اطلاعیه این انجمن آمده است: هیات‌مدیره پاکسو فراخوان جذب همکاری داوطلبانه را ارائه داده و از تمامی ایرانیان علاقه‌مند دعوت می‌کند تا برای همکاری به ما بپیوندند.



## اولین دورهمی کتابخوانی کودکان و نوجوانان

این برنامه روز ۷ می ۲۰۲۱ از ساعت ۲۰ تا ۲۰ و ۴۵ دقیقه به صورت آنلاین اجرا می‌شود. در صورت تمایل برای حضور فرزند دل‌بندتان می‌توانید به شناسه [mahsa\\_2137@](mailto:mahsa_2137@) در تلگرام پیام بدهید.

اولین جلسه باشگاه کتاب کودک و نوجوان مونترال در گروه آسمان با خوانش کتاب «هوش کتابخانه» اثر «دنیل کرک» برگزار می‌شود.



## آگاهی بخشی درباره جامعه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی

در جامعه، مقایسه واکنش عمومی جامعه در دو کشور ایران و کانادا، باورهای غلط و چالش‌های پیش‌رو در خانواده، فرهنگ، اجتماع، دین، قانون و... معرفی برنامه‌های آموزشی و حمایتی دولت کانادا و برنامه‌های آینده ما برای ایرانیان LGBTQ است. این سمینار رایگان روز شنبه ۱۵ می ۲۰۲۱ از ساعت ۱۳ تا ۱۵ به وقت شرق کانادا برگزار می‌شود. گفتنی است؛ دکتر رهبری، پزشک و کاندیدای دکترای ارتباطات سلامت و سوگل کافی، کاندیدای دکترای روان‌درمانگر سخنرانان این برنامه هستند. برای اطلاع از چگونگی ثبت‌نام و دسترسی به لینک ورود به جلسه به کانال تلگرام هفته به نشانی [haftehmontreal@](mailto:haftehmontreal@) مراجعه کنید.

سازمان پند در صدد برگزاری سمیناری برای آگاهی بخشی درباره جامعه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی است. این سازمان نوشته است: افزایش اطلاعات و آگاهی ما در مورد این جامعه، امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است. پذیرش همه افراد در یک جامعه، با وجود تفاوت‌هایی که با هم دارند مستلزم آشنایی و شنیدن روایت انسان‌ها از تجربه زیست آنان است. طبق این اطلاعیه، هدف از برگزاری این سمینار، پرداخت به موضوعات این گروه اجتماعی با حضور کنشگران، برخی اعضای این جامعه و متخصصان و آشنایی بیشتر عموم ایرانیان مقیم کانادا با جامعه LGBTQ+ است. معرفی کلی اصطلاح LGBTQ+، عادی‌سازی پذیرش





# Ali Samadian

Real Estate Broker

ROYAL LEPAGE  
PARTENAIRE

438.504.5922

مشاور املاک مسکونی و تجاری در مونترال بزرگ



- متخصص در خرید و فروش واحد های آپارتمانی و منازل ویلایی
- برای مشورت با من تماس بگیرید، بدون تعهدی از سوی شما در خدمت تان هستیم

## علی صمدیان

### مشاور املاک

لیسانس رشته شهرسازی

# حامد ملکی

## Hamed Maleki

- ✓ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- ✓ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ✓ تهیه و کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ
- ✓ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف

مونترال جهت خرید  
hamedmalekirealstate  
(514) 5571929

مشاور رسمی مسکن در استان کبک



Vendirect.ca

# بهار ایزدی

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ  
خرید، فروش و پیش فروش

MIMMOBILIER  
BAHAR IZADI  
REAL ESTATE ADVISOR

BUY  
SALE  
PRESALE



انتخاب خوب هنر است.



514 651 48 26

برای انتخاب هنرمندانه با من تماس بگیرید.  
bahari@immontreal.com



Multi-Prêts  
HYPOTHÈQUES  
AGENCE HYPOTHÉCAIRE

## مریم رمضانلو

کارشناس وام مسکن

- تازه واردین
- تمدید وام
- خود اشتغالی
- سرمایه گذاری
- دسترسی به وام دهندگان خصوصی
- پرداخت بدهی
- ترمیم کردیت بد

خدمات وام مسکن در زمان و مکان مورد نظر شما  
ارائه بهترین نرخ بهره و وام  
مطابق شرایط منحصر به فرد شما در کوتاه ترین زمان ممکن

mramezanloo@multi-prets.ca  
boulevard Taschereau, suite 212, Brossard, Québec, J4Z 1A6 ,6185

438-926 5626

## گفت‌وگو

گفت‌وگوی اختصاصی هفته با سناتور راتنا امیدوار  
رازهای محبوبیت دختر سیاسی گاندی در کانادا  
خاطراتی از ایران و تلاشی گسترده برای مهاجران  
نظرات او درباره جمهوری اسلامی، پهلوی و مصدق



# پرونده



# رازهای محبوبیت فرزند سیاسی گاندی در کانادا

با تصویب لایحه S2019 منسوب به سناتور کولز درباره مسدود کردن بیشتر راه‌های از سرگیری روابط دیپلماتیک با ایران به علت مسائل حقوق بشری بود. راتنا در پایان سخنرانی خود در مخالفت با این لایحه گفته بود: «من می‌خواهم حرفی از سناتور کولز را نقل کنم که گفت دیپلماسی حیوان عجیبی است ... قرار است دیپلماسی ... آماده رسیدن لحظه‌ای باشد که فرصتی برای گفت‌وگو وجود دارد زیرا در نهایت گفت‌وگو از بروز فاجعه و حتی جنگ جلوگیری خواهد کرد.»

از جهتی دیگر، راتنا هم مانند گاندی پرورش‌یافته مهاجرت است. اگر باپو ۲۱ سال از عمر و جوانی‌اش یعنی از ۲۳ تا ۴۴ سالگی را در آفریقای جنوبی گذراند و آینده و استقلال هند و اتوپیای جامعه بی تبعیض را آنجا مشق کرد، راتنا هم سال‌های زیادی است که حس یک مرغ مهاجر را دارد و خارج از زادگاهش زندگی می‌کند. او پس از تحصیل در دانشگاه دهلی به آلمان رفت و با یک ایرانی به نام مهران امیدوار ازدواج کرد. این پیوند چند صباحی راتنا را به ایران برد اما با زلزله انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و پس‌لرزه شدید آن، یعنی آغاز جنگ ۸ ساله ایران و عراق، آنها مجبور شدند دوباره به آلمان برگردند و در نهایت به کانادا مهاجرت کنند. راتنا گفته ترک ایران از سر ناچاری بوده و گر نه مهران می‌بایست در جنگ با عراق شرکت می‌کرد. در این «نه» به جنگ هم سایه گاندی حضور دارد.

راتنا مانند گاندی هدف بزرگی را در سیاست دنبال می‌کند و مانند بسیاری از سیاسیون به روزمرگی دچار نشده، برعکس اهداف بزرگش از او یک سیاستمدار پرشور ساخته است. اگر هدف یا همان آرمان بزرگ گاندی بازگرداندن استقلال هندوستان بود، به نظر می‌رسد راتنا هم در تمام این سال‌ها اهداف بزرگی را درباره بهبود وضعیت مهاجرت و مهاجران در کانادا پیگیری کرده است. به بیان دیگر داشتن یک هدف بزرگ به برند سیاسی راتنا رنگ و بوی خاصی بخشیده که در کمتر سیاستمداری دیده می‌شود.

راتنا هم مانند گاندی یک برند اصیل است یعنی میان آنچه می‌گوید و پیگیری می‌کند و با ویژگی‌های منحصر به فرد شخصی او هماهنگی وجود دارد و شاید همین باعث تمایز او از بسیاری سیاستمداران دیگر در کانادا می‌شود. اصالت در اینجا به آن معناست که وقتی راتنا هدف خودش از حضور در سیاست را بهبود وضعیت مهاجرت به کانادا و دسترسی برابر مهاجران به ابزارهای رشد فردی و اجتماعی عنوان می‌کند، این هدف با پیشینه و سایر ویژگی‌ها او همخوانی دارد. راتنا روایت کرده زمانی که در برای مهاجرت به کانادا اقدام کرده ظرف سه روز درخواست او رد شده است. این در بسته آن چیزی نبود که راتنا و مهران انتظارش را داشتند اما آنها ناامید نشدند ... وقتی سیاستمداری با این گذشته از بهبود مشکلات مهاجرت و مهاجران در کانادا حرف می‌زند، از چیزهایی می‌گوید که از دل برآمده و لاجرم بر دل مخاطبانش خواهد نشست. این همان معنای اصالت است.

همه برندهای سیاسی بزرگ برای جامعه مخاطبان خودشان فایده‌هایی دارند به این معنا که کلید حل مشکلی هستند یا از حضور آنها در سیاست فواید احساسی و نمادینی به گروه مخاطبان هدف آنها می‌رسد.

اگر مهاتما گاندی رهبر فقید هندوستان در کنار چهار فرزند پسرش صاحب دختری می‌شد که از خصایل سیاسی و فکری پدرش هم بویی می‌برد، آن دختر احتمالاً از خیلی جهات می‌توانست به راتنا امیدوار، سیاستمدار هندی‌تبار این روزهای کانادا شباهت داشته باشد.

سناتور راتنا امیدوار که این روزها یک سیاستمدار مشهور و محبوب و یک نماینده متعهد مجلس سنای کانادا است، در سال ۱۹۴۹ یعنی حدود یک سال پس از ترور گاندی، در امریتسار هند به دنیا آمد. «دربار صاحب» زیارتگاه اصلی پیروان آیین یا دین سیک در این شهر قرار دارد که «گورو نانک» پیامبر آن می‌گفت باید راه خدا را بروم، نه راه اسلام و هندو. این تنها یکی از ده‌ها چندرنگی دینی کشور هفتاد و دو ملت است. تولد در چنین کشوری می‌تواند ناخودآگاه نوعی حساسیت مثبت یا منفی نسبت به تنوع دینی، فرهنگی و اجتماعی در فرد ایجاد کند. نوع مثبت آن مانند مهاتما گاندی می‌شود که ادیان مختلف را به رسمیت می‌شناخت و استقلال و یکپارچگی هند را در زندگی مسالمت‌آمیز پیروان آنها کنار یکدیگر جستجو می‌کرد. نوع منفی آن هم مانند ناتورام گودسه می‌شود که هندوستان را تنها سرزمین مردم هندو می‌دانست و با همه ارادت قلبی به گاندی، خشونت پرهیزی او برابر مسلمانان را تاب نیاورد و در نهایت نام خودش را به‌عنوان قاتل گاندی در تاریخ جاودانه کرد.

بنابراین زادگاه راتنا چنین سرزمینی است که در آن نمی‌توان نسبت به تنوع بی‌طرف بود. حتی جاستین تروود هم در جریان سفر چندروزه به هند همراه خانواده در سال ۲۰۱۸ در کنار حضور در «دربار صاحب» از خانه مهاتما گاندی، معبد بزرگ هندوها، اصلی‌ترین مسجد مسلمانان و از بزرگ‌ترین کلیسای کاتولیک‌ها بازدید کرد تا به یک

و نیم‌میلیون هندی کانادا پیام دهد که تنوع آنها را می‌بیند و به رسمیت می‌شناسد. راتنا امیدوار هم بی‌طرف نیست و بخشی از میراث سیاسی گاندی را در برند سیاسی خودش حمل می‌کند که اتفاقاً می‌تواند مشتریان پروپاقرصی در کانادا با آمیخته‌ای از بالای صد ملت و انواع گوناگونی انسانی داشته باشد؛ او از جنگ و خشونت بیزار است، تبعیض در تقسیم قدرت و منابع اقتصادی بر پایه رنگ و نژاد و مذهب و تفکر قالبی را برنمی‌تابد و رواداری درباره رنگ‌ها، ادیان، ملت‌ها و باورهای متفاوت را ناگزیر می‌داند. برای اثبات میراث‌داری راتنا از برند بزرگ گاندی کافی است کارنامه عملکرد او در مجلس سنا، از جمله تلاش‌هایش برای آسان‌سازی مهاجرت مردم کشورهای غیر غربی به کانادا و گرفتن شهروندی این کشور، فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی مانند پایه‌گذاری اندیشکده جهانی تبادل تنوع نژادی و سایر سمت‌های رسمی و غیررسمی و سخنرانی‌هایش مرور شود.

عدم خشونت عنصر جوهری برند گاندی است به طوری که شاید برخی منتقدانش بگویند او حاضر نبود حتی در برابر تجزیه هند هم از آن دست بکشد. البته طرف‌داران گاندی هم می‌توانند استدلال کنند با روش نافرمانی مدنی مبتنی بر همین عدم خشونت بود که او استقلال هند را به دست آورد. به‌هرحال این بعد برند گاندی در شخصیت سیاسی سناتور راتنا امیدوار هم دیده می‌شود که یکی از نمودهای جالب آن مخالفتش

دست آخر همه عناصری که راتنا از برند سیاسی گاندی به ارث برده با بافت اجتماعی و سیاسی کانادا همخوانی پیدا کرده و در جهت تسهیل انطباق مهاجران با قرار گرفته است. از همین جهت او مهاجرت را یک معامله برنده - برنده می‌داند: «من می‌گویم که این معامله‌ای است که ما با این ملت [کانادایی‌ها] انجام می‌دهیم و این ملت با ما [مهاجران] می‌سازد و هر دو طرف باید مطابق قرارداد عمل کنند ... ما سخت تلاش خواهیم کرد آداب و رسوم و خصوصیات شما را بیاموزیم، با زمستان کنار بیاییم و فرزندان ما کانادایی شوند. شما هم منصفانه با ما رفتار خواهید کرد و فقط به دلیل لهجه، زبان یا کشوری که از آن آمده‌ایم با ما متفاوت رفتار نخواهید کرد.»

حضور گاندی در سیاست این فایده را برای مردم هند داشت که با به دست آوردن استقلال، عزت‌نفس ملی خود را به دست آوردند. «پاپو» برای حل مهم‌ترین مشکلات جامعه هند از جمله حل اختلاف‌های عمیق فرهنگی، دینی و طبقاتی راه‌حلی داشت که به عینی‌ترین شکل ممکن فایده‌های برند او را برای جامعه هند نشان می‌داد. حضور راتنا در سیاست کانادایی و به‌ویژه برای بخش مهاجر فایده‌های به همراه داشته که برند او را بیش از پیش تقویت می‌کند از جمله تلاش‌های منجر به نتیجه او برای تسهیل گرفتن شهروندی کانادا برای مهاجران از طریق حذف سخت‌گیری‌های مربوط به مهارت‌های زبانی.

خسرو شمیرانی



## گفت‌وگوی اختصاصی هفته با سناتور راتنا امیدوار:

گاهی از خود می‌پرسم: هویت من  
واقعا چیست؟ هندی، آلمانی، ایرانی  
یا کانادایی؟

زمان خیلی جوان بودم و زندگی عاشقانه‌ای با همسر ایرانی محبوبم داشتم. من با همسر در آلمان آشنا شدم، زمانی که هر دو در ایالت بایرن آلمان تحصیل می‌کردیم. سپس ما تصمیم گرفتیم که به ایران برویم و زندگی جدیدی را آنجا شروع کنیم. همسر هرگز در ایران زندگی نکرده بود و همواره ساکن اروپا بود و من هم هرگز در ایران زندگی نکرده بودم. من نیز متولد هندوستان بودم و آنجا بزرگ شده بودم.

خانم سناتور راتنا امیدوار گرمی برای خوانندگان راسنه ما که افغان و ایرانی هستند بسیار جالب است تا از دست اول درباره تجربه مهاجرت اول شما بدانند، مهاجرت و اسکان در ایران، در سالهای پرشور و پیش و پس از ۱۹۷۹. لطفاً می‌کنید از خاطرات آن دوران برای ما بگویید؟ من خاطرات زیادی از روزهایی که در ایران زندگی می‌کردم دارم، یعنی از ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۸۱ که به ناچار از ایران فرار کردیم. من آن



وقتی دنیای اطراف شما آتش می‌گیرد، لاجرم این آتش دامن شما را هم خواهد گرفت و این همان اتفاقی بود که برای ما افتاد و ما بالاخره ناچار شدیم که این کشور را حتی بدون خداحافظی ترک کنیم. این دوران هم‌زمان بود با آغاز جنگ و بسته شدن فرودگاه. قبل از آن هم ماجرای گروگان‌گیری سفارت آمریکا اتفاق افتاده بود. ما باید یک راهی برای خروج از ایران و رسیدن به غرب پیدا می‌کردیم. فرزند ما تازه یک‌ساله شده بود و در آن دوران پر از فشار مرتب گریه می‌کرد. بالاخره با اتوبوس راهی شدیم و البته آنجا من یک‌بار دیگر از مهربانی ایرانی‌ها لذت بردم، زیرا تک‌تک مسافران اتوبوس تلاش می‌کردند که کمک کنند و بچه را بغل می‌گرفتند که او را آرام کنند. من در آن لحظات به این فکر می‌کردم که حتی در شرایط سخت و پرفشار هم انسانیت همه‌جا وجود دارد.

بالاخره اتوبوس ما به مرز ایران و ترکیه رسید. هوا سرد بود. حتی آب برای نوشیدن نداشتیم. در مرز ما را به یک اتاق بزرگ هدایت کردند که روند اداری را شروع کنند. در یک سمت این اتاق بزرگ مرزبانی ایران بود با یک تابلو بزرگ از آیت‌الله خمینی و در سمت دیگر اتاق مرزبانی ترکیه بود با عکس بزرگی از آتاتورک. این همان سمتی بود که ما قصد داشتیم برویم. یادم هست که در آن لحظات من از خدا خواستم که اجازه بدهد خانواده من به سلامت از آنجا عبور کند و به او قول دادم که اگر این دعای من را اجابت کند، دیگر هرگز در زندگی از او چیزی نخواهم خواست. البته که لحظات بسیار ترسناکی بود و اطراف ما پر از نیروهای نظامی بودند که وسایل ما را بازرسی می‌کردند. سرانجام ما موفق شدیم که از آنجا عبور کنیم، اما من متأسفانه قولی که به خدا داده بودم را فراموش کردم و بعدها بارها و بارها بازهم از خدا درخواست‌های دیگری کردم.

### به نظر می‌رسد که شما می‌توانستید در آلمان بمانید، ولی کانادا را انتخاب کردید. علت این انتخاب شما چه بود؟

نه، واقعیت این بود که ما نمی‌توانستیم در آلمان بمانیم. شما وقتی آواره و بی‌خانمان می‌شوید، خیلی زود متوجه می‌شوید که انتخاب‌های شما بسیار محدود است. آلمان در آن سال‌ها قانونی برای مهاجرت نداشت و تنها راه برای ماندن در آلمان این بود که همسر من وارد تجارت و کسب و کار پدرش یعنی فروش فرش می‌شد. پدر او یک نمایشگاه فروش فرش‌های ایرانی داشت و همسر من به هیچ وجه تمایلی به چنین کاری نداشت. او مهندس بود و علاقه‌مند بود که حرفه خودش را دنبال کند. ما حتی به استرالیا و نیوزلند هم فکر کردیم و درباره آنها نیز تحقیق کردیم. ولی گاه واقعیت‌هایی کوچک تأثیر بزرگی در زندگی و سرنوشت شما می‌گذارند. آن زمان یک دوست و یکی از اقوام من در کانادا زندگی می‌کردند و آنها از ما دعوت کردند که به کانادا برویم و گفتند که به ما کمک می‌کنند و همین باعث شد که ما کانادا را انتخاب کنیم.

### به این ترتیب می‌توانیم بگوییم که شما و من در این سه کشور وجه مشترک داریم: ایران، آلمان و کانادا، چون من هم بخش زیادی از زندگی‌ام را در آلمان گذرانده‌ام....

به این ترتیب ما می‌توانیم به سه زبان فارسی، آلمانی و انگلیسی صاحبه کنیم.

خانم امیدوار به فارسی می‌گوید: با گذشت زمان فارسی من خراب شده است، زیرا من دیگر زیاد فارسی صحبت نمی‌کنم. البته

ما آن زمان جوان بودیم و البته ماجراجو و بنابراین مسئولانه و عاقلانه هم هر تصمیمی را نمی‌گرفتیم. به این ترتیب بود که تصمیم گرفتیم یک مسافرت سه‌ماهه زمینی را از مونیخ به سمت ایران شروع کنیم. ما از مونیخ راه افتادیم و از آنجا به سمت ایتالیا، یوگسلاوی و یونان رفتیم و سپس از ترکیه با قطار به مشهد رسیدیم. فکر می‌کنم حدود سه ماه طول کشید که به مشهد رسیدیم و من در مشهد اولین تجربه و برداشتم از ایران را داشتم. ماه رمضان بود و همه‌جا تعطیل بود و من نمی‌دانستم که چرا همه مغازه‌ها تعطیل هستند و ما حتی جایی برای غذا خوردن پیدا نمی‌کردیم. در هر صورت حالا ما به تهران رسیدیم که بخشی از خانواده همسرمان آنجا ساکن بودند. ما تصمیم گرفتیم در تهران ساکن شویم.

می‌دانید که زندگی می‌تواند خیلی ماجراجویانه باشد، بخصوص وقتی که شما ۲۴ ساله هم باشید. همسر من یک دانشجوی معمولی دهه ۱۹۷۰ بود: مو و ریش بلندی داشت و قیافه‌اش بیشتر شبیه به هیپی‌ها بود. یک روز به من اطلاع داد که باید بروم و امور کاغذبازی مربوط به سربازی‌اش را انجام بدهد. وقتی که برگشت دیگر برای من قابل‌شناسایی نبود، چون موهایش و ریشش را از ته زده بودند و آدم دیگری شده بود، به‌علاوه اینکه لباس سربازی هم پوشیده بود. روز بعد از آن او خودش را به پادگان معرفی کرد و بعد از آن من او را برای شش ماه ندیدم. حتماً ایرانی‌ها با این دوره سربازی و خدمت وظیفه برای پسرهای جوان آشنا هستند.

حالا من در تهران باید خودم را اداره می‌کردم و زندگی‌ام را پیش می‌برد. نهایتاً توانستم در نیروی هوایی به‌عنوان معلم آموزش زبان انگلیسی استخدام شوم. کار من در نیروی هوایی ساعت ۱ بعدازظهر تمام می‌شد که از آنجا با اتوبوس به خیابان فریدون می‌رفتم. در خیابان فریدون یک ساندویچ‌فروشی بود که پیرمردی آن را اداره می‌کرد و ساندویچ‌های خیلی خوشمزه‌ای داشت که با بادمجان درست شده بود. مزه آن ساندویچ‌ها را پس از این همه سال هنوز در خاطر دارم. در خیابان فریدون در یک بیمارستان به دکترها و پرستارها انگلیسی آموزش می‌دادم که تا ساعت ۶ عصر طول می‌کشید. کم‌کم شروع به یادگیری زبان فارسی کردم، البته حتماً می‌توانید حدس بزنید وقتی کسی زبان اردو و هندی بلد باشد، یادگرفتن زبان فارسی برایش چندان دشوار نیست. به‌خاطر دارم که اولین کلمه‌ای که یاد گرفتم واژه «مستقیم» بود. می‌دانید چرا؟ چون وقتی می‌خواستیم تاکسی بگیریم باید کلمه «مستقیم» را بلد می‌بودم که تاکسی را نگه دارم تا من را سوار کند.

### گفتید که از ایران فرار کردید. چرا فرار؟ آیا دلیل فرار شما ربطی به انقلاب و اتفاقاتی بعد از آن در ایران داشت؟

بله، همسر من بعد از خدمت وظیفه به‌عنوان مهندس مشغول به کار شد. من هم با یک مجموعه از بانک‌های بین‌المللی شروع به کار کردم. این دوران زندگی برایم خیلی زیبا بود. ما بچه‌دار نیز شده بودیم و زندگی به آرامی و لذت سپری می‌شد. اما هم‌زمان شلوغی‌های سیاسی هم شروع شده بود، تظاهرات خیابانی و بالاخره هم خروج شاه از ایران. آیت‌الله خمینی به ایران آمد و حکومت موقت شکل گرفت. البته این دوران من و همسر من هیچ احساس ناامنی نداشتیم، بخصوص که فکر می‌کردیم ما آدم‌های معمولی هستیم و هیچگاه کسی کاری به ما نخواهد داشت. چون ما نه سیاسی بودیم، نه روزنامه‌نگار نه حتی اینکه به تظاهرات خیابانی برویم. ولی واقعیت این است که هیچ انسانی یک جزیره محدود به خودش نیست و

وقتی کسی به فارسی صحبت می‌کند، می‌توانم متوجه بشوم. البته این شامل صحبت راجع به فلسفه یا خواندن شعر نیست، ولی صحبت معمولی را متوجه می‌شوم.

**ما می‌دانیم که کانادا، آلمان، ایران و هندوستان چهار دنیای کاملاً گوناگون هستند و البته می‌توان گفت که هندوستان به خودی خود جهانی را در برمی‌گیرد. برداشت شما از این چهار فرهنگ چیست؟**

باید بگویم که این چهار فرهنگ هر کدام از زاویه‌ای شگفت‌انگیز هستند و من در مسیر زندگی‌ام پیوسته درصدد کشف این شگفتی‌ها در این چهار فرهنگ بوده‌ام. هندوستان یک سرزمین جادویی است، سرزمینی لبریز و سرشار از رنگ‌ها، موسیقی و صوت‌های گوناگون و دارای تاریخ غنی و پرباری است که شما می‌توانید بارها و بارها آن را مطالعه کنید. تاریخ هندوستان پر از جنگ، تصرف، استعمار و البته آرامش است. من ولی در دوران بعد از استعمار رشد کردم و بالغ شدم، با حجم عظیمی از داده‌های دوران استعمار و همچنین مبارزه علیه استعمار. البته زمانی که وارد آلمان شدم، آلمان نیز در وضعیت دشواری بود. آنها تلاش می‌کردند که دوران جنگ را پشت سر بگذارند و به فراموشی بسپارند و روبه‌جلو حرکت کنند، اگر چه که این کار آسانی نبود، چون فراموش کردن دوران جنگ نیز به این سادگی میسر و ممکن نبود. البته در سال ۱۹۷۵ که من داشتم آلمان را ترک می‌کردم، متوجه شدم که آلمانی‌ها گام‌های مثبتی به جلو برداشته‌اند تا با اشتباهات و خطاهای دوران جنگ مواجه شوند و آنها را بپذیرند. زمانی که من در آلمان بودم، هم‌زمان بود با برگزاری المپیک. آلمان با برگزاری این جشنواره ورزشی تلاش داشت که خودش را از سایه جنگ بیرون بکشد و بگوید که از آن فضا فاصله گرفته و به آینده می‌نگرد و می‌تواند در کنار سایر کشورها و ملل آینده خودش را ترسیم کند. ولی همه می‌دانیم که در این جشنواره ورزشی در مونیخ چه واقعه‌ای رخ داد. (ویراستار: در طول

بازی‌های المپیک یک گروه فلسطینی دست به کشتار گسترده‌ای زد و گروهی از ورزشکاران اسرائیلی را در مونیخ به قتل رساند) اما ایران در این دوران وضعیت منحصر به فرد خودش را داشت. کشوری که، به غیر از دوران مصدق، هرگز روی دموکراسی را به خود ندیده بود. اگر چه که آلمان و هندوستان علی‌رغم همه ایرادها و اشکالاتی که داشتند و دارند، می‌توان گفت که در این ایام نظام‌های کاملاً دموکراتیکی داشتند. من خوب به‌خاطر دارم که در ایران مردم به من مرتب گوشزد می‌کردند که اینجا نباید زیاد حرف بزنی. گفتم که من آن دوران ۲۳ - ۲۴ ساله بودم و البته که متوجه این منظور نمی‌شدم و با خودم می‌گفتم یعنی چه که نمی‌توانم زیاد حرف بزنم؟

همچنین به من گوشزد می‌شد که محتاط باشم که البته این فقط جنبه سیاسی قضیه را شامل می‌شد. خوب از اینها که بگذریم، مردم و طبیعت این کشور جاذبه‌های خودشان را برای من داشتند. ایامی که از تهران به کرج یا به سمت کوه‌های شمال تهران می‌رفتم پر از خاطرات زیباست. دربند یکی از نقاط مورد علاقه من بود. باید اقرار کنم که هنوز هم دلم برای زیبایی‌های آن سرزمین و مردمش تنگ می‌شود و جای خالی آن را حس می‌کنم. به نظر من زبان فارسی تبلور یک نوع احترام و قدردانی است.

خوب به‌خاطر دارم که در ایران هرگاه نزد کسی می‌رفتم، در اولین معاشرت و هم‌صحبتی همواره یک چای خوش‌رنگ و خوش‌عطر تعارف می‌شد. البته که اینها نقاط مشترک فرهنگ هندی و ایرانی است، مهمان‌نوازی، احترام به خانواده، احترام به ارزش‌ها و سنت‌ها و احترام به آیین‌ها. شاید یک تفاوت در این دو فرهنگ وجود داشته باشد و آن اینکه هندی‌ها قدری پرسروصداتر و ایرانی‌ها در بیان قدری آرام‌تر هستند. اما همواره من از ایران و فرهنگ ایرانی خاطرات عمیقاً شیرین و لذت‌بخشی دارم.

پس از سال‌ها من همچنان تلاش می‌کنم بخش‌هایی از هر کدام از این فرهنگ‌ها را در زندگی و خانهم حفظ کنم. برای مثال ما هر سال نوروز را جشن می‌گیریم و من هر سال برای تهیه ماهی قرمز سفره هفت‌سین هیجان‌زده و غرق شوق و اشتیاق هستم.

حالا برسیم به کانادا، یک سرزمین نوین که محدودیت‌های سنتی در آن کم‌رنگ و این البته تفاوت بزرگ کانادا با اروپا، ایران و هندوستان است که سابقه و تاریخی طولانی دارند. کانادا یک کشور کاملاً جوان است که تازه در سال ۱۸۶۷ متولد شده و مردمش را مهاجرانی از سراسر جهان تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت که شکوه کانادا در این است که مهاجران و مردمی گوناگون از سراسر جهان را پذیرا است. ما در کانادا امکان موفقیت و رشد شهروندان جدید را فراهم می‌کنیم و کانادا موفق شده است با مهاجرانی که سختی زیادی را پشت سر گذاشته‌اند، ملت بزرگی را تشکیل بدهد. به این ترتیب می‌توان گفت که در کانادا یک هویت کانادایی منحصر به فرد وجود ندارد.

البته بعضی اوقات من هم مثل بسیاری از مهاجران از مهاجران دیگر از خودم می‌پرسم که آیا واقعاً می‌دانم چه کسی هستم و هویت من واقعاً چیست؟ آیا من هندی هستم؟ آلمانی هستم؟ ایرانی هستم؟ آیا کانادایی هستم؟ و نهایتاً به این نتیجه می‌رسیم که با وجود ریشه‌های عمیق و زیادی که در زبان و موسیقی و فرهنگ‌های دیگر دارم، اما نهایتاً کانادا مهر خودش را بر هویت من زده است. زیرا ارزش‌هایی همچون برابری، انصاف و عدالت در آن وجود دارد که احتمالاً شما هم با من موافق هستید که این ارزش‌ها نه در کشوری که شما متولد شدید و نه در کشوری که من متولد شدم، پرتنگ نیستند.

**در رابطه با مشکلات مهاجران، شما یکی از فعال‌ترین سیاستمداران کانادا هستید و به‌باور بسیاری از ناظران، شما با دل‌وجان به مشکلات مهاجران می‌پردازید. حالا سؤال این است که آیا به غیر از اینکه شما خودتان یک مهاجر هستید و مشکلات و موانع آن را پشت سر گذاشتید و آن را حس و لمس می‌کنید، دلیل دیگری هم برای تلاش‌های جانانه شما وجود دارد؟**

فکر می‌کنم پاسخ به این سؤال شما خیلی ساده است. این چیزی است که من آن را زندگی کرده‌ام. یعنی جابه‌جایی ناخواسته و شاید به‌نوعی بتوان گفت که آوارگی را زندگی کرده‌ام. من وقتی که به ایران فکر می‌کنم، آن برای من یک جابه‌جایی اجباری بوده است، چون من ایران را دوست داشتم و هرگز نمی‌خواستم آنجا را ترک کنم. ولی شرایط طوری شد که همسر من مرتب تکرار می‌کرد که ما باید از اینجا برویم، و من مخالفت می‌کردم، نمی‌خواستم آنجا را

”

البته بعضی اوقات من هم مثل بسیاری از مهاجران دیگر از خودم می‌پرسم که آیا واقعاً می‌دانم چه کسی هستم و هویت من واقعاً چیست؟ آیا من هندی هستم؟ آلمانی هستم؟ آیا ایرانی هستم؟ آیا کانادایی هستم؟

این برای من عین منصفانه بودن است و همچنین شکوفایی کانادا در گرو چنین نگرشی است.

**می‌خواهم از یک طرف طیف مهاجران به انتهای دیگر این طیف بروم. در جایی که افرادی مثل محمود خاوری و امیر خسروی‌ها قرار دارند؛ کسانی که اتهامات جدی فساد علیه آنها وجود دارد. اینها با پول‌های آلوده به کانادا می‌آیند و از زندگی ایمن در اینجا بهره‌مند می‌شوند. به نظر شما مشکل کجاست؟ آیا در قوانین ما مشکلی وجود دارد یا این یک موضوع سیاسی است؟**

ما در کانادا قوانینی برای برخورد با افرادی داریم که علیه آنها مدارکی هست دال بر شرکت در فساد دولتی یا انواع دیگر فساد. ما چهار قانون در این زمینه داریم:

یکی از آنها بر پایه درخواست سازمان ملل است که چنین ادعایی را طرح می‌کند و تا جایی که اطلاع دارم، سازمان ملل علیه دو فردی که شما اسم بردید، درخواستی به کانادا نداده است.

امکان دیگر این است که ایران می‌تواند این درخواست را بکند.

قانون دیگری به نام «Special economic measures act» داریم که بر پایه این قانون، متهمان فساد مالی می‌توانند مورد بازخواست قرار بگیرند.

قانون دیگر «Magnitsky act» است و این برای زمانی است که دولت مدارکی در دست دارد، مبنی بر اینکه دارایی‌های یک فرد در نتیجه فساد (Corruption) به دست آمده است.

بر اساس این چهار قانون، افراد ممکن است تحت پیگرد قرار بگیرند، اما تا جایی که می‌دانم هیچ شخصیت ایرانی مورد پیگرد (Sanction) قرار نگرفته است. البته من مطمئن نیستم و ممکن است این گفته من دقیق نباشد و یک حدس و گمان باشد، چون قطعاً من یک سخنگوی دولت نیستم و یک سناتور مستقل هستم و نظر شخصی خودم را در این زمینه‌ها بیان می‌کنم.

من همچنین گمان می‌کنم کانادا همچنان علاقه‌مند باشد که با ایران رابطه داشته باشد، چراکه مسائل بزرگی در رابطه با ایران وجود دارد که کانادا باید به آنها بپردازد. مثلاً خانواده‌های قربانیان هواپیمای سرنگون شده اوکراینی که ما باید در این رابطه با ایران صحبت کنیم و تلاش کنیم به یک نتیجه برسیم. همچنین صدها هزار ایرانی در کانادا ساکن هستند و آنها به یک سفارتخانه نیاز دارند. نکته دیگر مسائل هسته‌ای ایران است که باید به آن رسیدگی شود.

**آیا اگر کانادا با ایران رابطه دیپلماتیک داشته باشد، امکان بیشتری برای تأثیرگذاری روی سیاست‌ها و رفتارهای ایران خواهد داشت؟**

طبیعتاً همین‌طور است، اما واقعیت این است که چنین رابطه‌ای در حال حاضر وجود ندارد. در حال حاضر ما هیچ نمایندگی در ایران نداریم و معلوم نیست که چه زمانی این وضعیت تغییر کند. البته می‌دانید که اولویت‌های زیادی در رابطه با ایران وجود دارد و یکی از آنها برای من شخصاً وضعیت نسرین ستوده است. مسائل حقوق بشری عظیمی در ایران وجود دارد، موضوع هسته‌ای، مردمی که تحت تحریم‌ها عذاب می‌کشند و همه اینها مسائل بسیار جدی هستند. طبیعتاً من تخصص ورود به تک‌تک این زمینه‌ها را ندارم، اما حدس می‌زنم افرادی در اتاوا باشند که بتوانند در این زمینه‌ها پاسخ دقیق‌تری به شما بدهند.

ترک کنیم. به این ترتیب از دست دادن یک سرزمین و تلاش برای پیدا کردن سرزمینی جدید، تجربه‌ای است که من در آن با دیگر مهاجران و هزاران هزار پناهنده در جهان سهیم هستم. تجربه آمدن به کانادا و یادگرفتن قوانین و مقررات جدید، آموختن فرهنگ جاری در این سرزمین و متوجه شدن اینکه گاه آن‌قدر مؤدبانه جواب می‌دهند که تو متوجه نمی‌شوی پاسخ بله است یا خیر؛ دشواری یافتن یک شغل؛ به رسمیت شناخته شدن مهارت‌ها و مدارک تحصیلی‌ات؛ آمیزش با جامعه؛ اینکه همیشه ناچار باشی ثابت کنی از نفر قبلی دو برابر بهتر و شایسته‌تر هستی؛ ... خوب اینها همه آن تجاربی هستند که من هم مثل هزاران هزار مهاجر دیگر از سر گذراندم. اینها سبب شد که هم برای خودم و هم برای دیگران مبارزه کنم، برای کسانی که قادر به مبارزه برای خودشان نبودند. باید بگویم مسیری که من طی کردم یک طرح از پیش برنامه‌ریزی شده نبود، اینها تصادف‌های زندگی من بودند. البته باید بگویم من آدم خوش‌شانسی بودم که همواره مریبان و آموزگاران خوبی در این مسیر داشته‌ام که قابلیت‌های من را تشخیص دادند و بنابراین مسئولیت به عهده من واگذار کردند. برای من این‌طوری شروع شد که یک نفر یک روز یک دری را برای من باز کرد و من از آن زمان تصمیم گرفتم که من نیز برای دیگران درهایی را باز کنم.

**ما در حال حاضر با یک پاندمی بسیار بد روبرو هستیم که جان‌های بسیاری را در کانادا و در جهان گرفته است. در کانادا، اما به‌ویژه در انتاریو کارگران مهاجر دوران سختی را می‌گذرانند، بسیار سخت‌تر از یک کانادایی متوسط. آیا به نظر شما دولت محافظه‌کار استان انتاریو و دولت لیبرال کانادا به اندازه کافی در جهت بهبود وضعیت این کارگران تلاش کرده‌اند؟**

واقعیت این است که رسیدگی به این وضعیت در وهله اول مسئولیت دولت فدرال است. این برنامه دولت فدرال است که هر سال تعداد مشخصی کارگران موقت فصلی را به کانادا بیاورند. این کارگران غالباً در کشاورزی مشغول به کار می‌شوند، گرچه بخشی از آنها هم ممکن است راننده بشوند یا در خانه‌ها خدمت کنند. ما طبق قراردادی که با کشورهای مشخصی داریم، سالانه حدود ۶۰ هزار نفر از این کشورها برای کار به کانادا می‌آوریم. برخی از آنها سال‌های سال است که هر ساله برای کار به کانادا می‌آیند و چهار پنج ماه کار می‌کنند و سپس به کشور خودشان بازمی‌گردند. آنها در دوره‌ای که در اینجا زندگی می‌کنند، اصولاً باید تحت حمایت دولت فدرال باشند، اما واقعیت این است که دولت فدرال در دوران پاندمی، به اندازه کافی از آنها حمایت نکرده است و همچنین دولت استانی هم چنین حمایتی را از آنها نکرده است. در نتیجه تعداد بسیار بالایی از این کارگران گرفتار کرونا شدند و تعداد زیادی هم متأسفانه جان خود را از دست دادند. به نظر من کشور ما معتاد به نوع خاصی نیروی کار شده است و آن نیروی کار متخصص است.

من واژه جدیدی را به دولت پیشنهاد کردم، به این مفهوم که کانادا «نیروی کار اساسی» Essential worker نیاز دارد. گروهی از این نیروی کار ممکن است نیروی کار ماهر و گروهی دیگر غیرمتخصص باشد، ولی هیچ بازار کاری فقط شامل نیروی کار ماهر نمی‌شود و ما باید این بازار کار را در تمامیت آن در نظر بگیریم و لاجرم نمی‌توانیم برخورد دوگانه‌ای با دو گروه در بازار کار داشته باشیم. به این ترتیب نمی‌توانیم به یکی امتیاز بدهیم و دیگری را مورد تبعیض قرار بدهیم.



# راتنا امیدوار درباره جمهوری اسلامی، پهلوی، مصدق چگونه می‌اندیشد؟

اشاره: راتنا امیدوار در سال ۲۰۱۷ و در مخالفت با لایحه موسوم به S2019 درباره کاهش هرچه بیشتر روابط کانادا با ایران به خاطر نقش مسائل حقوق بشری در پارلمان کانادا سخنرانی کرد. بخش هایی از این سخنرانی را در زیر می‌خوانید که مبین نگاه خانم امیدوار به ایران فعلی و پیش از انقلاب و همچنین موضوع نقض حقوق بشر و نحوه برخورد کشورهای غربی با آن است.

## بخشی از سخنرانی سناتور امیدوار در سنای کانادا در سال ۲۰۱۷:

من به عنوان شخصی که بیش از شش سال در ایران زندگی کردم و همسر یک ایرانی-کانادایی هستم فکر می‌کنم اعتبارنامه‌های لازم را دارم تا درباره این لایحه بحث کنم.

من چه در زمان شاه و چه در دوران انقلاب و چه در زمان حکومت اسلامی در ایران زندگی کردم. بگذارید به شما بگویم در طول این مدت مردم ظلم و ستم و نقض فاحش حقوق بشر روبرو بودند. زندان اوین، که اغلب در شهادت شاهان از آن یاد می‌شود، به همان اندازه که در زمان رژیم اسلامگرا یک مکان وحشت است، در زمان پهلوی محل ترس بود.

در واقع مردم ایران برای مدت دو سال بسیار کوتاه از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳، زمانی که مصدق نخست وزیر ایران بود و به طور دموکراتیک انتخاب شد از دموکراسی لذت بردند اما او به دلیل منافع خارجی از نفت ایران با یک کودتا از قدرت برکنار شد.

من وقتی در ایران زندگی کردم زبان را یاد گرفتم و معتقدم وقتی زبانی را یاد می‌گیرید می‌توانید به روح یک فرهنگ نگاه کنید. مردم ایران مانند هر مردم سایر دنیا هستند اما من مشاهده کردم که آنها احساس شعر، لطف، ظرافت و مهمان نوازی دارند که در هیچ کجای دیگر این ابراز لطف و ظرافت و مهمان نوازی به شکل رسمی تر از ایران بیان نشده است.

به یاد دارم در چند سالی که در ایران زندگی می‌کردم جنگ با عراق در جریان بود. سوخت محدود بود... دور میزهایی می‌نشستیم که پتوهای روی آن انداخته بودند و زیر آن آتش زغال بود با خطر آتش‌سوزی... این روشی بود که ما خود را گرم نگه داشته‌ایم. وقتی ایران را به زور ترک کردم و آخرین نگاه گذرا را به آن سوی مرز انداختم، فکر کردم که این وضعیت موقتی است. گمان می‌کردم که ایران یک دوره آشفتگی و تعدیل را پشت سر می‌گذارد و در ۱۰، ۲۰ سال دیگر یک دموکراسی شکوفا خواهد بود. البته من اشتباه می‌کردم زیرا رژیم بنیادگرا چنان عمیق تعبیه شده که به نظر می‌رسد رویای دموکراسی از جوانان امروز بسیار دور است.

می‌خواهم در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران که توسط دولت ایران انجام شده است، به همکارانم بپیوندم. قرائت شهادت شاهان، از جمله مارینا نعمت، نشان‌دهنده شرافت دشواری است. شکنجه و قتل زهرا کاظمی و زندانی شدن هما هودفر غیرقابل تصور اما بسیار واقعی و خشونت‌آمیز است نه فقط علیه دو زن کانادایی بلکه علیه بشریت...

سوالی که این لایحه به آن پرداخته این است: کانادا برای جلوگیری از این رفتارها چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ چگونه می‌توانیم از قدرت خود برای رفع نقض حقوق بشر در آنجا استفاده کنیم؟ چگونه می‌توانیم ایران را اگر نه متوقف که دست کم تعدیل کنیم؟ چگونه می‌توانیم این کار را به بهترین شکل انجام دهیم ...

...در اصل این لایحه از ما می‌خواهد که صحبت با دولت ایران را متوقف کرده و از آنها جدا شویم تا زمانی که پیشرفت‌های خاصی در رفتار آنها توسط ما مشاهده شود.

از خودم می‌پرسم نتیجه این جدا شدن چیست؟ آیا ایران دست از آزار و اذیت مردم برمی‌دارد؟ رسانه‌ها را آزاد می‌کند، مانند دولتی رفتار می‌کند که برای مردمش اداره می‌شود و نه برای یک الیگارشی کوچک... همکاران محترم، لطفاً سوءتفاهم نشود. من به هیچ وجه نقض حقوق بشر در ایران را تایید نمی‌کنم من فقط قانع نشده‌ام که طرح پیشنهادی تمدید یا تقویت تحریم‌ها تاثیر زیادی داشته باشد.

من همچنین سوال می‌کنم: اگر قرار است به دلیل حقوق بشر تحریم‌ها علیه ایران وضع شود درباره سایر کشورها چطور؟ چرا یک کشور خاص؟ ... چرا عربستان سعودی نیست؟ چرا چین نیست؟ در مورد تاریخچه خودمان در مورد نقض حقوق بشر علیه بومیان کانادا چطور...؟

من همچنین به ۳۰۰ هزار ایرانی کانادایی فکر می‌کنم که اکنون با افتخار کانادا را خانه خود می‌نامند. آنها چه می‌خواهند؟ البته پاسخ ساده‌ای وجود ندارد زیرا هیچ دو ایرانی که اکنون کانادایی هستند مانند یکدیگر فکر نمی‌کنند - درست مثل سایر کانادایی‌ها. با این حال، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد آنها تمایل به تعامل بیشتر دارند...

**سحر صمدایی**  
مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک درآمدها



**Sahar Samadaei**  
Courtier immobilier résidentiel  
sahar.samadaei@gmail.com  
Tel: 514.625.2525

  
L'AGENCE IMMOBILIERE INC.  
Real Estate Agency

 **MATIN TIREHDAST**  
Financial Advisor at Industrial Alliance

**مشاور امور مالی**  
**فارغ التحصیل دانشگاه**  
**صنعتی شریف و ETS**

- بیمه عمر
- بیمه مسافرتی
- بیمه وام مسکن
- بیمه از کار افتادگی
- برنامه‌های بازنشستگی
- حساب سرمایه‌گذاری کودکان
- حساب‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری



**متین تیره‌دست**  
**514-690-6181**

**خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری**

**کاظم پرتو تهرانی**  
**مشاور رسمی املاک در کبک**  
Kazem Partow Tehrani Real Estate Broker




به همراه یک تیم حرفه‌ای  
**514 - 971-7407**

پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال  
تهیه وام مسکن با بهترین نرخ بانکی  
مشاوره برای املاک در آمد ز  
ارزیابی رایگان منزل شما  
پرداخت هزینه محضر به عنوان کادو به خریداران ملک  
با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک

## مقاله

نکات مهم در زمینه گزینش برنامه آزمایشی جدید دولت کانادا

## مقاله

دهها هزار کارگر ماهر متقاضی اقامت دائم در انتظار چراغ سبز کبک

## ترجمه

تعطیلی یک مرکز مهاجران در مانیتوبا و اعتراضات

# مهاجرت

Montreal Office:  
Tel: 514-289 9044 (office) / 514- 778 9011 (Mobile)  
Toll free from Iran: 021-85312878  
Address: 1117 Sainte Catherine West, suite #511,  
Montreal, Quebec, H3B 1H0  
Email: info@icpimmigration.com  
Tehran Office:  
Tel: 021-2289 4567 / Mobile: 0937 489 6676

📍 @ICPimmigrationToCanada

📞 @icpimmigrationc 🌐 icpimmigrationtocanada



## معصومه علیمحمدی

با گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات در زمینه اخذ مجوز اقامت دائم و یا موقت برنامه‌های مهاجرتی فدرال و استانی از طریق سرمایه گذاری، تخصصی، کارآفرینی، خویشاوندی، دانشجویی و... و همچنین تهیه دعوتنامه، سوگند نامه و تایید رسمی مدارک در کانادا می‌باشد.  
جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفاتر ما در مونترال و تهران تماس حاصل فرمایید.



 ICP IMMIGRATION INC.

[www.icpimmigration.com](http://www.icpimmigration.com)



# نکات مهم در زمینه گزینش برنامه آزمایشی جدید دولت کانادا

دارای اقامت موقت کاری یا تحصیلی معتبر در کانادا یا واجد شرایط ارسال درخواست بازبایی وضعیت خود باشید؛  
قصد اقامت خارج از کبک را داشته باشید.

**چگونه فارغ التحصیلان بین‌المللی واجد شرایط می‌شوند؟**  
فارغ التحصیلان بین‌المللی باید بعد از ژانویه ۲۰۱۷ از یکی از مؤسسات آموزشی کانادایی که دارای شماره DLI است فارغ التحصیل شده باشند.  
متقاضیان می‌بایست هنگام درخواست در کانادا دارای اقامت معتبر و در حال استخدام یا مجوز کار بوده یا دارای مجوز تحصیل معتبر باشد و برای اجازه کار پس از تحصیل اقدام کرده باشد. ارائه نتیجه آزمون زبان انگلیسی یا فرانسه نیز برای این متقاضیان در سطح CLB 5 الزامی است.

CELPIP				
CLB Level	Reading	Writing	Listening	Speaking
10	10	10	10	10
9	9	9	9	9
8	8	8	8	8
7	7	7	7	7
6	6	6	6	6
5	5	5	5	5
4	4	4	4	4

IELTS - General Training				
CLB Level	Reading	Writing	Listening	Speaking
10	8	7.5	8.5	7.5
9	7	7	8	7
8	6.5	6.5	7.5	6.5
7	6	6	6	6
6	5	5.5	5.5	5.5
5	4	4	4	4
4	3.5	4	4.5	4

TEF Canada				
CLB Level	Reading	Writing	Listening	Speaking
10	263-300	303-450	310-350	303-450
9	248-262	371-392	286-315	371-392
8	233-247	349-370	260-297	349-370
7	207-232	310-348	240-279	310-348
6	181-206	271-309	217-248	271-309
5	151-180	226-270	181-216	226-270
4	121-150	181-225	145-190	181-225

TCF Canada				
CLB Level	Reading	Writing	Listening	Speaking
10 and above	549-699	5020	549-699	5020
9	524-548	4495	523-548	4495
8	499-523	4463	503-522	4463
7	453-498	4480	498-502	4480
6	406-452	79	398-457	79
5	375-421	0	359-397	0
4	342-374	45	338-368	45

کارگران ضروری و فارغ التحصیلان بین‌المللی واجد شرایط برای برنامه آزمایشی جدید دولت فدرال می‌توانند از ششم ماه مه ۲۰۲۱ برای درخواست اقامت دائم اقدام کنند. بدین منظور به نکات مهمی که ممکن است موجب رد تقاضا هنگام ارزیابی شود باید توجه گردد. بدیهی است انتظار می‌رود اداره مهاجرت کبک نسبت به صدور جزییات بیشتری از روز دوشنبه سوم ماه می تا قبل از ششم می قبل از بازگشایی اقدام نماید. لذا توصیه می‌گردد قبل از سامیت و پرداخت هزینه‌های بررسی به اطلاعیه‌های صادره از طرف اداره مهاجرت توجه کامل مبذول دارید.

## چگونه کارگران واجد شرایط می‌شوند؟

کارگران موقت شاغل در بیمارستان یا مراکز مراقبت بلندمدت یا کارگران ضروری در خط مقدم سرویس‌دهی در کانادا فعالیت دارند. واجدین شرایط درخواست اقامت دائم در صورت دارا بودن شرایط درخواست از طریق این برنامه آزمایشی هستند.

سقف ظرفیت گزینش برای کارگر شاخه درمانی ۲۰۰۰۰ و کارگر ضروری ۳۰۰۰۰ درخواست است.

کارگران مراقبت‌های بهداشتی و برخی از کارگران ضروری باید طی سه سال گذشته حداقل دارای یک سال تجربه کار تمام‌وقت در یکی از مشاغل اعلام شده باشند. لازم به ذکر است افرادی که دارای سابقه کار نیمه‌وقت هستند نیز می‌توانند واجد شرایط درخواست باشند مشروط بر اینکه مجموع سابقه کار نیمه‌وقت متقاضی برابر با ۱۵۶۰ ساعت باشد. علاوه بر داشتن سابقه کار ارائه نتیجه آزمون زبان انگلیسی یا فرانسه حداقل در حد 4 CLB هنگام ارسال درخواست برای این کارگران الزامی است. بدین منظور برای شفاف‌سازی بیشتر، جداول برای امتحانات مورد تأیید این برنامه در زیر ارائه می‌گردند.

## چگونه فرانسوی‌زبان‌ها می‌توانند واجد شرایط باشند؟

شرایط درخواست برای متقاضیان فرانسوی‌زبان نیز مشابه است ولی نتیجه یکی از آزمون‌های زیر در سطح سی ال بی ۴ برای کارگران و برای فارغ التحصیلان در سطح سی ال بی ۵ الزامی است. لازم به ذکر است که متقاضیان شاخه فرانسوی‌زبانان دارای محدودیت سهمیه نیستند و ارسال و سامیت درخواست برای آنان از ۶ می تا ۵ نوامبر بدون محدودیت همواره قابل دسترس خواهد ماند.

TEF Canada				
CLB Level	Reading	Writing	Listening	Speaking
10	263-300	303-450	310-350	303-450
9	248-262	371-392	286-315	371-392
8	233-247	349-370	260-297	349-370
7	207-232	310-348	240-279	310-348
6	181-206	271-309	217-248	271-309
5	151-180	226-270	181-216	226-270
4	121-150	181-225	145-190	181-225

TCF Canada				
CLB Level	Reading	Writing	Listening	Speaking
10 and above	549-699	5020	549-699	5020
9	524-548	4495	523-548	4495
8	499-523	4463	503-522	4463
7	453-498	4480	498-502	4480
6	406-452	79	398-457	79
5	375-421	0	359-397	0
4	342-374	45	338-368	45

## شرایط درخواست:

یک سال سابقه کار تمام‌وقت معادل با ۱۵۶۰ ساعت یا معادل آن به صورت نیمه‌وقت در کانادا در یکی از مشاغل واجد شرایط در سه سال قبل از تاریخ درخواست حتی سابقه کار نیمه‌وقت در زمان تحصیل در یکی از گروه‌های خدمات درمانی که جزء گروه A هستند یا کارگران لیست مشاغل ضروری که گروه B نامیده شده‌اند می‌توانند نسبت به سامیت درخواست اقدام نمایند؛ سابقه کاری گروه A نمی‌تواند با سابقه کاری گروه B ادغام گردد ولی متقاضیان گروه B می‌توانند سابقه کار ترکیبی از هر دو گروه برای تکمیل دوره یک‌ساله مورد نیاز هنگام درخواست داشته باشند؛

متقاضی می‌بایست هنگام درخواست، در استخدام باشد؛

خوداشتغالی تنها در صورتی که متقاضی به‌عنوان پزشک مشغول به کار باشد مورد تأیید است؛

دارای حداقل 4 CLB زبان انگلیسی یا فرانسوی در تمام مهارت‌ها؛

ترجمه: نگار پرونده

از زمانی که ائتلاف آینده کبک قدرت را در استان زیبا به دست گرفت، تظاهرات متعددی در انتقاد از سیاست‌های مهاجرتی دولت فرانسوا لوگو در شهرهای مختلف استان برگزار شده است.



## ده‌هزار کارگر ماهر متقاضی اقامت دائم در انتظار چراغ سبز کبک

سخنگوی اداره مهاجرت کبک می‌گوید پاندمی کرونا روند رسیدگی به پرونده‌های مهاجرت را به شدت دگرگون کرد. در واقع اتاوا سال گذشته از پذیرش آن تعداد مهاجر که کبک انتظار داشت، خودداری کرد.

نادین ژيرو، وزیر مهاجرت، فرانسوی سازی و شمول کبک هفته پیش اعلام کرد: «کبک با کمبود نزدیک به ۱۷ تا ۱۸ هزار نیروی کار روبرو است. بنابراین باید به گونه ای عمل کند که بتواند عقب ماندگی خود در زمینه جذب مهاجران را جبران کند. این گفته خانم ژيرو در واقع اذعان به طولانی شدن فهرست مهاجران در صف انتظار است.» دولت فدرال اما در توجیه این وضعیت اعلام کرده است: «همه‌گیری کرونا پیامدهای مختلفی بر روی کار ما داشته که محدودیت‌های فراگیر در زمینه سفر و دور کار شدن بسیاری از کارمندان از آن جمله است. این در حالی است که پشت پرده گفته می‌شود از زمانی که ائتلاف آینده کبک روی کار آمده است، دولت فدرال به تصمیمات دولت کبک در رابطه با کاهش آستانه مهاجرت چندان وقعی نمی‌نهد.»

یک سخنگوی اداره مهاجرت، پناه‌جویان و شهروندی کانادا تأکید کرد این نهاد همچنان به تلاش برای حل مسئله فهرست طولانی تقاضای کارگران ماهر کبک ادامه می‌دهد.

### هزاران پاکت باز نشده

این فهرست که همین حالا نیز به طرز بی‌سابقه‌ای طولانی شده است احتمالاً در هفته‌های آینده طولی تر هم خواهد شد. طبق سندی که به‌موجب قانون دسترسی به اطلاعات به آن دست پیدا کردیم، اول آوریل امسال ۶۹۳۶ نامه اقامت دائم هنوز توسط دفتر مهاجرت در سیدنی واقع در نوآسکوشیا که مسئولیت رسیدگی به تقاضای مهاجرت به کبک را بر عهده دارد، باز نشده بود. اوایل سال اتاوا از گسترش این دفاتر خبر داده و اعلام کرده بود ۶۲ کارمند جدید به آن اضافه خواهد شد تا با سرعت بیشتری به پرونده‌های مهاجرت رسیدگی شود.

### دولت لوگو مهلت‌های طولانی را انکار می‌کند

در حال حاضر دولت فدرال می‌گوید کارگران ماهر که از پیش توسط کبک گزینش شده‌اند، برای دریافت اقامت دائم خود باید ۲۷ ماه (بیش از دو سال) صبر کنند این در حالی است که در دیگر استان‌ها زمان کلی انتظار حدود شش ماه بیشتر نیست.

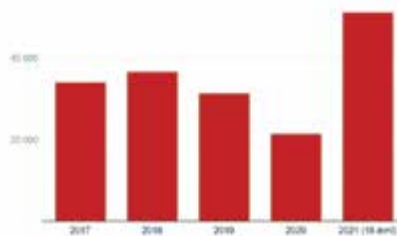
مهاجرت عمیقاً آبراز تأسف کرد. طبق اعلام وزارت مهاجرت کبک، در سال ۲۰۱۸ نزدیک به ۳۷ هزار نفر فهرست طولانی پرونده‌های در انتظار رسیدگی را تشکیل می‌دادند. این رقم در سال ۲۰۲۰ پس از آن که دولت فرانسوا لوگو پاره‌ای اصلاحات به اجرا گذاشت، کاهش یافت.

دولت فرانسوا لوگو در سال ۲۰۱۹ شمار مهاجران پذیرش شده در استان را از ۵۰ هزار نفر به ۴۰ هزار نفر کاهش داد اما هم‌زمان شمار افرادی را نیز که توسط کبک گزینش می‌شدند، به طرز قابل توجهی کم کرد. این تدبیر برای اتاوا این امکان را فراهم کرد تا در این فهرست که سال گذشته تعداد افراد آن به ۲۱ هزار نفر کاهش یافته بود، دست به انتخاب بزند.

اما از یک سال پیش شمار پرونده‌های رسیدگی نشده (یک پرونده می‌تواند شامل چندین نفر باشد) تقریباً سه برابر شده و از ۹ هزار و ۷۵۲ به ۲۶ هزار و ۴۶۰ مورد رسیده است.

### تعداد تقاضاهای اقامت دائم

مقوله کارگران ماهر کبک به تعداد نفرات



منبع: اداره مهاجرت، پناه‌جویان و شهروندی کبک

شمار پرونده‌های مهاجرتی پردازش نشده توسط دولت فدرال طی یک سال اخیر تقریباً سه برابر شده و به سطحی بی‌سابقه رسیده است.

هرگز این تعداد مهاجر منتظر پذیرفته شدن در استان کبک نبوده‌اند و هرگز انتظار مهاجران برای پذیرفته شدن این قدر طولانی نبوده است.

در حال حاضر ۵۱ هزار و ۲۱۳ کارگر ماهر که پیش‌ازین توسط دولت فرانسوا لوگو گزینش شده‌اند، در فهرست تقاضاهای اقامت دائم که اتاوا باید به آنها رسیدگی کند، قرار دارند. به بیان ساده‌تر اینها پرونده‌های عقب‌افتاده‌ای هستند که دولت فدرال باید آنها را در اولویت قرار دهد و تکلیف آنها را مشخص کند تا متقاضیان بعدی مهاجرت که توسط دولت کبک انتخاب شده‌اند، بتوانند به استان بیایند. این آمار و ارقام که توسط اداره مهاجرت، پناهندگان و شهروندی کانادا IRCC در اختیار رادیو کانادا قرار گرفته، به سطحی بی‌سابقه رسیده‌اند به طوری که انتشار آنها حتی موجب تعجب مقامات دولت کبک و مسئولان دفتر نادین ژيرو وزیر مهاجرت استان شده است.

مسئولان دفتر نادین ژيرو از اظهار نظر در این باره خودداری کرده و اعلام کرده‌اند از این داده‌ها که نشان‌دهنده تأخیرهای مکرر و زمان طولانی رسیدگی به تقاضای مهاجران اقتصادی مایل به استقرار در استان کبک است، اطلاعی ندارند.

### اتاوا علت این معضل را پیامدهای همه‌گیری کرونا می‌داند

هنگامی که ائتلاف آینده کبک در استان زیبا به قدرت رسید، سیمون ژولن-بارت وزیر مهاجرت پیشین استان از میراث به‌جامانده از لیبرال‌ها و هزاران پرونده بلا تکلیف



داده است. دفتر نادرین ژیرو وزیر مهاجرت کبک اعلام کرده که قرار است طرح جدیدی در این زمینه تا پایان سال ارائه شود که در آن سناریوهای مختلفی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

خانم کریستین سن-پیر، نماینده حزب لیبرال که در انتقاد از سیاست‌های مهاجرتی دولت کبک تردید به خود راه نمی‌دهد، می‌گوید: «نادین ژیرو باید رهبری این پرونده را به‌دست گیرد و نشان دهد که صلاحیت و کفایت لازم را برای حل و فصل مشکلات دارد.»

«دولت کبک در توجیه کاهش اهداف مهاجرتی همواره تأکید می‌کند که کمتر اما دقیق تر پذیرش می‌کند اما اکنون می‌بینیم که دولت آقای لوگو دقت را هم به کلی کنار گذاشته است. کاملاً مشخص است که ائتلاف آینده کبک آشفتگی و نابسامانی پرونده مهاجرت را نادیده می‌گیرد.» ( کریستین سن-پیر نماینده حزب لیبرال کبک)

آندرس فونتسیسیا، نماینده حزب همبستگی کبک نیز تأکید کرد: «متأسفانه افرادی که مدت‌ها در انتظار رسیدگی به تقاضای مهاجرت خود بوده‌اند، به تدریج کبک را ترک خواهند کرد. دولت کبک باید یک بار برای همیشه این مشکل را برطرف کند. حل این مشکل تنها از طریق بالابردن آستانه‌های مهاجرت به استان امکان‌پذیر خواهد بود.» حزب نیودموکرات اما در این زمینه انگشت اتهام خود

را به سمت دولت جاستین ترودو بلند کرده است. الکساندر بولریس، نماینده حزب نیودموکرات تأکید کرد: «دولت فدرال در قضیه مهاجرت به کبک یک رفتار به‌شدت مزدورانه و مغرضانه از خود نشان داده است. اتاوا در این قضیه تقصیرات را به گردن دولت کبک می‌اندازد درحالی‌که مسئله مهاجرت توسط خود اتاوا به بن بست رسیده است.»

الکساندر بولریس افزود دولت فدرال باید برای پایان دادن به این بن‌بست دست به یک اقدام موثر بزند. بی‌تحرکی اتاوا در این قضیه تنها به تشدید کمبود نیروی کار در استان کبک منجر خواهد شد.

طبق طرح‌های کنونی مهاجرت، اتاوا قصد دارد در سال ۲۰۲۱ در مجموع ۴۱۰ هزار مقیم دائم جدید در سرتاسر کانادا جذب کند. کبک نیز به‌نوبه خود برای ورود ۴۴ هزار و ۵۰۰ تا ۴۷ هزار و ۵۰۰ مهاجر جدید برنامه‌ریزی می‌کند ضمن این‌که بحران کووید ۱۹ و محدودیت‌های ناشی از آن ورود هفت هزار مهاجر جدید به استان را نیز به تأخیر انداخته است که این عقب‌افتادگی نیز باید جبران شود.

مارکو مندوپینو، وزیر مهاجرت فدرال قول داده است روند رسیدگی به پرونده‌های مهاجرتی مربوط به کارگران ماهر که کبک گزینش کرده است، تسریع شود.

بیش از ۱۵۰ هزار تمایل نامه توسط افراد مایل به اقامت در استان کبک ارائه شده بود این در حالی است که سرتاسر سال ۲۰۲۰ فقط از ۶۲۸ متقاضی برای ادامه روند مهاجرت دعوت شد. امسال نیز تا اواخر آوریل دولت کبک تنها برای ۳۰۳ نفر دعوت‌نامه ارسال کرده بود.

در حال حاضر ۷۰ هزار و ۱۲۸ تمایل‌نامه معتبر وجود دارد. اما طبق اعلام وزارت مهاجرت، فرانسوی سازی و شمول کبک این فهرست به طرز قابل‌ملاحظه‌ای کوتاه شده است چراکه مدت اعتبار این نامه‌ها ۱۲ ماه بیشتر نیست.

**مراکز و جوامع اقتصادی از این وضع به ستوه آمده‌اند**  
جوامع اقتصادی ناراحتی و نارضایتی خود را از این وضعیت پنهان نمی‌کنند.

شارل میلیار، رئیس فدراسیون اتاق‌های بازرگانی کبک FCCQ تأکید کرد: «بس است دیگر. این ماجرا هم بخش دیگری از بازی سیاستمدارانی است که در نهایت به زیان مهاجران و کسب و کارها تمام می‌شود. در این قضیه مهاجران و پیمانکاران در پیچ و خم‌ها و کاغذبازی‌های اداری گروگان گرفته شده‌اند. متأسفانه این موضوع در حال حاضر به پاشنه آشیل دولت فرانسوا لوگو تبدیل شده است. لازم است که این مشکل به شیوه‌ای جدی‌تر مورد بررسی قرار گیرد.»

شورای پیمانکاری کبک CPQ نیز که از وجود ۱۵۰ شغل خالی در استان خبر داده است، تأکید کرد دولت فرانسوا لوگو باید امسال برای پایان دادن به این مشکل دست به یک اقدام عاجل بزند و بدون تعلل ده‌ها هزار مهاجر جدید پذیرش کند.

کارل بلکبرن، رئیس شورای پیمانکاری کبک تأکید کرد فقط با پذیرش ده‌ها هزار مهاجر جدید است که دولت کبک می‌تواند کنتور مهاجرت را در سال ۲۰۲۲ دوباره از صفر راه‌اندازی کند. این کار حرکت خوب و درستی است که ارزش فکر کردن و برنامه‌ریزی دارد.

آقای بلکبرن افزود نیازهای موجود در بازار کار استان کبک واقعاً عظیم است و مهاجرت نیز برای احیای اقتصادی به ویژه در دوره پساکرونا از اهمیتی تعیین‌کننده و انکارناپذیر برخوردار است.

**حزب لیبرال کبک معتقد است که ائتلاف آینده کبک به آشفتگی موجود در زمینه مهاجرت اهمیت نمی‌دهد**

دولت فرانسوا لوگو افزایش اهداف مهاجرت را مدنظر قرار

نادین ژیرو به‌تازگی اعلام کرد مهلت رسیدگی به تقاضای اقامت دائم برخلاف آن چه دولت فدرال اعلام کرده است ۲۷ ماه نیست بلکه ۱۳ ماه است.

اخیراً دولت فرانسوا لوگو این آمار و ارقام و این انتظار طولانی کارگران متقاضی اقامت دائم در کبک را تکذیب کرده این در حالی است که این اطلاعات را دولت فدرال که مسئول اعطای اقامت دائم می‌باشد، در اختیار متقاضیان مهاجرت قرار داده است.

نادین ژیرو وزیر مهاجرت، فرانسوی‌سازی و شمول کبک ۲۱ آوریل تأکید کرد: «در حال حاضر مهلت رسیدگی به درخواست‌ها در کبک ۱۳ ماه است. درست است که رقم‌های متفاوت دیگری در این باره منتشر می‌شود اما این ارقام الزاماً درست نیستند.»

این اظهار نظر خانم ژیرو خیلی زود نارضایتی و خشم شمار زیادی از متقاضیان مهاجرت را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت. رادیو کانادا نیز فهرست طولانی انتظار برای رسیدگی به تقاضای مهاجرت کارگران ماهر را منتشر کرد اما مسئولان دفتر نادرین ژیرو در این رابطه اظهار بی‌اطلاعی کردند. سخنگوی وزیر مهاجرت کبک فقط به گفتن این جمله بسنده کرد که «در حال حاضر ما در حال بررسی موضوع هستیم.»

انجمن وکلای مهاجرت در استان کبک AQAADI نیز اعلام کرد این فهرست نشان‌دهنده زمان طولانی رسیدگی به تقاضاهای مهاجرت است.

گیوم کلیش- ریوار رئیس AQAADI تأکید کرد: «این تاخیرها و زمانهای طولانی اصلاً تعجب برانگیز نیست. شمار پذیرش مهاجران ثابت مانده یا با افزایش کمی همراه است بنابراین شمار پرونده‌های معوقه مرتب در حال افزایش است. تا زمانی که اهداف مهاجرت تغییر نیابد و آستانه پذیرش مهاجران افزایش پیدا نکند، این تاخیرها و تعویق‌ها نیز کاهش نخواهد یافت.»

**آریما، سامانه‌ای که سرعت و کارایی لازم را ندارد**

انتظار می‌رفت سیستم آریما که ابتدا دولت فلیپپ کوئیار مدنظر قرار داد و سیمون-ژولن بارت در سال ۲۰۱۹ با تبلیغات زیاد آن را راه‌اندازی کرد، به‌عنوان موتور محرک مهاجرت عمل کند و به گفته وزیر پیشین مهاجرت کبک، امکان انتخاب مهاجران را بر اساس نیازهای اقتصاد و بازار کار استان فراهم نماید. این پلتفرم برای دولت کبک ۱۳ میلیون دلار آب‌خورده و هزینه فعالیت آن نیز تا پایان سال ۲۰۲۰ حدود ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار برآورد شده است. با این حال به‌رغم این‌که دو سال از راه‌اندازی آریما می‌گذرد، این پلتفرم پرهزینه خروجی چندانی نداشته و مهاجران کمی را گزینش کرده است. تا اواخر سال ۲۰۱۹







همزمان با تجمع اعتراضی کارگران مهاجر در برابر دفتر اسکان پناهندگان در مرکز شهر وینی پگ، نومی‌ها بالا گرفته است.

# تعطیلی یک مرکز مهاجران در مانیتوبا و اعتراضات

فداکاری کرده‌ایم" در خارج از ساختمان Welcome Place تجمع کردند.

در میان این گروه پناهنده‌ای از خاورمیانه به نام فاضل آلسوا حضور داشت که در سال ۲۰۱۵ به همراه خانواده‌اش به Welcome Place آمد. بعداً در همان سال همزمان با موج ورود پناهندگان به مانیتوبا، وی به استخدام این سازمان غیرانتفاعی درآمد.

الشوا افزود: ولکام پلیس Welcome Place خانه من است. ما برای کمک به مردم اشتیاق داریم و این مکان برای من و کارمندان دیگر نیز بسیار مهم است... ما اینجا یک خانواده هستیم. من بسیار ناامید شدم و اصلاً احساس خوبی ندارم، زیرا آن گونه که با رفتار می‌شود منصفانه نیست.

الشوا و کلارک نگرانی خود را از اینکه مشتریان Welcome Place بدون خدمات اسکان ضروری باقی بمانند، ابراز داشتند.

این شورا که درخواست CBC را برای مصاحبه رد کرد، در خبری اعلام کرد که به ارائه خدمات در طول این دوران ادامه خواهد داد، اما نحوه انجام این کار را مشخص نکرد. یک سازمان دیگر دست‌اندرکار خدمات‌رسانی به تازه‌واردان روز چهارشنبه، در یک ایمیل به CBC اعلام کرد Welcome Place خدمات بی‌نظیری به پناهندگان ارائه می‌دهد.

وال کاورز، مدیر اجرایی شبکه خانواده تازه‌واردان موسوم به موزاییک گفت: سازمان موزاییک برای ارائه خدمات مشابه به اندازه کافی مجهز نیست.

کارگران معترض می‌گویند تا زمانی که بتوانند به توافق برسند، هر روز تجمع اعتراضی برگزار می‌کنند.

منبع: وب‌سایت سی.بی.سی نیوز

صورت گرفت که دو سال پیش قرارداد اصلی خود را از دست داد و مجبور به کاهش ۵۰ درصدی کارکنان خود شد.

شورا می‌گوید که این تأخیر بر توانایی MIIC در ارائه دقیق و مؤثر پیشنهادها برای تأمین بودجه تأثیر منفی داشته است.

MIIC روز سه‌شنبه در یک بیانیه خبری اعلام کرد: ما باید برای مطابقت با تغییرات داخلی ایجاد شده و نیاز مستمر به محدود کردن هزینه‌ها، هزینه‌های عملیاتی کارمندان خود را تنظیم کنیم تا اطمینان حاصل شود که Welcome Place می‌تواند به مأموریت خود برای ارائه خدمات به جامعه پناهندگان ادامه دهد.

اسکات کلارک، نماینده CUPE در مصاحبه‌ای گفت: تجدید ساختار سازمانی همچنان به کاهش ۱۲.۵ درصدی دستمزد کارمندان باقیمانده منجر شده است. اما برخی از موضوعات مورد اختلاف، در درجه نخست به بودجه مربوط نمی‌شود.

وی افزود: واقعیت این است که کارفرما نه تنها حل برخی مسائل پولی جزئی، بلکه حل برخی از مسائل غیر پولی را که فکر نمی‌کنیم در حال حاضر به این بحث مربوط باشد، طلب می‌کند. این سازمان با ترتیبی که در حال حاضر برقرار است می‌تواند از نظر اقتصادی دوام داشته باشد.

برخی از کارگران ممنوع‌الورود صبح چهارشنبه با در دست داشتن تابلوهایی با مضمون "ما به اندازه کافی

فاطمه عمر صبح روز چهارشنبه هنگامی که برای کار به دفتر اسکان پناهندگان «شورای مهاجرت بین ادیان» مانیتوبا موسوم به Welcome Place در مرکز وینی پگ مراجعه کرد، فهمید که کارکنان این دفتر از ورود به این ساختمان منع شده‌اند.

زن ۲۷ ساله سومالیایی که برای دسترسی به خدمات دفتر اسکان پناهندگان به این ساختمان واقع در خیابان باناتین، مراجعه کرده بود، گفت: آنها در این باره چیزی به من نگفته بودند.

خانم عمر پس از خروج از این محل گفت که افراد حاضر در داخل ساختمان مایل به کمک بودند اما به زبان او صحبت نمی‌کردند. آنها به او گفتند که می‌تواند به مرکز مهاجرت، یکی دیگر از نهادهای غیرانتفاعی که به تازه‌واردان خدمات ارائه می‌دهد، واقع در چند خیابان آن‌طرف‌تر برود. ولی فاطمه عمر که در سال ۲۰۱۹ وارد کانادا شده بود نمی‌خواست به مرکز مهاجران مراجعه کند. در نهایت عمر دست خالی آنجا را ترک کرد.

بیش از ۲۰ کارمند روزمزد و تمام‌وقت شورای مهاجرت بین ادیان مانیتوبا، معروف به ولکام پلیس Welcome Place، روز چهارشنبه در اعتراض به ممنوعیت ورود به این محل که از روز قبل شروع شده بود، به صورت نوبتی در برابر این ساختمان غیرانتفاعی تحصن کردند.

این اقدام بعد از بیش از ۱۳ ماه مذاکره و چانه‌زنی بین اتحادیه نماینده کارگران CUPE - و Welcome Place



## مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ  
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker  
meslami@sutton.com

514 967 5743



YASAMIN ALI-AKBAR

Courtier Immobilier Résidentiel

ELHAM JAMI

Courtier Immobilier Résidentiel

514-677-9681

514-966-9681

yasamina@sutton.com

enlajami@sutton.com

خرید و فروش املاک مسکونی  
در مونترال، وست آیلند، ریوسود و لاوال

همکاری با تیم با تجربه در  
تهیه وام مسکن و با کمترین نرخ سود بانکی

تسهیلات ویژه برای تازه واردین به کانادا



Agence immobilière  
RE/MAX Haute Performance

## شاهین سجادی

کارشناس و مشاور رسمی  
املاک مسکونی



SHAHIN SAJADI

• Courtier immobilier  
résidentiel

514-464-8220



f shahinsajadi

shahin.sajadi@remax-quebec.com

shahinsajadi.realtor

- ارزیابی ملک و مشاوره رایگان
- خدمات رایگان برای خریداران و مستأجران
- مشاوره تخصصی به سرمایه گذاران در املاک در آمدزا
- همراهی در تهیه وام با بهترین شرایط
- هزینه محضر هدیه ما به خریداران گرامی

## شهره شهریان

مشاور رسمی املاک مسکونی

طراح و ناظر پایه یک شهرداری در ابران  
با بیش از ۱۵ سال سابقه



514 290 2210



ShahrianRealtor@gmail.com

ادبیات؛ ویژه نامه محمد کشاورز  
فرشید سادات شریفی  
قدم زدن آرام بر گذرگاه نوشتن

ادبیات  
صید واقعیت ناموجود  
جستاری از محمد کشاورز

ادبیات  
داستان کوتاه: قصه آن‌هاید

شعر دو زیانه  
چند شعر از طاهر آهنگری، شاعر معاصر  
کرد با ترجمه فارسی

تازه‌های کتاب  
لمس انسانی و رمان  
L'intrusive

# ادبیات فرهنگ و هنر



Ottawa Persian Radio  
Namaashoum  
Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001  
www.PersianRadio.net

CKCU 93.1 FM

<https://t.me/ottawaradio>

## نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹  
از اکتبر ۲۰۰۱ تاکنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

[www.PersianRadio.net](http://www.PersianRadio.net)

## رادپونماشوم

اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری  
همکاران تازه است.

@namaashoum\_radio





# قدم‌زدن آرام بر گذرگاه نوشتن

که: «آیرونی «باغ تابناک» در این است که شخصیت اصلی داستان می‌خواهد از مضامینی در داستان‌هایش اجتناب کند که او را احاطه کرده‌اند و نهایتاً خود را به او تحمیل می‌کنند. هنرمند مدرن، حتی وقتی می‌کوشد تا ذهنیت خود را به واقعیت تحمیل کند، بازهم اسیر وضعیتی مستأصل‌کننده است»

اما همه‌ی این‌ها مقدمه‌ای می‌شود برای اثری که ده سال بعد نشر می‌یابد: روباه شنی؛ اثری خاص که اخیراً نیز در نظرسنجی مردمی گروه «داستان ایرانی» (به‌دبیری صاحب این قلم) محبوب‌ترین مجموعه‌داستان سال ۱۳۹۴ شد (مشترک با «نوبت سگ‌ها» از سروش چیت‌ساز).

به نظر می‌رسد این مجموعه، طنز و آیرونی را به زیرین‌ترین و تلخ‌ترین لایه‌ی خود، یعنی خفیه‌خوانی و خفیه‌نگاری انواع خشونت برده باشد و بهتر از هر توصیفی، خواندن مصاحبه‌های خوبی است که با صاحب اثر درباره‌ی روباه شنی انجام شده است؛ به‌ویژه مصاحبه‌ی شماره‌ی نوروزی مجله‌ی سینما و ادبیات که نامی همسو با عنوان و نگاه نوشته‌ی حاضر دارد: «آقای نویسنده نمی‌خواهد بدود». از همین نگاه، اگر دو مجموعه‌ی پیشین بیشتر به نقدهای سبکی یا اجتماعی تن می‌داد، مجموعه‌ی حاضر (و اصلاً همین برگزشتن‌های محمد کشاورز از سبک پیشینی خویش، بی‌بی که از قلمرو رئالیسم سرشار از آیرونی بیرون بزند)، می‌تواند موضوع نقدهایی با رویکردهای مرتبط با خشونت-قدرت، مثل خوانش‌های فوکویی باشد. نگاهی که خود کتاب از همان اولین داستان مجموعه، با نام «روز متفاوت» ما را به آن فرامی‌خواند.

و همه‌ی این‌ها او را به یکی از نمونه‌های ترجمه‌پذیر و مناسب برای معرفی به زبان‌های دیگر بدل می‌کند.

تا به بلبل حلبی برسد. در بلبل حلبی، رویکرد غالب در رفتن آهسته‌پویسته، طنزآفرینی است؛ آن‌چنان طنزی که مخاطب حتی در هول‌آورترین لحظات لبخندکی بر لب آورد و البته تجربه‌های طنزآفرینانه‌ی او بسیار متنوع‌اند و نایکسان؛ چون از یک‌سو او مدام در پی کشف و تجربه‌ی فرم‌های تازه است و از دیگرسو به تنوع شخصیت‌های داستانی‌اش علاقه و توجهی ویژه دارد، تا جایی که از پیشه‌وران تا روشن‌فکران و حتی مهاجران افغان را در زیست‌جهان خویش آورده و داستانی‌شان کرده است.

از این منظر، بذری که کشاورز پیش‌تر در پایکوبی در دل داستان درخشان «شهود» (اولین داستان آن مجموعه) کاشته بود، در درخشان‌ترین داستان بلبل حلبی، یعنی «می‌گوید آب، می‌گویی آب، می‌گویم آب» ثمر می‌دهد.

دیگر نکته‌ی شایان توجه در هر دو این کتاب‌ها، آن است که کشاورز همواره امکان‌های تازه و مدرن و غنائی داستان را می‌جوید و می‌سازد و تجربه می‌کند، بی‌بی که از شیوه‌ی رئالیستی بیرون رفته باشد و استادی او در اینجاست که این عناصر به‌ظاهر ناساز، به‌دوراز تشست و دوپارگی در اثر او خوش می‌نشینند و زیست‌جهانی یکدست را برمی‌سازند و احتمالاً از همین روست که دکتر حسین پاینده نیز وقتی در جلد دوم از کتاب سه‌جلدی داستان کوتاه در ایران به‌دنبال نمونه‌هایی از خصیصه‌نماترین داستان‌های غنایی‌مدرن می‌گردد، به داستان «باغ تابناک» از مجموعه‌ی بلبل حلبی نیز توجه نشان می‌دهد و درباره‌اش این‌گونه می‌نویسد که:

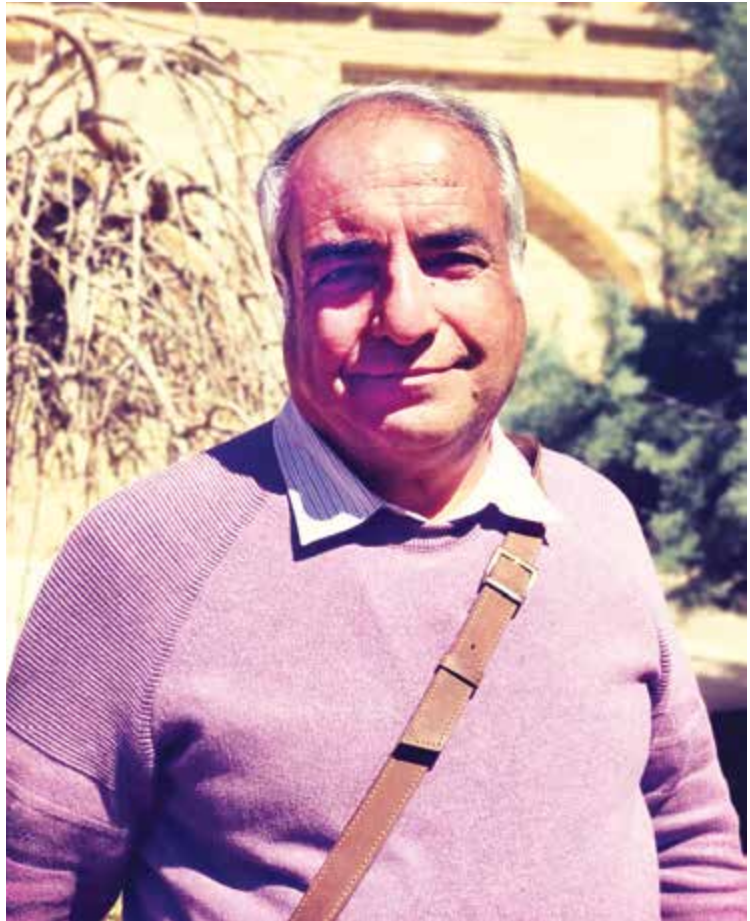
«براساس نظریه‌ی آیلین بالدشویلر، «باغ تابناک» نمونه‌ای از داستان غنائی مدرن است» و سپس در ادامه بحثش را چنین تکمیل می‌کند

هرگاه از من می‌خواهند درباره‌ی نویسنده‌ای معاصر و زنده و هنوز نویسنده‌ی مطلبی بنویسم، از خود می‌پرسم آیا در کارنامه‌ی او عنصری هست که در ذات خود نوعی «اقتدار» داشته باشد، به‌نحوی که ذهنیت نویسنده، دانسته یا نادانسته معطوف به آن باشد و التفات به آن ما را به «ذات ادبی» او نزدیک‌تر کند؟

به‌نظرم این محور را درباره‌ی محمد کشاورز می‌توان حرکتی آهسته‌پویسته و به‌عمد پیاده بر گذرگاه نوشتن نامید. البته در سه مجموعه‌داستان او «پایکوبی» و «بلبل حلبی» و «روبه شنی»، این گذار با سه رویکرد اتفاق می‌افتد که موضوع همین یادداشت است.

در مجموعه‌ی اول، پایکوبی، خود را در مرز و ملتقای داستان کلاسیک و مدرن نگاه‌داشتن و شیوه‌ی بینابین برگزیدن، راهبرد و شگرد اصلی اوست؛ یعنی او در این کتاب، نه مطلقاً کلاسیک می‌نویسد و نه به‌تمامه به شیوه‌ی مدرن. کشاورز در این مجموعه به دوگانه‌های واقعیت-خیال، جامعه-درون و تنهایی-مشکلات (تقابل و هم‌زمانی سویه‌های فردی و جمعی) نیز آگاهانه و شایسته‌ی توجه داشته و کوشیده به‌شکلی حساب‌شده، از اجتماع‌نویسی نویسندگان رئالیست پیش از خود فاصله بگیرد؛ در نتیجه او مسائل و مشکلات اجتماعی را به شیوه‌ای غیرمستقیم بیان می‌کند.

البته این دوگانگی و نامستقیم‌گویی هنری، برای ذهن‌های کلاسیک‌دوست، مشکلاتی هم ایجاد می‌کند و آن‌ها را به چندباره خواندن اثر می‌کشاند؛ تا جایی که اگر با تعریف‌های عناصر داستانی فورستر و میرصادقی به تحلیل این داستان‌ها بنشینید، مانند یکی از محققان خواهید نوشت: «ایجاد ایهام و پیچیدگی خصوصاً در کتاب پایکوبی، یکی از شاخصه‌های اصلی داستان‌پردازی او است» اما او با این مجموعه، از خود و از این فضا عبور می‌کند



# صیدِ واقعیتِ ناموجود

## جستاری از محمد کشاورز

می‌توانست جستجوگرِ واقعیت باشد. اما به احدی تعهد ندهد که حتماً با دست‌پر و ادعای تمام از این سفر اکتشافی برمی‌گردد.

داستان چه نسبتی با واقعیت دارد؟ داستان‌نویس چگونه می‌تواند به واقعیت دست پیدا کند؟ مگر واقعیت پدیده‌ای است ایستا، که بتوان آن را با کلمه‌ای صید و توصیف و تصویر کرد؟ فرض کنیم من دارم داستانی می‌نویسم. با ادعای واقعیت‌گرایی، داستان با توصیف درخت سیب در حیاط خانه‌ای شروع می‌شود. واقعیت این درخت با گفتن در حیاط درخت سیبی بود، ساخته نمی‌شود. این درخت در ظاهر از تنه و شاخه‌ها و برگ‌ها تشکیل شده. آیا گفتن همین برای توصیف واقعی درخت کافی است؟ پیداست که نه. اگر قرار بر نوشتن از یک درخت واقعی باشد

به دوش بکشد. اما از بین همان‌ها کسانی هم بودند که نظرشان با دسته‌ی اول توفیر داشت. با بازآفرینی واقعیت مشکل داشتند اما حرفشان این بود که مگر واقعیتی هم وجود دارد که بشود آن را بازسازی یا بازآفرینی کرد؟ می‌گفتند کدام واقعیت؟ یا اصلاً چه کسی واقعی بودن یا نبودن پدیده‌ای را تعیین و تضمین می‌کند؟ که دیگری گیرم داستان‌نویس بتواند آن را بازآفرینی کند. نمی‌دانم سپانلو کدام‌یک از دو نظر را پذیرفت. اما هرچه بود در جلد دوم آن که مختص داستان‌ها و داستان‌نویسان دهه‌ی شصت بود، نام آن را به «در جستجوی واقعیت» تغییر داد. اسمی که فروتنانه‌تر از جلد اول بود. شاید نویسندگان جدید هم به کارکرد داستان فروتنانه‌تر نگاه می‌کردند و قرار نبود داستان گزارش جهان واقع باشد. بلکه

در اوایل دهه‌ی پنجاه، زنده‌یاد محمدعلی سپانلو گزیده‌ای از داستان‌های نویسندگان معاصر ایران در کتابی با اسم «بازآفرینی واقعیت» گردآوری و منتشر کرد. کتاب با یادداشت‌های تحلیلی سپانلو بر هر داستان، خواندنی‌تر هم شده بود. اما کسانی با اسم کتاب مشکل داشتند. هرچند داستان‌ها را می‌پسندیدند. مشکل داشتند چون می‌گفتند مگر واقعیت را می‌شود بازآفرینی کرد؟ واقعیت را اگر بتوان باید همان‌گونه که هست تصویر و توصیفش کرد. امانت‌دارانه و موبه‌مو. این‌ها البته کسانی بودند که نویسنده را با گزارشگر اشتباه گرفته بودند و در زمانه‌ای که مطبوعات راهی برای انجام رسالت خود در پرداختن و گزارش دادن از وقایع و مصائب اجتماعی نداشتند، لابد انتظار داشتند که نویسنده‌ی داستان این بار را

تاریخ‌مصرف‌دار در حاشیه‌ی تاریخ بدل شدند تا داستانی به معنای هنری آن. اما نویسندگانی بودند و هستند که به سیاست و تاریخ باج ندادند و نمی‌دهند. سعی می‌کنند واقعیت را از زوایای مختلف ببینند. عنصری از آن را برمی‌گزینند تا جهان داستانی خود را خلق کنند. از یک نمونه‌ی شناخته‌شده مثال می‌زنم. داستان چهارم «عزاداران بیل» ساعدی. با همان‌که به داستان گاو معروف شده. خب تردیدی نیست که به لحاظ ارزش هنری یکی از داستان‌های خوب ادبیات معاصر ماست. همین داستان در زمان انتشارش و در نقدهایی که بر آن نوشته شد بیشتر ستایش‌ها را از شیفتگان واقع‌گرایی ادبی گرفت. از طرف کسانی که تلاش می‌کردند داستان ساعدی را گره بزنند به واقع‌گرایی و بعدازآن، دستمایه‌ی بسازند برای تبلیغات سیاسی. در صورتی که داستان ساعدی چندان ربطی به واقعیت نداشت. بیل و گاو مشدحس بر ساخته‌ی جهان داستانی ساعدی بودند. هرچند المان‌های به‌کارگرفته‌شده در آن داستان و دیگر داستان‌های کتاب عزاداران بیل را می‌توان در روستاهای آن روز آذربایجان و دیگر نقاط ایران پیدا کرد. مثل گاو، طویله، مرد روستایی که به خاطر کار و معیشت وابسته‌ی گاو شده. همیاری اهالی که در همی روستاها متداول است. خرافات مناطق دورافتاده و وهم حاکم بر فضا. ساعدی با کنار هم چیدن این‌ها جهان داستانی خودش را ساخت تا بتواند آدم‌هایش را در آن به حرف و حرکت وادارد. داستان چهارم کتاب عزاداران بیل نه گزارش ساعدی از زندگی مردمان روستایی در آذربایجان دهه‌ی چهل شمسی، که کولازی از المان‌های زندگی روستایی و ذهنیت ساعدی درباره‌ی زیست و زمانه‌ی انسان ایرانی دهه‌ی چهل شمسی است. برای همین است که چنین داستانی تاریخ‌مصرف‌پذیر نیست، و همچنان به زندگی ادامه می‌دهد و به محض آن‌که بخواهیم آن را در بستر دوره‌ی خاص از تاریخ محاط کنیم و با سنجه‌هایی به اسم واقعیت تاریخی بسنجیم. اثر جواب نمی‌دهد و تا مرز فروپاشی پیش می‌رود. پس نویسنده‌ی داستان برای آن‌که زنده‌ای نشود بر گرده‌ی تاریخ و سیاست و ایدئولوژی، چاره‌ای ندارد تا نسبت به هر چه واقعیت پیشینی پنداشته می‌شود بدگمان شود؛ چراکه هر کدام از این‌ها دست بالا واقعیت خاص خود را می‌سازند و نویسنده نمی‌تواند در زمین دیگران بازی کند. نویسنده همچون پیامبری که بر خود مبعوث شده، باید با تکیه‌بر نیروی کلمه و خیال و نگاه خاص به انسان و زیست و زمانه‌اش، جهان یگانه‌ی خودش را خلق کند. حتی اگر سکوی پرش به‌سوی چنین جهانی همان چیزی باشد که همه به آن واقعیت می‌گویند.

مصاحبه‌ی اختصاصی هفته با محمد کشاورز را در بخش گفت‌وگوی همین شماره (ص ۴۲ تا ۴۵) بخوانید

گریزپا که داستان به گرد آن نمی‌رسد. سؤال اینجاست رئالیست‌هایی که دهه‌ها در جهان ادبیات میدان‌داری می‌کردند، کدام واقعیت را به ما عرضه داشته‌اند؟ من می‌گویم هر کدام واقعیت برساخته‌ی خودشان را ساخته‌اند و چه چیز هنرمندانه‌تر از این. هنر هیچ‌گاه قرار نبود گزارشگر امور واقع باشد که اگر می‌خواست هم نمی‌توانست. چون واقعیت مدلی بر تخت خفته نیست تا شما بر بوم نقاشی‌اش کنید. حتی کور به نقاش رئالیست هم که آن‌همه تعصب واقع‌گرایی داشت باز نمی‌توانست همه‌ی واقعیت را در نقش زدن از مدل انسانی خفته بر تخت ترسیم کند. آنچه او بر بوم می‌کشید ظاهر مدل بود. آیا می‌توانست حال و هوا و اندیشه و گذشته‌ی انسان مدل‌شده را هم نشان دهد؟ اگر کلیه‌ی چپ مدل از کار افتاده باشد یا قلبش ضعیف باشد یا دستگاه گوارشش خوب کار نکند چی؟ باز هم می‌توانست نشانی از آن‌ها در ظاهر جسمی که او بر بوم نقش زده دید؟ و افکار او! چه فکری درباره‌ی نقاش و حرکات او در همان لحظه از ذهن مدل نقاشی می‌گذشت؟ پس او هم فقط می‌تواند پوسته‌ای از آنچه را می‌بیند به‌عنوان واقعیت به مخاطب عرضه کند و می‌بینیم که این، همه‌ی واقعیت نیست و چیزی که همه‌ی واقعیت نباشد ربطی به واقعیت ندارد. برای اینکه احاطه‌ی انسان در آن واحد بر همه‌ی واقعیت غیرممکن است. آن‌هم واقعیتی که هر لحظه در حال دگرگونی، هر لحظه در حال تغییر و شکل عوض کردن است. پس نویسنده چاره‌ای ندارد جز آنکه فروتنانه بگوید من واقعیت خودم را می‌سازم و می‌نویسم و جز این کاری از من ساخته نیست، نویسنده به گمان من فقط می‌تواند به‌موازات جهان واقعی حرکت کند و با صید تکه‌هایی از آنچه جهان واقع نامیده می‌شود با آمیزه‌ای از تخیل و چینش دوباره‌ی جهان، داستان خود را خلق کند. چنین جهانی وامدار هیچ امری بیرون از داستان نیست. نه بدهکار تاریخ است نه سرسپرده‌ی سیاست. او اگر تعهدی برای خودش فرض کند تعهد در برابر قوانین جهانی است که خود خلق کرده، یعنی جهان داستان خلق جهانی دیگر و انسانی دیگر است که به خواننده ادبیات این امکان را می‌دهد تا خود را از تخته‌بند یگانه‌بینی و یگانه‌فهمی رها کند و انسان و جهان را از منظر دیگری ببیند، تا تحمل نظرگاه دیگران برایش قابل‌فهم و آسان‌تر شود و این، کم دست‌آوردی برای داستان نیست. گاهی شده که نویسنده رسالتی تاریخی برای خودش قائل شده یا به او باورنده‌اند که تو باید از واقعیت‌ها بنویسی. چیزی که در هشتاد درصد داستان‌نویسی دهه‌ی چهل ما متداول بود. اما همان نوشته‌ها هم با گذشت مدت کوتاهی بیشتر به متونی

باز هم کافی نیست. یعنی چنین نوشته‌ای در برابر درخت واقعی کم می‌آورد. این درخت علاوه‌بر همه‌ی آن چیزهایی که گفته شد دارای ریشه هم هست و آوندها که غذا را از ریشه به ساقه و شاخه برگ‌ها می‌رساند. رنگ پوست و رنگ برگ‌ها هم هست و تعداد شاخه‌ها و تعداد برگ‌ها. اما همین‌که نویسنده به خیال خودش برای گفتن واقعیت همه این را بگوید باز خیلی چیزها را نگفته، که واقعیت‌نویسی او را زیر سؤال می‌برد. گیرم آدم سمجی باشد که بخواهد داستانش یک داستان واقعیت‌گرا به معنای متداول باشد. باز در حین نوشتن اگر برگی از هفده هزار و چهارصد و سی و هفت برگ درخت بر زمین بیفتد (یا هر تعداد واقعی برگی که در زمان نوشتن داستان داشته) یعنی معنای واقعیت از متن او برگرفته شده. اگر باد آرایش شاخه‌ها را در حین توصیف به هم بریزد باز امر واقع مخدوش شده. رنگ سیب در برابر تابش آفتاب همان رنگ لحظه‌ی پیش نیست. به‌اندازه‌ی یک‌لحظه رسیده‌تر شده، طعمش تغییر کرده و به‌عبارت‌دیگر واقعیت وجودی شیئی به اسم سیب دیگر واقعیت لحظه‌ی پیش نیست. از همه مهم‌تر حتی اگر بخواهیم بسنده کنیم به همان شکل و شمایل ظاهری درخت سیب باز معلوم نیست درختی که من می‌بینم همانی باشد که دیگری می‌بیند. حتی اگر این دیگری کنار من ایستاده باشد و هر دو هم‌زمان و از یک‌فاصله‌ی معین درخت را نگاه کنیم. اگر نوشته‌ها مان را بخوانند در توصیف یک درخت خاص در زمان و مکانی واحد چندان شباهتی به هم ندارند. یا حداقل اختلافات آن قدر هست که انگار هر کس درخت خودش را ساخته. چرا؟ مگر نه درخت پیش روی ماست؟ بله اما هر کدام از ما درخت خودمان را می‌بینیم. با همه‌ی خاطره‌های خوب و بدی که از درخت سیب داریم. حتی نوشتن از آن درخت و چگونگی توصیفش رابطه‌ی مستقیمی با حال و هوای همان لحظه‌ی ما دارد. پس داستان عاجز از توصیف واقعیت است. واقعیت یا آن چیزی که ما از جهان پیرامون در شکلش و رویدادهای جاری می‌بینیم به تعداد آدم‌های دنیا تعریف و شکل متفاوتی دارند.

در جهانی که هر لحظه همه‌چیز از یک‌دوره گرفته تا کهکشان‌ها، مدام در حال تغییر است و همه‌ی این تغییرات در کسری از لحظه اتفاق می‌افتد، حرف از به بند کشیدن واقعیت توسط داستان بیشتر به شوخی شبیه است. حتی همان لحظه‌ای که ما داریم شخصیتی داستانی را توصیف می‌کنیم همان آدم به‌اندازه‌ی یک‌لحظه پیرتر شده است و دیگر همان آدم لحظه‌ی توصیف و تجسم ما نیست. واقعیت و همه‌ی است





## قصه آناهید

با احتیاط در لاک را بستم و به سمت گوشی رفتم. از دیدن صورتش روی صفحه بزرگ گوشی قند توی دلم آب می‌شد. لبانش را غنچه کرده و با چشمان شرقی درشتش لبخند می‌زد.

با احتیاط علامت سبز گوشی را زدم سلام و احوالپرسی مختصری کرد و گفت که به شدت استرس دارد و اینکه چرا من هنوز حاضر نشده‌ام. به آرامش دعوتش کردم و گفتم از شرق تا غرب مونترال نیم ساعت بیشتر نیست و هنوز دو ساعت به شروع جشن مانده و اینکه خیالش راحت باشد. آناهید دختر ساده و بی‌آلایشی بود و از وقتی یادم می‌آید، همیشه عجله داشت. صبح زود بیدار می‌شد یک لیوان شیر و بلافاصله پشت‌بندش، یک آب‌پرتقال پاکتی با قند بالا می‌نوشید.

چهار سال از زمانی که با ما زندگی می‌کرد می‌گذشت. وسواس‌هایش روزبه‌روز کمتر می‌شدند ولی عاداتش همچنان ثابت بودند. صدای خنده دخترم از آشپزخانه به گوشم رسید. مامان بی‌ا نگاه کن آناهید فراموش کرده ظرف بستنی را به فریزر برگرداند. به دخترم نگاه تندی کردم و گفتم سارا این اصلاً خنده‌دار نیست. خشکش زد.

چهار سال قبل در حوالی همین روزها بالاخره جلسه سوم دادگاه فرا رسید. قاضی زن شصت و چند ساله کبکی با صورتی به سفیدی برف و چشمان فرورفته خاکستری، ابروان باریک و طلایی‌اش را در هم کشیده و در حالی که مصمم به چشمانم نگاه می‌کرد، مرا برای دومین بار به سکوت دعوت کرد. جلسه بیش از پیش‌بینی من طول کشیده بود. از محدود دفاعاتی بود که بر خواسته‌ای این‌چنین پافشاری می‌کردم. یک بغل مدرک شامل اجاره‌نامه خانه، فیش حقوقی، قبض‌های هیئدرو کبک و گواهی سلامت به همراه داشتم که شب قبل با وسواس تمام دسته‌بندی کرده بودمشان.

آناهید هر چند یک‌بار سرش را به طرفم برمی‌گرداند و با آن چشمان سیاه و مغموم نگاهم می‌کرد.

اولین باری که دیدمش نه سال پیشتر نداشت. لاغراندام و ریزنقش بود؛ با دخترم سارا در پارک روبه‌روی خانه‌مان بازی می‌کردند و تا به ما می‌رسیدند توقف کرده و لحظاتی شروع به صحبت می‌کردند و بستنی می‌خواستند و ما می‌خندیدیم. روزهای نخست مهاجرت به هر بهانه‌ای بلندبلند می‌خندیدیم. مادرش سمیرا هم‌کارم بود. آن روزها در رستورانی که سرآشپز بودم، به‌عنوان صندوقدار مشغول کار شده بود. مادر زیبایی که هیچ‌کس از نگاه کردن به او خسته نمی‌شد. نه تنها به خاطر

آن چشمان درشت شرقی که مرد و زن را می‌خکوب می‌کرد بلکه بابت آن خنده‌های شاد و از ته دل. صورت ساده و بی‌آرایش و لوندی‌اش ذاتی بود؛ اما حالا دو سه سالی می‌شد که خنده‌اش را ندیده بودم. معتاد و بی‌کار شده بود.

قاضی نگاهش را به سمت آناهید برگرداند و سؤالش را برای دومین بار از او پرسید. دختر نوجوان که با هایلایت‌های سبز، ناخن‌های لاک‌زده جویده شده و با مصائب چند سال اخیر، بیش از چهارده سال به نظر می‌رسید، باز سکوت کرد. زن و مرد کنارش، چیزی درگوشی گفتند.

در میان سکوت دخترک و همه‌مه حضار با صدایی نه‌چندان بلند، گفتم نترس دخترم نترس.

قاضی برای بار چندم به من تذکر داد که به زبان دیگری صحبت نکنم وگرنه برایم تبعات قانونی به همراه خواهد داشت.

سرگیجه داشتم. دستم را به زنده‌های چوبی فشار دادم. فشارهای زندگی هرگز مرا از پا در نمی‌آورد ولی این بار حجم تاریخ روی شان‌هایم سنگینی می‌کرد. احساسات ضد و نقیض و چاشنی عذاب وجدان.

مادرش در پارکی بیرون دادگاه منتظر ما بود. همان پارکی که سه سال قبل شوهر سابقش مچش را با جوانکی از مشتریان رستوران، گرفته بود و بعد از شش ماه جنگ و دعوا، آناهید با میل خودش از پلیس درخواست کمک کرده بود و طبق رأی اولین دادگاه، پیش سرپرستان موقتش زندگی می‌کرد. زوج سرپرست آخری زن و مردی رومانیایی حدود پنجاه و چند ساله بودند که ظاهراً فرزندی نداشتند. نگاه سرد مرد مرا به یاد نیکلای چائوشسکو دبیر کل حزب کمونیست رومانی می‌انداخت. در روزهای نوجوانی اسمش را از تلویزیون زیاد می‌شنیدم. همان روزهایی که سر صف،

گفت: نمی‌خواهم مادرم در مراسم باشد و گوشه‌ای را قطع کرد.

خشکم زد. بعد از روز دادگاه ما دو سال در کپک سیتی زندگی کردیم و بعد از آن مجدداً به مونترال برگشتیم خانواده سه نفری خوشحالی بودیم. دخترها درس می‌خواندند و من کار می‌کردم و با کمک هزینه‌هایی که دولت برایشان می‌پرداخت، حساب‌های پس‌انداز برای تحصیلشان باز کرده بودم. حالا دختر من سارا سال اول حقوق دانشگاه مک‌گیل بود و آن‌ها از دبیرستان فارغ‌التحصیل می‌شد. دخترک گاهی با مادرش در تماس بود. پدرش مجدداً از دواج کرده و به ایران برگشته بود.

سمیرا بعد از دوره طولانی اعتیاد چند ماهی می‌شد که حالش به لطف مراکز بازپروری بهتر شده بود و تنها آرزوی این بود که در مراسم فارغ‌التحصیل شدن دخترش شرکت کند و حالا عوض شدن نظر دخترک اصلاً منصفانه نبود.

تماس گرفتم رد تماس کرد. می‌دانستم عصبی است ضمن اینکه قرار بود خانواده پسری که همدیگر را دوست داشتند هم به مراسم بیایند.

سارا گفت: به من گفته بود دلش نمی‌خواهد خانواده گابریل مادرش را ببینند. کلافه بودم قرار بود تا ساعتی دیگر به مراسم برویم و در مسیر سمیرا هم به ما بپیوندد.

دقایق زیادی با خودم کلنجار رفتم و از خانه خارج شدیم.

مراسم با زیبایی هرچه تمام در حال اجرا بود. از دور نگاهش می‌کردم و دلم برایش ضعف می‌رفت. زیبا و جوان بود و آینده‌ای روشن پیش رویش.

سارا و سمیرا کنار هم بودند و نگاه آن‌ها به اطراف می‌چرخید. دختر در حالی که نامه من را در جیبش مچاله کرده بود لبخندزنان، دنبال من می‌گشت.

پیش از خروج از منزل تفرقی به حافظ زده بودم:

«حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم  
خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم»

برایش یادداشت کوتاهی نوشتم و بیت را ضمیمه‌اش کردم.

قرار بود مادر کنارش باشد و من دیرتر به آن‌ها پیوندم.

پایان

تکرار می‌شود.

قاضی برای بار سوم از آن‌ها سؤال کرد و چون جواب نداد چیزی نوشت، گلویش را صاف کرد و بر اساس ماده و تبصره‌های که چیزی جز درد از کلمات سرد و بی‌روحشان تراوش نمی‌شود، حضانت دختر نوجوان را به من داد.

لبخندی زده و تشکر کردم. آن‌هاید زیرچشمی نگاهم می‌کرد و لبخند می‌زد.

کنارم آمد و گفت: همه چی درست شد من همان‌طور که گفتید هیچ عکس‌العملی نشون ندادم. کلید را هم نفهمیدند. گفتیم: دخترم دیگر جاییت امن است سه‌تایی می‌رویم مسافرت بعد هم خانه جدید و ادامه داد: مطمئنی می‌خواهی مادرت را بینی؟

گفت: بله لطفاً ولی از دور.

سمیرا که قرار بود در پارک منتظرمان باشد، مشغول صحبت با یکی از موافقانش بود. دلم برایش می‌سوخت. کوله‌پشتی رنگ و رو رفته‌اش بر شانه‌های نحیفش سنگینی می‌کرد. آماده بود با دخترش فرار کند و به ایالت دیگری برود ولی این بار پیچ تاریخ در داستان آلوده و خسته من بود. دخترک هم همین را می‌خواست باهوش بود و جاه‌طلب.

گفتم: همه چیز درست می‌شود دخترم باید زودتر برویم خانه چمدان‌هایمان را ببندیم. دخترک چشمانش را بست با سر به صدلی ماشین چند ضربه زد و با شادی گفت: خانه، خانه، خانه ولی اول بستنی.

و حالا بعد از چهار سال زمانی که آماده شده بودیم برای جشن فارغ‌التحصیلی‌اش برویم، من با صحنه آشفته‌ای روبه‌رو شده بودم.

دخترم گفت شاید یادش رفته ولی خوب می‌دانستیم آن‌هاید هرگز آن موقع صبح بستنی نمی‌خورد. یک قرار نانوشته بین ما سه نفر بود و آن اینکه وقتی خجالت می‌کشیدیم موضوعی را به‌صراحت بیان کنیم با نشانه‌ای عجیب آن را بیان می‌کردیم و بدین‌صورت درد خجالتش لابه‌لای پیچیدگی‌ها گم می‌شد.

گوشی را برداشتم و برایش نوشتم: «بگو دخترم نترس»

تماس گرفت صورتش برافروخته از هیجان بود نگاهش را از من می‌دزدید گفتم آن‌هاید ما فرصت بازی نداریم لطفاً یک‌راست برو سر اصل مطلب.

فریاد مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی‌مان گرچه تا آن‌سوی مرزها نمی‌رسید ولی در عوض، گوش همسایه‌ها را کر کرده بود. همیشه تصورم از بلوک شرق آدم‌هایی با قیافه او بود. فکر می‌کردم همه را از روی هم کپی کرده‌اند. کسانی که در خانه‌هایی با ابعاد پنجاه متر زندگی می‌کنند، موقع شام کنسرو می‌خورند، تخت‌هایشان فلزی است، موسیقی حماسی گوش می‌دهند و ساعت هشت شب می‌خوابند و حالا آن‌هاید بیچاره به‌جای خوردن آش رشته و گوش کردن به ترانه‌های لیلا فروهر و گوگوش در خانه شرقی خود، در خانه فرزندان چائوشسکو زندانی بود.

یک هفته قبل تا درب منزل پدر آن‌هاید رفته و برای دومین بار، نامه دادگاه را با کلید یدکی صندوق پست، برداشته بودم. برداشتن، وصف زیبایی برای توجیه دزدی بود.

پدرش را یکی دو بار بیشتر ندیده بودم. راننده تاکسی بود. مردی میان‌سال، کم‌مو با لب‌های باریکی که موقع صحبت گوشه سمت چپش به‌صورت اغراق‌آمیزی بالا می‌رفت. چشمان خسته‌اش، افتاده و تاریک بودند. شریف و سربزه‌بر و به‌شدت نجسب بود. از آن‌هایی که بوی سیگار ارزان‌قیمتشان تا مدت‌ها بعد از رفتنشان در فضا می‌ماند. شنیده بودم خشونت کلامی دارد و به‌شدت از زن‌ها متفر است و البته این را از پوزخندش موقع صحبت به‌راحتی می‌شد فهمید. بهتر بگویم همان سه سال پیش یک‌بار برای همیشه مرده بود. روح سرگردانی بود که خانه‌اش را گم کرده و به لطف من آن روز برای دومین بار در جلسه، حاضر نشده بود. البته آشنایی من و پدر آن‌هاید به همین‌جا ختم نمی‌شد. همسایه مادر بزرگم بودند. البته او مرا به یاد نمی‌آورد ولی من تا زنده بودم قیافه کریه پدرش را در کمیته از یاد نمی‌برد.

همه چیز مهیا بود به‌زودی من قیم قانونی دختر او می‌شدم و ته قلبم از شکست دادن پسر مأمور کمیته خوشحال بودم.

سی سال بود آرزوی قصه‌ای مشابه را به دوش می‌کشیدم. آرزویی که هرگز محقق نشد. کسی کنارمان باشد خاله‌ای، عموی، عمه‌ای آشنایی که من و دو برادر را از آن دادگاه لعنتی ببرد؛ اما کسی نیامد؛ به‌جایش من، مادرم و برادرانم را به پدرم دادند و مثلث من و برادران دو‌قلوبیم برای همیشه درهم شکست. می‌گویند تاریخ هر سی سال

# چند شعر از طاهر آهنگری شاعر معاصر کرد با ترجمه فارسی

ترجمه:  
خالدبایه زیدی (دلیر)



درباره شاعر

طاهر آهنگری شاعر و خوشنویس کرد در روستای «قره گوین» از توابع شهرستان سقز زاده شده و در آن روستا نیز زاده‌ی شاعر بلند آوازه‌ی کرد سواره‌ی ایلخانی زاده که بنیان‌گذار شعر نو کردی است. طاهر آهنگری چشم به جهان هستی گشوده و سپس به شهر اشنویه کوچ می‌کند و آن‌جا به مدرسه می‌رود و دوران ابتدایی و راهنمایی را در آن شهر به پایان می‌برد و همراه خانواده‌اش به مهاباد می‌روند و در آن‌جا در دانش‌سرای آن شهر دیپلم می‌گیرد و شغل معلمی را بر می‌گزیند و به استخدام آموزش و پرورش شهرستان مهاباد در می‌آید و در روستاهای مهاباد تدریس می‌کند و در همان دوران معلمی با شاعران و نویسندگان کرد آشنا می‌شود. همین ارتباط باعث می‌شود که به سرودن شعر بپردازد و شعرهایش در مجله‌ی مهاباد و وبسایت‌های کردزبان به چاپ برسند. طاهر آهنگری در سرودن شعر دارای زبان مستقل خود است و به گمانم بیشتر شعرهایش پهلو می‌زند به طرح واژه‌ها و چامک و عریانک و محور فکری شاعر دوست‌داشتن و صلح و انسان‌دوستی و اجتماعی و ملی است و شاعری مضمون‌گراست. اینک چند از کوتاه سروده‌هایش را تقدیم خوانندگان فرهیخته‌ی مجله وزین هفته می‌نمایم.



## فارسی و کردی

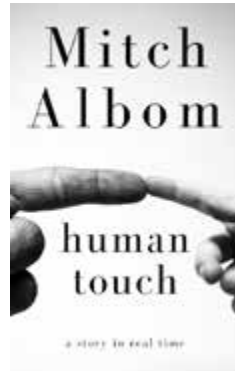
ته تیبایی له...به ندی ئینفرادی دا دیوار ده خوینیته وه... * * * تنهایی در سلول انفرادی در خوانش دیوار است	ده بم...به باله کانت تو ته نیا...بیرله فرین بکه وه * * * خودم بالهایت می شوم تو فقط به پرواز بیانیش	کوه... در آسانسور غروب است  (۶) سالروژی له دایک بوون شه هید خوا ئه ستیره کان داده گیرسینی... * * * در سالروز تولد شهید خدا ستارگان را بر می‌افروزد	ده که مه وه... * * * نمی توانم...اشغالات کنم به گام‌های رودخانه می‌اندیشم  (۴) بالنده کان له...سه رسپی سنگت هیلا نه ده هوننه وه * * * پرندگان روی سپیدی سینه‌ات لانه را می‌تندند	(۱) تا فرمیسکی...شعیر نه بینی باوه ر به...گریانی شاعیرناکه ی ... * * * تا اشک شعر را نبینی باور به گریه‌ی شاعر نمی‌کنید
(۱۲) زندان پره له نازادی * * * زندان سرشار است از آزادی	(۹) له ...ده ستما بوو به پائیز * * * در دستهایم شد پائیز...	(۷) روژی بوو کینیت به فر له سه ر...رووت هه لده ده مه وه * * * درروز عروسی ات برف را روی صورتت برمی‌دارم	(۵) تا خور له ته بعید...دا نیشتمان له بایکوتی بزه...داو چیا... له سانسوری ئاوابوون * * * تا آفتاب در تبعید است و دیارم در بایکوت تبسم و	(۲) چه نده دووری...تو وجه نده...قه ده خه یه بالی من...؟ * * * چقدر دوری اید...تو وچقدر قدغن است بال من...؟
(۱۳) دیکتا ت و ر ی...نازادیم * * * دیکتا ت و ر آزادی‌ام	(۱۰) خور تیشک بو ملاقاتی...په نجه ره ده نیری... * * * خورشید نور را به دیدار پنجره می فرستد...	(۸) خوم		(۳) پیم...داگیرنایی بیرله هه نگاهه کانی رووبار



## تازه‌های کتاب ایران:

او لذت و آسایش و عشق می‌پراکند و مخفیانه به دیدار بیمارانی می‌رود که در قرنطینه‌ی خانگی هستند. آنان را در آغوش می‌گیرد و لمس ساده‌ی انسانی را به آنان هدیه می‌کند. این کتاب، امید را در بحبوحه‌ی کرونا یادآوری می‌کند. میچ البوم به‌خاطر داستان‌هایی الهام‌بخش شهرت دارد و اولین بار کتاب‌هایش در کلاب کتابخوانی اوپرا وینفری مورد توجه قرار گرفت. پس از آن در فصل ۲۱ و اپیزود ۹ سریال سیمپسون‌ها با عنوان درسی از زندگی حضور داشت.

او در معرفی کتاب خود روی سایتش نوشته است: «این کتاب را به خوانندگانم در همه‌ی دنیا تقدیم می‌کنم... نوشتن هنر من است و آخرین کاری است که می‌توانم انجامش دهم... من به انسان‌ها ایمان دارم و باور دارم که در کنار یکدیگر این بحران را پشت سر خواهیم گذاشت و پس از آن هر کدام از ما داستان لمس انسانی خودمان را برای یکدیگر روایت خواهیم کرد.» و در پایان خوانندگان را به کمک‌های خیریه‌ای دعوت کرده تا از جمع‌آوری آن مبالغ به اهالی شهر زادگاهش دیترویت، کمک کند که در بحران پاندمی قرار دارند. ماندانا قهرمانلو مترجم کتاب «لمس انسانی» که پیشتر از همین نویسنده کتاب «سه‌شنبه‌ها با موری» را ترجمه کرده، در سابقه‌ی خود ترجمه‌ی آثاری از استیون کینگ و آر.ال. استاین را نیز دارد. رمان «لمس انسانی» در ۲۲۴ صفحه و با قیمت ۴۷ هزار تومان در کتابفروشی‌ها موجود است.



نشر قطره تازه‌ترین کتاب میچ البوم به نام «لمس انسانی» را با ترجمه‌ی مندی نجات (ماندانا قهرمانلو) منتشر کرد. میچ البوم نویسنده، روزنامه‌نگار، خبرنگار، گزارشگر و مفسر ورزشی، نمایشنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویس، مجری برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی با آثاری پرفروش در سطح جهانی، داستانی درباره‌ی زمان کنونی به ما ارائه داده، داستانی درباره‌ی کرونا، این ویروس همه‌گیر و کُشنده. در روزگاری که دوستی‌ها تبدیل به بی‌اعتمادی شده و خودحفاظتی بر مهرورزی پیروز شده، فقط و فقط پسرکی هشت ساله دارای مصونیتی ویژه و یگانه است.

## تازه‌های کتاب کانادا:



رمان دلهره آور و روانشناختی L'intrusive که در دسته‌ی ادبیات کبکی قرار دارد، در ۳۸۴ صفحه به صورت صحافی شده و کاغذی به مبلغ ۲۷.۹۵ دلار در دسترس علاقمندان است.

انتشارات Editions XYZ در فوریه‌ی ۲۰۲۱ رمان L'intrusive، اثر کلودین دومون را منتشر کرد. این نویسنده‌ی کبکی، اهل لاوال، یکی از شهرهای حاشیه‌ی جزیره مونتreal است که در حال حاضر ادبیات را در مقطع دکتری می‌خواند. این کتاب سومین رمان اوست که منتشر می‌شود. رمان L'intrusive یک تریلر روانشناختی است و مخاطب را تا پایان همراه خود نگه می‌دارد. البته او در گفت‌وگو با lapresse.ca اعلام کرده که گرچه ژانر وحشت آمیخته با تم روانشناختی همیشه مورد علاقه‌ی اوست اما ممکن است بعد از این رمان به سراغ کشف و تجربه‌ی موضوعات دیگری برود. او می‌گوید همیشه رمان‌هایش را با یک سوال آغاز می‌کند و اغلب طرحی از پیش تعیین شده برایشان ندارد. درباره‌ی رمان L'intrusive او این سوال را از خودش پرسید: «چه می‌شود اگر درباره‌ی شناخت خودمان از آنچه که هستیم و انجام می‌دهیم دچار اشتباه شده باشیم؟» به این ترتیب او با این سوال، جهان داستانی خود را در کابوس و اوهام و بی‌خوابی بنا کرد. این کتاب به چالش معنای رویا و کابوس‌ها و علت بی‌خوابی‌ها پرداخته است. شخصیت اصلی این رمان زن جوانی به نام کمیل است که هفته‌ها دچار بی‌خوابی شده؛ چرا که هر بار چشم بر هم می‌گذارد، کابوس به سراغش می‌آید. او به سختی غذا می‌خورد و ارتباطش با دنیای خارج مختل شده. تنها به شوق دیدار خواهر و خواهرزاده‌اش ترغیب می‌شود با دنیای خارج ارتباط برقرار کند. به کمک گابریل، مرد غریبه‌ای که خواهر و خواهرزاده معرفی می‌کنند، به کشف زوایای تاریک ذهنش می‌رود و همواره در نگرانی از دست دادن تسلط خود به امور به سر می‌برد. خوانندگان این رمان را جذاب، عجیب و دلهره‌آور توصیف کرده‌اند.

# خنده بر هر درد بی درمان دواست خنده آغاز خوش هر ماجراست

مورد مسائلی صورت می‌گیرد که استرس ما را کمتر کند. اینکه در کدام کشور و با چه فرهنگی بزرگ شده ایم، نیز فرق می‌کند. شما معمولاً اگر جوک‌های کشورهای دیگر را بشنوید، کمتر برای تان خنده دار است و این به تفاوت فرهنگ‌ها بر می‌گردد.

وقتی کسی به شما می‌گوید که جوک‌تان اصلاً خنده‌دار نبود هم دو دلیل می‌تواند داشته باشد یکی احساس منفی که در شخص ایجاد شده و دیگری اینکه آن شخص نکته جوک را نفهمیده و یا برایش جذاب نبوده است.



موجب تولید سدهای گوناگون هنگام خنده می‌شود. قابل ذکر است که راهی که خنده در مغز طی می‌کند با راهی که هنگام احساسات شدید طی می‌کنیم، کاملاً متفاوت است و به همین خاطر است که محققان معتقدند که هر گونه اختلالی در این بخش مغز می‌تواند انسان را از خندیدن باز دارد و یا به آن شکلی غیر عادی دهد.

## به چه می‌خندیم و به چه چیزی نمی‌خندیم؟

بر اساس «تئوری ناسازگاری» انسان زمانی می‌خندد که چیزهایی را بشنود که از نظر عقلی و اتفاقات روزمره غیر ممکن به نظر برسند. جوک‌ها زمانی خنده دارند که ما یک انتظار دیگر از پایان آنها داریم اما به شکلی دیگر ظاهر می‌شوند. وقتی جوکی شروع به تعریف می‌شود، مغز ما ناخودآگاه شروع به پیش‌بینی آن می‌کند و وقتی پایان آن کاملاً متفاوت با آن چیزی است که ما تصور می‌کردیم، خنده دار به نظر می‌رسد. اکنون ما احساسات جدیدی داریم که تفکرات قبلی ما را نسبت به آن موضوع تغییر داده است. «تئوری برتری» بیان می‌کند که ما زمانی به یک جوک می‌خندیم که حماقت اشخاص و نادانی و اشتباهات آنان بیان شود. این احساس برتری به شخص باعث می‌شود ما احساس خرسندی کرده و بخندیم.

«تئوری آسودگی» معتقد است انسان می‌خندد چون احتیاج دارد که بدنش را از تنش‌های روزانه پاک نماید. زیرا خندیدن می‌تواند این عصبیت‌های روزانه را تا حد بسیاری کم نماید. یک کودک ممکن است به جوک‌های ساده‌ای که مثلاً یک فیل در آن نقش اول را بازی می‌کند، بخندد. در مورد نوجوانان قضیه فرق می‌کند. آنها به موضوعات روزمره شان مانند غذا و تفریحات می‌خندند که به آنان احساس برتری می‌دهد.

وقتی بزرگتر می‌شویم، افکار و فیزیک ما تغییر می‌کند. هر چه بیشتر دنیا دیده شویم به مسائل متفاوت تری همچون تفاوت آدم‌ها می‌خندیم. خنده دقیقاً در سنین مختلف در

خنده بر هر درد بی‌درمان دواست. نیازی به تلاش برای اثبات علمی این امر نیست. همه می‌دانیم که با خندیدن حال‌مان بهتر می‌شود. مردمی که شاد و خندان هستند، سالم‌ترند. خنده، یک انفجار سیستم لذت در مغز است. خندیدن، یک پدیده پیچیده است که از سه لایه عصب شناختی، زبان شناختی و جامعه شناختی قابل بررسی است. یکی از چندین مهارتی است که ما بدون آنکه به فکر آن باشیم، آن را انجام می‌دهیم. محققان دریافته‌اند که کودک در رحم مادر می‌خندد. کودکان خنده‌شان را در رحم مادر تمرین می‌کنند. آن‌ها، یک یا دو ماه قبل از تولد خنده‌های قابل تشخیصی را نشان می‌دهند. بعد از تولد نیز بی‌اختیار می‌خندند زیرا نیاز به جلب کمک بزرگترها دارند. مطالعات نشان می‌دهد که خنده، کلی و جهانی است و در تمام فرهنگ‌ها یکسان. خندیدن و خندانیدن در تمام فرهنگ‌ها بستگی به عناصر زیادی دارد که ممکن است مشابه نباشد ولی اینکه کم‌دین‌های بتوانند با توانایی‌شان تمام این تفاوت‌ها را رد کنند و مردم را به طور دسته‌جمعی بخندانند، خودش مهارت و کار بزرگی را می‌طلبد. شاید برای شروع بد نباشد نگاهی به خود خندیدن بکنیم. آیا واقعا خندیدن و خندانیدن اتفاقات مهمی هستند؟

## چرا می‌خندیم؟

یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌هایی که برای بسیاری از زیست‌شناسان هنوز جای سوال و پژوهش دارد، خندیدن است. مکانیسم اینکه چگونه انسان شروع به خندیدن می‌کند و چرا برای انجام این کار نیازی به آموزش یا کسب مهارتی ندارد همواره برای دانشمندان یکی از سوالات بزرگ باقی می‌ماند.

ما می‌دانیم که قسمت‌های مختلف مغز، در مکانیزم خنده مؤثرند. به طور مثال عکس‌العمل‌های عاطفی بزرگترین حرکت‌های مغز را تولید می‌کنند. سیستم فعال مغز که گفته می‌شود، در مکانیزم خنده دخیل است در قسمت مرکزی قرار دارد. این قسمت بسیار مهم است زیرا حرکاتی را که برای انسان بسیار حیاتی است کنترل می‌کند. این قسمت از مغز در حیوانات بسیار قدیمی همچون تمساح‌ها نیز وجود داشته است که با استفاده از آن و بو کشیدن طعمه خود را انتخاب می‌کرده‌اند، اما در مورد انسان‌ها این بخش در احساسات و انگیزه انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. محققان معتقدند که «امیگدالا» و «هیپو کامپوس» بیشترین نقش را در احساسات انسان ایفا می‌کنند. امیگدالا با هیپو کامپوس ارتباط برقرار می‌کند و همین ارتباط باعث احساساتی همچون عشق و دوستی و احساسات روزانه می‌شود. هیپوتالاموس بخشی است که

## حقایق جالبی درباره خندیدن که دوست دارید بدانید

- بیشتر دانشمندان معتقدند که میلیون‌ها سال قبل از اینکه انسان‌ها بتوانند از نیروی زبان و خط برای ارتباط با یکدیگر استفاده کنند، از راه لبخند زدن به یکدیگر این کار را می‌کردند. حتی اگر نوزاد انسان نابینا و ناشنوا متولد شود باز هم توانایی لبخند دارد.

- مطالعه یکی از محققان دانشگاه مریلند به نام پرفسور رابرت روبروین نشان می‌دهد اگر خنده ۱۲۰۰ قسمت باشد فقط ۱۰ قسمت آن به خاطر چیزی است که به نظر خنده‌دار است و باقی آن به تعاملاتی که بین افراد حین شنیدن یا تعریف کردن آن اتفاق می‌افتد بستگی دارد. به همین دلیل هم هست که بعضی کم‌دین‌ها از بعضی دیگر در اجرا موفق‌ترند. شاید به این خاطر که ارتباط بهتر و موثرتری برقرار می‌کنند.

- گوریل‌ها و موش‌ها توانایی خندانیدن همجنسان خود را دارند آن‌ها اصوات خاصی با فرکانس‌های متفاوت ایجاد می‌کنند که می‌تواند به خنده تعبیر شود. گوریل حتی با درآوردن صدایی شبیه به «هوک-هاک» انسان‌هایی را که دوست دارد خوشحال می‌کند و به نوعی باعث خندانیدن آن‌ها می‌شود.

- بنا بر تحقیقات دانشمندان دانشگاه برکلی در کالیفرنیا، هر چقدر زوجها با یکدیگر بیشتر بخندند از لحاظ روابط زناشویی و ارتباط بیشتر موفق می‌شوند.

- خندیدن مسری است. مرکز کنترل مایه‌چپ‌های صورت که خنده تولید می‌کنند در مغز انسان، به شدت به لبخند دیگران و نیز اصوات خنده دار حساس است و به محض اینکه در معرض خندیدن دیگران واقع می‌شوید، باعث خندیدنتان می‌شود.

- نهایتاً اینکه خنده واقعا بر هر درد بی‌درمانی دواست. هر چه بیشتر بخندید، کالری بیشتری می‌سوزانید. سلول‌ها حافظه‌تان قوی‌تر می‌شود و در سنین بین ۶۰ تا ۷۰ کمتر به آلزایمر دچار می‌شوید. این‌ها را دانشمندان دانشگاه مریلند بعد از تحقیقات طولانی به اثبات رسانده‌اند.

# عبداله صفوی Abdollah Safavi

Financial Security Advisor  
Investment Representative

مشاور امنیت مالی  
نماینده سرمایه گذاری

۳۰ دقیقه مشاوره رایگان برای برنامه  
بازنشستگی و سایر مسائل مالی!

Mobile: (514) 467 - 8491  
Office: (514) 931 - 4242 ext. 2567  
✉ abdollah.safavi@f155.com  
🌐 mqsf.ca      📱 mqsf.ca  
📍 mqsf.ca      📷 mqsf.ca

canada **life**

Freedom 55  
Financial

QUADRUS  
Quadrus Investment Services Ltd.



همین امروز نوبت خود را رزرو کنید  
www.MQSF.ca

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا  
کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی



(514) 942-9969  
www.amajco.ca

طراحی، بازدید و  
برآورد رایگان

CONSTRUCTION  
AMAJ inc

دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک  
R.B.Q #: 5773-7520-01

- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل به همراه کلیه لوازم
- تعمیر محل پله، تعمیر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای یونیت شیشه‌ای حمام
- اجرای عایق بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعمیر، تعویض و اجرای بلی استر
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش با سیستم مدرن و کم مصرف





۲۵

اردیبهشت ۱۴۰۰



مجله هفته برگزار می کند:

به مناسبت روز بزرگداشت فردوسی؛

نشست «شاهنامه از نگاهی دیگر، با تاکید بر نقش زنان»


با حضور نادره پهلوان، شاهنامه پژوه

و مهسا محبی فرد

زمان: شنبه ۱۴ می (۲۵ اردیبهشت) ساعت ۱۱ به وقت شرق کانادا

مکان: زوم





**نیوشا ریاحی**  
Niousha Riahi

**وکیل رسمی دادگستری کبک**

**Riahi Legal**

- حقوق تجاری در کانادا
- حقوق خانواده در کبک
- طرح دعاوی و دفاع در دادگاههای کبک
- مهاجرت به کانادا

آدرس: در مرکز مونترال و نزدیک ایستگاه متروی مک گیل  
2001 Blvd. Robert Bourassa Suite 1700  
Montréal (Québec) H3A 2A6

☎ 514-953-3570

00982122019631 دفتر تهران  
00989912535922 riahi@riahilegal.com riahilegal.com

**امیر ندیمی**  
مشاور بیمه  
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial Insurance  
Dwelling Insurance (Buildings, home, condo, apt)  
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc

514 - 600 - 2338  
www.AmirNadimi.com  
@AssurancesNadimi  
1955 Ch. de la Cote-de-Liesse, suite 201  
Siant-Laurent, QC, H4N 3A8

**EXPERTFX**

**Bureau de Change  
Currency Exchange**



**ارائه خدمات ارزی:**

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6  
info@expertfx.ca www.expertfx.ca

**(514) 844 - 4492**

**مهرداد مرادخانی**  
مشاور وام مسکن

**CIBC**

**با بهترین نرخ بهره و در سریع ترین زمان و مکان مورد نظر شما**

- کش یک تا سقف 3000 دلار برای خرید خانه یا انتقال وام مسکن فعلی و تضمین بهترین نرخ بهره مورگیج در مارکت
- بهترین زمان برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر و اخذ کمترین نرخ بهره
- هزینه محضر هدیه ما به شما برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر
- برای پرداخت پناالتی انتقال در کنار شما خواهیم بود
- پروموشن کش یک پنج درصدی بانک CIBC

Email: mehrdad.moradkhani@CIBC.com  
Toll-free: +1-866-262-1037  
Cell: 514-834-8053  
mehrdad.cibc

**Top 100 in Canada 2020**

## گفت‌وگو

میدان‌داری رئالیسم کم‌مایه‌ای که مثل کف روی آب کنار رفت  
با محمد کشاورز به بهانه انتشار گزیده‌ای از آثار او به انگلیسی

## گفت‌وگو

با رویا نیک‌نیا از گروه «کولبر کانادا»:  
جابجایی بار بین کانادا و ایران بدون انگیزه مالی

# گفت‌وگو

---



# میدان داری رئالیسم کم‌مایه‌ای که مثل کف روی آب کنار رفت

با محمد کشاورز به بهانه انتشار گزیده‌ای از آثار او به انگلیسی



گروه ادبیات هفته؛ همان‌طور که شما خوانندگان عزیز صفحات ادبی هفته می‌دانید، بیش از دو سال قبل، باب مطلب دنباله‌داری را گشودیم زیر عنوان «ادبیات و مهاجرت» که هم به ادبیات فارسی‌زبان و ادبای فارسی‌زبان در کانادا می‌پردازد و هم به آثار ادبی و داستانی مرتبط با مهاجرت در ایران یا اغتنام فرصت در مصاحبه با فرهنگ‌وران ایران‌نشینانی که گذارشان به این‌سوی دنیا می‌افتد یا آثارشان به زبان‌های دیگر ترجمه می‌شود.

گفت‌وگوهای متعدد از جمله با نیلوفر احمدی، تیره دوستی، فریبا کلهر، استاد مهران راد، استاد بهروز رضوی، جناب مهدی فلاحی، سایه اقتصادی‌نیا، محمود فرجامی، امیر خادم، محمود عظیمانی و نیز پرونده‌ای مفصل در باب بهروز بوچانی از آن جمله بوده‌اند و همگی بسیار هم‌مورد لطف و استقبال شما عزیزان قرار گرفته‌اند. آنچه در این شماره می‌خوانید، حاصل هم‌سخنی من با محمد کشاورز است. او کارنامه‌ی به‌ظاهر نه‌چندان پربرگ اما به‌غایت سنجیده و پربار و تحسین‌شده دارد؛ تا آنجا که کار او امروز بی‌تردید از تثبیت‌شده‌ترین آثار داستانی زبان فارسی در دوره‌ی بعد از انقلاب است.

توفیق تازه‌ی محمد کشاورز و آثارش، یعنی ترجمه‌ی گزیده‌ای از آثار به انگلیسی در قالب کتاب «ساعت هشت شب میدان آرژانتین» (8 O' clock, Argentina Square) که به همت انتشارات «شمع و مه» صورت گرفته، فرصت مغتنمی است تا با او درباره‌ی داستان‌ها و کل زیست فرهنگی‌اش، به گفت‌وگو بنشینیم که امیدوارم فرهنگ‌دوستان بیشتری را در این‌سوی جهان با قلم خواندنی ایشان آشنا شوند و سبب شود کارهای این داستان‌نویس صاحب‌سبک را پی بگیرند.

**با سلام و سپاس از وقتی که در اختیار «هفته» می‌گذارید. برای شروع لطفاً بفرمایید بارقه‌های نوشتن از کجا به ذهن محمد کشاورز آمد؟**

من هم سلام می‌کنم و خرسندم از فرصت پیش‌آمده برای گفت‌وگو با مجله هفته. برای جواب دادن به این پرسش، مثل بیشتر نویسندگانی که باید برگردم به ایام کودکی. عاشق شنیدن بودم هر کس حکایتی داشت من پاسفت می‌کردم تا ته ماجرا را بشنوم. قصه‌های عامیانه که ساختاری روایت‌مند و حساب‌شده‌تر داشتند بیشتر مرا تشنه‌ی شنیدن خود می‌کردند. ده‌دوازده‌سالگی یک پای ثابت جمع بزرگ‌ترها بودم چون در گپ‌وگفت‌های دورهمی به‌رحال راست یا دروغ ماجراها اتفاق‌ها و حکایت‌هایی از کاروبار و زندگی و خوش و ناخوش خود داشتند که برای من شنیدنی بودند. سال‌های اول دبیرستان بود که کمی جدی‌تر با ادبیات مکتوب هم آشنا شدم خواندم و شیفته‌ی کلماتی شدم که بر کاغذ نقش بسته بودند و قصه می‌ساختند. با آثار بسیاری از داستان‌نویسان مطرح معاصر تا پیش از هجده‌سالگی آشنا شدم و خواندم. اما نوشتن را از پانزده‌شانزده‌سالگی شروع کردم. نوزده‌ساله بودم که اولین داستانتانم چاپ شد؛ در مجله‌ای که از چهره‌های شناخته‌شده‌ی ادبیات آن روزها شعر و داستان چاپ می‌کرد. بعدها هم کارهایی از من در مجله‌ها یا صفحات ادبی روزنامه‌ها چاپ شد و این تلاش برای ورود به دنیای ادبیات البته ماجراهایی هم داشت. در مصاحبه‌های مختلف در این باره به‌قدر کافی حرف زده‌ام و با توجه به اینکه این گفتگوها در فضای مجازی هم قابل دسترسی هستند باز گویم آن‌ها نوعی اطلاعاتی کلام است.

حلقه داستان پیوستند. هردو هفته یکبار جمع می‌شدیم داستان می‌خواندیم و نقد می‌شنیدیم و نقد می‌کردیم. به قول دوستان داستان‌هایمان در چنین جمع‌هایی چکش کاری می‌شد. انتقال خواننده‌ها و تجربه‌های نوشتن به گمانم به همه ما کمک کرد تا معیارهای داستان خوب را بهتر بشناسیم و داستان‌های بهتری بنویسیم.

**چه عوامل و اتفاقاتی راه و سیر را از سوی «پایکوبی» به «بلبل» و «روباه شنی» رسید؟ سرگذشت ترجمه‌شدن داستان‌های شما به انگلیسی چیست؟**

هیچ‌چیز به‌اندازه تجربه زیستی و مطالعه هدفمند به یک داستان نویس کمک نمی‌کند تا مدام خود را بازسازی کند. انگار تعبیر غریبی است اما نه مگر داستان هم کالایی نیست گیرم فرهنگی که باید به مخاطب رسانده شود. خب این کالا باید لاقلاً از نظر تکنیک و فرم و البته نگاه به جهان به فراخور حال مخاطبش نوسازی و به‌روز شود. منظور باج دادن به مخاطب و دنباله‌روی نیست. منظورم این است حتی مخاطب مشتاق داستان واقع‌گرا هم دیگر آن مخاطب دهه چهل نیست. داستان واقع‌گرایی که می‌خواهد چندان شکل و شباهتی به یک داستان واقع‌گرای دهه چهلی ندارد. چیزی که مخاطب امروز واقعیت می‌بیند از چشم‌انداز مخاطب داستان دهه چهل کمی تا قسمتی سوراخ‌رئال به نظر می‌آید. پس اگر نویسنده حواسش به پوست‌اندازی به‌موقع نباشد با عرض معذرت باعث می‌شود تا از تازه‌ترین نوشته‌اش هم بوی کهنگی و نا بلند شود. اما ماجرای ترجمه پیش‌ازاین البته به‌طور موردی تک‌توک داستانی از من به زبان آلمانی و ترکی آن‌هم برای چاپ در مجلات ترجمه‌شده بود اما ترجمه مجموعه روباه شنی به پیشنهاد انتشارات شمع و مه به اقدام عملی رسید. مترجم هم اول با من تماس گرفت. خانم زهرا رضازاده اهل شیراز و البته ساکن اروپا و مسلط به چند زبان زنده دنیا. در تماس اول کمی مردد شدم حتی گفتم تا آنجایی که من از مترجمین کهنه‌کار شنیدم ترجمه از فارسی به انگلیسی کار بسیار سختی است. اما با اعتمادبه‌نفس گفت که کارش را بلد است و بعد که ناشر تماس گرفت او هم کار مترجم را تأیید کرد. البته این حرف‌ها مال بهار نودوشش است. فکر کنم ترجمه همان سال، تحویل ناشر شد. اما مشکلات دیگری پیش آمد و البته ترجمه خورد

داستان تحویل مخاطب داد. البته در کنار آن رئالیسم کم‌مایه جریان قدرتمند ادبی راه افتاده بود که ترکیب واقع‌گرایی و مدرنیسم بود و از هدایت سرچشمه می‌گرفت و با صادق چوبک و گلستان و دانشور و ساعدی و احمد محمود و گلشیری و بهرام صادقی داشت به درخت تناوری بدل می‌شد که عمده‌ی چهره‌های داستان‌نویسی نسل ما (که به نسل سوم موسوم شد)، زیر سایه‌ی همین درخت تناور نشوونما کرد و راه خود را یافت. برای من هم کارهای برآمده از این جریان ادبی هم جذاب بود و هم تأثیرگذار. این بود که رسیدم به نوشتن داستان‌هایی که هم قصه داشته باشند و هم ساختاری مدرن و فقط گرت‌برداری بی‌روحی از واقعیت بیرونی نباشند و جایی اگر لازم شد از تن زدن داستان به فراواقعیت هم نترسم. آن‌وقت بود که کارهایم را غربال کردم، یعنی از خیر نوشته‌های پنجاه شش تا شصت‌وشش گذشتم. و آن‌هایی که از این تاریخ به بعد نوشته بودم جمع شد تا رسید به مجموعه‌ای که به اسم «پایکوبی» در سال هفتادوچهار چاپ و منتشر شد و به چاپ‌های متعدد رسید تا امروز.

**از منظر کسی که علاوه‌بر نوشتن، در فضای زنده‌ی ادبی هم حضور دارد (اعم از جلسات داستان‌خوانی، یا نقدهای کتاب و نیز دوره‌ی طلایی مجله‌ی عصر پنجشنبه)، اثر فضای ادبی شیراز را بر کار خود چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

شیراز بی‌شک یکی از قطب‌های مهم داستان‌نویسی ایران است. در تاریخ صدساله داستان معاصر فارسی همواره در صد قابل‌توجهی از چهره‌های مطرح این هنر در شیراز متولدشده و بالیده‌اند و اگر به شهر دیگری هم مهاجرت کرده‌اند توش‌وتوان خود را از فضای و حلقه‌های ادبی همین شهر گرفته‌اند. پس نفس کشیدن در فضای چنین شهری شوق نوشتن را دوچندان می‌کند. اما مهم‌تر از این حلقه‌های ادبی است که شعر و داستان و پژوهش را جدی می‌گیرند و به چشم کاری حاشیه‌ای و سرگرم‌کننده نگاه نمی‌کنند. من خوش‌شانس بودم که اواخر دهه شصت با یکی از این جمع‌های داستان و نقد داستان آشنا شدم. همان حلقه معروف داستان شیراز که چهره‌هایی مثل شهریار مندنی‌پور، ابوتراب خسروی، شهلا پروین روح، صمد طاهری، مهناز عطارها، احمد اکبرپور، کیوان نریمانی، ندا کاووسی فر، و فرشته توانگر در آن حضور داشتند. این جمع البته بعدها ریزش و رویش‌هایی داشت؛ کسانی به علت مهاجرت رفتند و کسان دیگری به



**اولین مجموعه‌ی شما «پایکوبی»، را محققان در مرز و ترکیب بین داستان واقع‌گرا/کلاسیک و مدرن دانسته‌اند که شیوه‌ای بینابین و ترکیبی را برگزیده. این منظر از کجا آمد؟**

به گمانم برمی‌گردد به همان شیفتگی برای شنیدن قصه. خودم که دست به نوشتن شدم حس کردم باید قصه‌ای به قصه‌های موجود اضافه کنم. چیزی که شروع و میانه و پایان داشته باشد و خواندن و شنیدنش برای مخاطب جذاب باشد. واقع‌گرایی هم شاید برمی‌گردد به زمانه‌ای که اندیشه نوشتن در ذهن من شکل گرفت یعنی اوایل دهه‌ی پنجاه شمسی که واقع‌گرایی گرایش غالب ادبیات زمانه بود تا جایی که اندک کسانی که خارج از بازی واقع‌گرایی حرکت می‌کردند به‌عنوان جریان‌ی ناساز با روند تکاملی تاریخ و انگ‌های بی‌درد بودن و بورژوا بودن منزوی شده بودند. مثل جریانی که دور و بر مجله‌ی «اندیشه و هنر» شکل گرفته بود. اما من همان موقع هم حس می‌کردم نوعی رئالیسم کم‌مایه و بی‌رمق میدان‌دار شده که به جای داستان دارد گزارشی از یک واقعه را تحویل مخاطب می‌دهد. به قول بعضی‌ها نوعی «گداگرافی» که در خدمت و زاییده‌ی یک جریان سیاسی خاص شده بود و با گذشت زمانه چون کف بر آب از مسیر رود رونده‌ی ادبیات کنار زده شد. دایره‌ی خواننده‌هایم گسترده بود و می‌دانستم یک جای کار لنگ می‌زند. یعنی نمی‌شود گزارش یک واقعه‌ی بیرونی را به‌عنوان

”هیچ‌چیز به‌اندازه تجربه‌ی زیستی و مطالعه هدفمند به یک داستان‌نویس کمک نمی‌کند تا مدام خود را بازسازی کند. انگار تعبیر غریبی است اما نه مگر داستان هم کالایی نیست گیرم فرهنگی که باید به مخاطب رسانده شود.“

## گفت‌وگو با «رویا نیک‌نیا» مسئول روابط عمومی «گروه کولبر کانادا»:

# جابجایی بار بین کانادا و ایران بدون انگیزه مالی

تحریم‌های گسترده علیه ایران تبعات گسترده‌ای برای ایرانیان در داخل و خارج و از کشور داشته است. از جمله اینکه انتقال وسائل و بسته‌های معمولی به ایران از کانال‌های عادی مثل شرکت‌های پستی و حمل و نقل به شدت محدود شده است. یکی از راه‌هایی که ایرانیان کانادا برای رفع این مشکل پیدا کرده‌اند استفاده از ظرفیت چمدان‌های مسافرانی است که فضایی برای بردن این یا آن بسته را به شخص ثالث می‌دهد.

این کار عملاً برای برخی به شکل یک «بیزنس» درآمدی است. و برخی در آن مشغول کسب درآمد شده‌اند. اما تقریباً سه سال پیش گروه تلگرامی «کولبر کانادا» به میدان آمد با این ادعا که بدون چشمداشت مالی پلانفرمی برای کمک به افراد باشد تا بار خود را از کانادا به ایران و برعکس برسانند.

برای معرفی و شناخت بیشتر این گروه با خانم رویا نیک‌نیا، یکی از ادمین‌های گروه تلگرامی «کولبر کانادا» گفت‌وگو کردیم.

### گروه کولبر کانادا چگونه و بر اساس چه اهدافی توسط شما و همکاران‌تان بنیان‌گذاری شد؟

متأسفانه به دلیل شرایط موجود و عدم وجود روابط دیپلماتیک بین ایران و کانادا، ایرانیان مقیم کانادا از بسیاری از امکانات محروم هستند؛ از جمله ارسال و جابه‌جایی وسایل برای عزیزان خود، عدم قبول بسته به مقصد ایران توسط پست و بسته بودن راه‌ها. با توجه به ضرورت ارسال بین ایران و کانادا، بر آن شدیم تا این مهم را به دست آوریم و این شد انگیزه‌ی تاسیس گروه کولبر کانادا.

### در مورد فعالیت‌های گروه کولبر کانادا و همچنین دلیل انتخاب نام گروه توضیحاتی ارائه بفرمایید.

گروه کولبر کانادا توسط آقای داود حسینی، مدیر و بنیانگذار گروه، تاسیس و راه‌اندازی شد و هدف و سرلوحه‌ی گروه، کمک به هموطنان و ارسال بار و بسته بین ایران و کانادا به صورت رایگان و یا با حداقل هزینه بوده و هست. برای گروه واقعا وقت صرف می‌شود و دائم بر آن نظارت داریم. من به‌عنوان ادمین در کانادا و همکارم خانم زهرا رئوف به‌عنوان ادمین در ایران دائم در گروه حضور داریم و در راستای امنیت گروه، از اخراج بعضی اعضا که باعث بروز مشکلات برای دیگران می‌شوند ابایی نداریم زیرا معتقدیم کیفیت ارجح بر کمیت است و قبل از هر چیزی، امنیت و سلامت گروه دارای بیش‌ترین اهمیت است.

گروه کولبر کانادا در زمینه‌ی ارسال و جابه‌جایی اقلام ضروری فعالیت دارد؛ به این صورت که افراد در قالب مسافر و ارسال‌کننده در گروه حضور دارند و با توافقاتی که بین آنها انجام می‌شود، نسبت به ارسال و حمل مراسلات اقدام می‌کنند. در این رابطه، هشدارهای لازم به اعضا توسط پست‌هایی که مدیریت در گروه می‌گذارد، داده می‌شود. هر فردی شخصا و به‌طور مستقیم مسئول تمام این پروسه بوده و طبق

به‌ویز استاری مفصل. تا حدودی در جریان بودم گویی ویراستاری بیشتر از ترجمه کاربرد. و به‌گواه صاحب‌نظران ترجمه خوب و قابل‌قبولی از کار درآمد و مرا مدیون تلاش خانم زهرا رضازاده مترجم و دوستان ویراستار اثر و ناشر کار جناب افشین شحنه تبار کرد. به‌هرحال کتاب چند ماه پیش به چاپ رسید اما باز هم به خاطر مشکلاتی دیگر همین بیستم آوریل ۲۰۲۱ رفت روی سایت آمازون برای عرضه عمومی. نام کتاب هم در ترجمه تغییر کرد و با اسم داستان دیگری از همین مجموعه درآمد. «ساعت هشت شب میدان آرژانتین»

### بازخوردها تاکنون چگونه بوده و با توجه به صحبت‌های پیشین این چه حسی به شما می‌دهد؟

با توجه به این که کار تازه پخش شده هنوز به‌بازخورد مخاطب عمومی نرسیده؛ اما در فضای ادبی به‌هرحال از طرف دوستان نویسنده و شاعر مورد توجه قرار گرفته. یعنی پیداست از اینکه کارهای یک نویسنده دیگر ایرانی هم توانسته به زبان دیگری ترجمه شود خوشحال‌اند. امیدوارم راه ترجمه آثار نویسندگان ایرانی و فارسی‌زبان هموارتر شود تا در برابر سیل آثاری که از زبان‌های دیگر به فارسی ترجمه می‌شوند ادبیات معاصر ایران هم فرصت نشان دادن قابلیت‌های خود را به مخاطبین دیگر زبان‌ها داشته باشد.

### ارتباط دوسویه خوانندگان متنوع و پژوهش دانشگاهی را با نوشته‌های خود چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خب من از نظر کمیت آثار زیادی ندارم. یعنی آثار چاپ‌شده زیادی ندارم. به‌غیر از داستان‌های چاپ‌شده در مطبوعات مختلف از پنجاه‌وشش تا شصت‌وشش که به‌کلی از خیرشان گذشتم و به‌صورت مجموعه چاپشان نکردم. و دو کتاب کم‌برگ که در سال پنجاه هشت چاپ کردم و دیگر تن به تجدید چاپ آن‌ها ندادم. چاپ‌شده‌های من از شصت‌وهفت تا امروز همین سه مجموعه است و البته کارهایی دیگری که همین امسال تحویل ناشر شده برای چاپ. خب با این توشه کم‌برگ بازتاب کارها در بین مخاطبین و محققین دانشگاهی قابل توجه بوده. پیداست مخاطبین جدی به کیفیت بیشتر از کمیت اهمیت می‌دهند.

### در آینده نزدیک منتظر کدام آثار شما باشیم؟

نشر چشمه امسال دو کتاب از من چاپ می‌کند. یکی مجموعه داستان «وقایع‌نگاری یک ماجرا در دهکده‌های ملال‌انگیز» و کتاب دیگری به اسم «رادیو هنوز یک راز بود» که مجموعه است از روایت‌هایی درباره کتاب و نوشتن. و اما کاری که همین اردیبهشت‌ماه نشر نیلوفر منتشر می‌کند کتابی است به اسم «شیراز: یک شهر، سی‌ویک داستان» که مجموعه سی‌ویک داستان از نویسندگان معاصر ایران است داستان‌هایی که وقایع آن در جغرافیای شهر شیراز می‌گذرد. به‌غیر از چهار نویسنده از دنیا رفته یعنی صادق هدایت، سیمین دانشور، صادق چوبک و رسول پرویزی. داستان‌های بیست‌وهفت نویسنده دیگر برای اولین بار چاپ می‌شوند و بعضی‌ها برای همین پروژه نوشته شده‌اند. با مقدمه کوتاهی از من به‌عنوان شهر و داستان. به‌عنوان گردآورنده سعی کرده‌ام ادای دینی باشد به شهری که دوستش دارم و در آن زندگی می‌کنم. و البته رمان «خروج اضطراری» که پی فرصتی هستم برای ویرایش نهایی آن و سپردنش به ناشر.

محمد کشاورز عزیز؛ صمیمانه از شما سپاسگزارم.





و مقصد یکدیگر را داشته باشند. کارت شناسایی همدیگر را چک کنند، بلیت مسافر رویت شود؛ به دلیل این که مطمئن شوند با خود مسافر طرف هستند و واسطه‌ای در کار نیست. بهتر است از اقلام ارسالی لیستی در دو نسخه تهیه شود و به امضای طرفین برسد که بعداً مشکل و ادعایی پیش نیاید و در صورت بروز مشکل، مسافر بتواند اثبات کند که صاحب بار نیست. همین‌طور ارسال‌کننده بتواند کل بار خود را سالم تحویل بگیرد. مسافران باید دقت و وسواس در دریافت اقلام داشته باشند و مراقب باشند که مبادرت به حمل چه چیزی می‌کنند که خدای ناکرده دچار مشکل نشوند. با توجه به تغییر قوانین و مقررات، مدیریت گروه اقدام به تاسیس کانالی (koolbarcanada) در تلگرام کرده است که افراد می‌توانند برای دریافت و اطلاع از اخبار موثق و صحیح، به عضویت آن درآیند و سوالات خود را مطرح کنند.

**با توجه به این که گروه شما غیرانتفاعی است، چه کسانی از این فعالیت منتفع می‌شوند؟**  
تمام اعضا در گروه کولبر کانادا از گروه منفعت می‌برند؛ چه مسافران که با حمل کالا بخشی از هزینه‌های خود را تامین می‌کنند و چه ارسال‌کنندگان که به هر حال می‌توانند وسایل موردنظرشان را به مقصد برسانند و به جرات اعلام می‌کنم که ارسال توسط مسافر، ارزان‌ترین و سریع‌ترین راه ممکن در شرایط حاضر است. پس همه در این پروسه سود می‌کنند.

**آیا قصد دارید این فعالیت را گسترش دهید و آن را به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد به ثبت برسانید؟**  
مدیریت گروه برنامه‌های زیادی برای توسعه فعالیت‌ها دارد. در آینده فعالیت‌های گروه گسترش یافته و به شکل ساختار یافته‌ای ادامه پیدا خواهد کرد و محدود به کشور کانادا نخواهد بود و مدیریت گروه آمادگی خود را جهت دریافت پیشنهادها اعلام می‌کند.

**خانم رویا نیک‌نیا از شما سپاسگزاریم.**

### روال کار ثبت یک درخواست در گروه کولبران کانادا چگونه است؟

بر اساس اساسنامه‌ی گروه، اعضا فقط می‌توانند مطابق فرم‌هایی که برای ارسال‌کننده و حمل‌کننده‌ی بار به صورت استاندارد تهیه شده، تقاضای خود را در گروه ثبت کنند. پس از ارسال درخواست خود در گروه، می‌توانند نسبت به انجام توافقات با طرف مقابل در پیام خصوصی اقدام نمایند. لازم به ذکر است در هیچ‌کدام از این موارد، گروه کولبر کانادا ذی‌نفع نیست.

### دلیل عدم قید مبلغ در پست‌های گروه چیست؟

ما اصولاً با پرداخت مبلغ مخالف هستیم ولی وقتی حمل در ابعاد و تعداد بالا صورت بگیرد، طبیعی است که مسافر در خواست هزینه داشته باشد ولی اعلام نرخ از طرف ما و یا اعضا در گروه، سبب تورم و تقاضای مبلغ بیشتر خواهد بود. از این جهت، ما نرخ را اعلام نمی‌کنیم؛ چه بسا هستند کسانی که هنوز به صورت رایگان به هموطنان‌شان کمک می‌کنند. ما برای شأن و کرامت انسان‌ها احترام ویژه‌ای قائل هستیم و معتقدیم که انسان‌ها نیازی به میسر و نظم‌دهنده ندارند اما خود نیز باید با رفتاری مسئولانه در قبال هم‌نوعان خویش، مسائل اخلاقی را رعایت کنند. گروه در کنترل کردن قیمت‌ها بسیار تلاش می‌کند اما همچنان از اعلام قیمت خودداری می‌شود.

در این‌باره مهم‌ترین خواسته‌ی من به عنوان مدیر روابط عمومی گروه کولبر کانادا این است که اعضا نسبت به ارسال کالاهای ضروری اقدام کنند و با توجه به شرایط موجود، از ارسال کالاهای لوکس و غیرضروری خودداری کنند تا همچنان این فضا برای افرادی که تقاضای ارسال کالاهای ضروری دارند، مساعد باقی بماند.

### چه توصیه‌هایی برای مسافران و ارسال‌کنندگان دارید؟

اول و قبل از هر چیز باید ارسال‌کننده از اصالت مسافر و مسافر از اصالت و سلامت بار اطمینان حاصل کنند. برای این منظور بهتر است که هر دو طرف، آدرس و تلفن مبدا

اساسنامه، گروه هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال توافقات طرفین ندارد. علاوه بر این، تصمیم داریم که در رابطه با قبول آگهی‌های تبلیغاتی، فعالیت‌های خود را آغاز کنیم. در رابطه با انتخاب اسم «کولبر» هم ما معتقدیم که کولبرها انسان‌های شریفی هستند که با رنج و مشقت فراوان، کسب‌روزی می‌کنند. پس بر آن شدیم که از اسم کولبر استفاده کنیم.

### این گروه چه نوع خدماتی را به هموطنان ایرانی ساکن در کانادا ارائه می‌دهد و با توجه به موانعی که فرمودید برای رفع نیازهای موجود از چه راهکارهایی استفاده می‌کنید؟

در حال حاضر خدماتی که در گروه ارائه می‌شود محدود به ارسال مدارک، دارو و وسایلی است که درخواست برای ارسال آنها وجود دارد. بیش‌ترین مشکلی که در حال حاضر وجود دارد، کمبود مسافر و یا هزینه‌های بالایی است که به مسافران تحمیل می‌شود. این موضوع باعث شده که مسافران به فکر تامین بخشی از هزینه‌های خود، توسط قبول مراسلات باشند که خواسته‌ی آنها نیز ناهجان نیست؛ زیرا محدودیت‌های پاندمی، استرس سفر و محدودیت‌های زمانی که اکثر مسافران دارند، مشکلات عدیده‌ای برای آنها به وجود آورده است. البته این به آن معنا نیست که با هر قیمتی اقدام به ارائه‌ی خدمات کنند. گروه، کنترل و نظارت شدیدی بر قیمت‌ها دارد. با تمام این مسایل و مشکلات، هنوز تعداد زیادی از مسافران عزیز، مدارک و بعضاً داروهای ضروری را رایگان حمل می‌کنند که جای تقدیر و تشکر دارد اما طبیعی است که برای حمل دیگر اقلام، درخواست مبلغ داشته باشند. البته همیشه کسانی هستند که در همه حال، دنبال آب گل‌آلود برای ماهیگیری هستند که در صورت گزارش و معرفی این اشخاص توسط اعضای گروه، مدیریت ابتدا به صورت تذکر و درخواست توضیح با آنها برخورد می‌کند و در صورت عدم رفع مشکل ایجاد شده، شخص خاطی از گروه اخراج خواهد شد.

**صرافی رویال**  
با مدیریت فرخ سرشت

**خرید و فروش ارز را با ما تجربه کنید**

امکان استفاده از کارت های بانکی ایران جهت فروش ارز

**ارسال ارز به ایران و بالعکس**  
در سریع ترین زمان ممکن با بهترین نرخ

6162 SHERBROOKE W.  
MONTREAL H4B 1L8  
جنب فروشگاه اخوان  
**(514) 836-7090**

**RE/MAX**  
Tranquillité  
بهترین متخصص به خرید

**هایک هارتونیان**  
Hayk Hartounian MBA  
Residential Real Estate Broker

**مشاور و متخصص املاک مسکونی در مونترال بزرگ**

**ارزیابی و مشاوره رایگان**  
**تهیه وام مسکن با بهترین امکانات**  
**هدیه ما به شما: هزینه محضر**

**فروش خرید اجاره**

**(514) 574 6162**  
Haykhartounian@yahoo.com  
9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

**دفتر ترجمه رسمی**  
فیروزه مسیحا

ترجمه و تایید اسناد بدون نیاز به مراجعه حضوری

عضو رسمی انجمن مترجمان (ATIO) و (OTTIAQ) و (ATIO)

کارشناس ارشد ترجمه زبان و دانشجوی دکتری زبانشناسی

ATIO

ترجمه و تایید اسناد و مدارک  
ترجمه شفاهی در جلسات رسمی اداری و دانشگاهی  
تایید اصالت امضای و گواهی برابر اصل  
تجربه و تخصص دعوت نامه و انگیزه نامه  
ترجمه مهرهای گذرنامه جهت تمدید  
کارت (PR) و درخواست شهروندی کانادا  
تجربه و تخصص مدارک جهت ارائه برای مدارس سازجی (مهر گواهی برابر اصل از دفترخانه رسمی)  
انجام گواهی امور مربوطه به دریافت و کفالت نامه از باشکدن

دفتر تهران، شلوخ جنوب شرقی سید خندان  
دارالترجمه رسمی مسیحا  
+98 912 723 2544

+98 912 322 0524  
438-920-9305  
firoozehmasiha@yahoo.com

**دارالترجمه رسمی فرهنگ**  
BUREAU DE TRADUCTION FARHANG  
FARHANG TRANSLATION OFFICE

شعبه کانادا  
2000, MCGILL COLLEGE  
6TH FLOOR, MONTREAL  
QUEBEC, CANADA, H3A 3H3  
001 514 691 4383  
R.DAVOUDI@FARHANG.CA

شعبه ایران  
نهران کاکر شمالی، منطقه بلوار کشاورز نبش کوچه گیتی پلاک 1173 طبقه 3، واحد 7  
+98 21 6642 1511  
6694 8154  
H.DAVOUDI@FARHANG.CA

## سیاست

امیر عطاران، اتهام نژادپرستی و آتش دودستگی در حزب همبستگی کبک

## سیاست

اسحاق جهانگیری از بیم تا پاستور  
مرد دلارهای ۴۲۰۰ تومانی رئیس جمهور ایران می شود؟

## سیاست

پنج نکته در واکنش رهبر به فایل صوتی  
مصاحبه ظریف  
ده دقیقه سخنرانی و تعیین تکلیف ۸ سال آینده

## اقتصاد

آیا حساب مسکن در کانادا می ترکد؟

# سیاست اقتصاد و جامعه



گابریئل ناندو-دوبو Gabriel Nadeau-Dubois  
و منون مسه Manon Massé



در ادامه این گزارش آمده است: «فعالان حزب همبستگی کبک وابسته به اقلیت‌های نژادی و فرهنگی نیز به نوبه خود می‌گویند که تلاش DAC برای بهره‌برداری ابزاری از آسیب‌دیدگان رفتارهای تبعیض‌آمیز اجتماعی مایه خشم شدید و جریحه‌دار شدن احساسات آنها شده است.» زمانی که رهبری حزب همبستگی کبک ملاقات و گفتگو با جمعیت DAC را خواستار شد، مسئولان این گروه پیشنهاد رهبران QS را رویه‌های استعماری دانستند که به گفته آنان، هدف از آن رفتار قیّم‌مآبانه با اعضای جمعیت ضد نژادپرستی است.

ماه گذشته همین نیروهای متعصب با آن رفتار و گفتار عجیب و غریبشان درخواست گفتگوی رهبری حزب همبستگی کبک را با اخطار و تهدید به پیگرد قضایی پاسخ دادند.

**نگاه از زاویه‌ای متفاوت به گوشه چپ سیاست کبک**  
اگر وقت بگذاریم و برنامه حزب همبستگی کبک را مطالعه کنیم، از ماهیت رادیکال آن متحیر می‌شویم. صحبت از یک سوسیالیسم خشک و خالص است. بدون شک رهبران حزب که خود را ترقی‌خواه و پیشرو می‌دانند، همه تلاش خود را به کار می‌گیرند تا قضیه را جمع‌وجور و هیاهوی به وجود آمده را آرام کنند.

منون مسه تلاش خواهد کرد تا در مرکز محلی خدمات اجتماعی CLSC خود را فردی مؤثر و مفید جلوه دهد. گابریئل ناندو-دوبو هم گاهی حالت رهبر جوانان لیبرال را به خود می‌گیرد.

### جنگ

وقتی رهبران یک حزب رادیکال دیگر نمی‌دانند که با نیروهای متعصب داخل حزب چه کنند، وضعیت حزب کاملاً مشخص است. قرار گرفتن در چنین شرایطی برای حزبی که همواره تلاش می‌کند به دیگران درس اخلاق بدهد، کاملاً آزاردهنده است. همه‌جا در غرب یک جنگ داخلی بی‌رحمانه جنبش بیداری و جناح چپ قدیمی را رودرروی یکدیگر قرار داده است اما در این جنگ کسی به اسارت گرفته نمی‌شود.

منبع: وب‌سایت نشریه ژورنال دو مونترال

## امیر عطاران، اتهام نژادپرستی و آتش دودستگی در حزب همبستگی کبک

گیرد به امید این که راه‌های برای این دمل چرکین پیدا شود.

در این جا به بخش‌هایی از این گزارش که به دست من رسیده است، اشاره می‌کنم: «متأسفانه به‌رغم هشدارهای مکرر، DAC روش‌های کاری خود را که اساساً بر مبنای تاکتیک‌های تهدیدآمیز، افشاگری، ارباب، پیگرد قانونی و تعیین ضرب‌الاجل می‌باشد، تغییر نداده است. رفتار نیروهای متعصب مخالف نژادپرستی به ایجاد یک فضای کنشگری ناسالم در داخل حزب منجر شده است.»

کمیته اجرایی ملی حزب همبستگی کبک در گزارش خود تأکید کرد کار به جایی رسیده که DAC این اجازه را به خود می‌دهد که هرگاه نهادها و ارگان‌های مختلفی که اعضای آنها نیز به مبنای شایسته‌سالاری انتخاب شده‌اند مطابق با موضع‌گیری‌ها و راهبردهای سیاسی این گروه عمل نکنند، از زبان تهدید و ارباب بر ضد آنها استفاده کند.

طبق گزارش کمیته اجرایی ملی حزب همبستگی کبک، فضایی که تحت تأثیر این رفتارها در داخل حزب ایجاد شده، کاملاً سمی است.

این کمیته در گزارش خود تأکید کرد: «ما دیگر نمی‌توانیم اظهارنظرهای تهدیدآمیز و ارباب‌انگیزی را برتابیم که نه‌تنها به دنبال راه‌حل مشکلات نیستند بلکه با استفاده ابزاری از افراد قربانی برخورد‌های تبعیض‌آمیز، برای تحقق اهداف و منافع خود تلاش می‌کنند.»

رهبران حزب «همبستگی کبک» QS تلاش می‌کنند آتش اختلافات داخلی حزب را خاموش کنند اما بوی این اختلافات همه جا را برداشته و به من هم رسیده است. من ماجرا را برایتان تعریف می‌کنم.

یادتان می‌آید که برخی اعضای متعصب حزب همبستگی کبک تحت لوای Decolonial Anti-racist Collective (DAC) هیجان‌زده اظهارات امیر عطاران استاد حقوق دانشگاه اتاوا را درباره کبک و نژادپرستی سیستماتیک در این استان تأیید کردند و از این که آقای عطاران کبک را «آلابامای شمال» توصیف کرده و گفته بود که اقلیت‌های نژادی در این استان قربانی لینچ پزشکی می‌شوند، برایش کف زدند. این ماجرا فقط بخش پیدای اختلافات داخلی حزب بود که مثل کوه یخ از آب سر برآورده بود.

### فضای مسموم در گوشه چپ سیاست کبک

از زمانی که گروه Decolonial Anti-racist Collective تشکیل شد، نیروهای متعصب با اظهارنظرهای افراط‌گرایانه، زیر پا گذاشتن مقررات و آئین‌نامه‌ها، زدن ساز مخالف و حتی اظهارات تهدیدآمیز خود موجب ایجاد تفرقه و دودستگی در داخل حزب شدند.

فضای حاکم بر روابط و امور داخلی حزب همبستگی کبک این روزها به حدی مسموم شده است که کمیته اجرایی ملی این حزب گزارشی تهیه کرده که قرار است ماه آینده هم‌زمان با نشست شورای ملی در اختیار اعضای آن قرار

”

نکته مهم در جریان انتخابات ۱۴۰۰ حضور رئیس جمهوری است که بیشترین رابطه با رهبر ایران را داشته باشد. این گزاره از این جهت اهمیت دارد که طی سال‌های «۱۴۰۰ تا ۱۴۰۸» احتمال جانشینی رهبری در ایران وجود دارد و در چنین شرایطی جناح راست محافظه‌کار ایران تمایل دارد قدرت را در اختیار خود داشته باشد و خود را آماده چنین شرایطی کند، به همین علت است که رئیس دو قوه دیگر در ایران برای دستیابی به قوه سوم تلاش زیادی می‌کنند (روسای دو قوه مقننه و قضاییه به دنبال قوه مجریه هستند) تا پروژه یکدست‌سازی حاکمیت در چنین شرایطی به کمک آنها بیاید. در این وضعیت اسحاق جهانگیری گزینه مورد اعتماد برای دوران گذار نیست.



مرد دلارهای ۴۲۰۰ تومانی رئیس‌جمهور ایران می‌شود؟

## اسحاق جهانگیری؛ از بم تا پاستور

زندانی به سر می‌برد. چند ماه از انقلاب ایران نگذشته بود که آیت الله خمینی به انقلابیون فرمان تشکیل «جهاد سازندگی» را صادر کرد. این فرمان، آغاز ورود جهانگیری به فعالیت رسمی در جمهوری بود. او کارش را در سال ۱۳۵۸ با نهاد تازه‌تاسیس جهاد سازندگی آغاز کرد. این نهاد در حقیقت، نهادی بود که انقلابیون مسلمان برای رسیدگی به وضعیت محرومان تاسیس شد. ورود به این نهاد مقدمات ویژه‌ای می‌خواست؛ زنان چادری و پایبند و مردانی با یقه‌های بسته و لباس‌های روی شلوار افتاده که ریش خود را نمی‌تراشیدند و خود را نماد معتقدان واقعی به اسلام می‌دانستند و رسالت تاریخی نجات امت اسلامی را بر دوش خود احساس می‌کردند. اسحاق جهانگیری

رسیده‌اند، بیانگر این ادعاست که ایران حمایت واقعی از مستضعفان را معنا کرده است، اما اگر واقع‌بینانه به ماجرا نگاه کنیم، او عمده پیشرفت‌ش نه مرهون سیاست‌های حمایتی جمهوری اسلامی از قشر کارگر، بلکه مدیون عضویت در سپاه و جهاد سازندگی و سپس ورود به حلقه کرمانی‌ها (اطرافیان هاشمی رفسنجانی) بوده است.

### جهانگیری و انقلابیون جوان

اسحاق جهانگیری سیاستمدار ۶۴ ساله کرمانی است که دو برادرش را در جنگ از دست داده است. از این خانواده دو پسر دیگر باقی مانده که یکی اسحاق جهانگیری است و دیگری مهدی که مالک یکی از بزرگترین کارتل‌های اقتصادی ایران است که به جرم قاچاق حرفه‌ای ارز در

حاج حسن، کارگر روزمزد معدن اسفندقه در خیال هم تصور نمی‌کرد روزی برسد که فرزندش به مقامی بالاتر از کارمند اداری در یک شهرستان دورافتاده برسد. پیرمرد البته تا دهه هشتاد هم زنده بود و به چشم دید که پسرش نه تا حد کارمندی ساده که تا استناداری و وزارت هم پیشرفت کرده است. او عمرش به دهه نود قد نداد تا ناباورانه ببیند فرزندش امروز به معاون اولی دولت رسیده و حالا اصلاح‌طلبان برای ریاست‌جمهوری او تلاش می‌کنند و حضور ناگهانی او در کلاب هاوز برای پاسخ به سوالات خبرنگاران و فعالان سیاسی نشان داد، این تلاش بیش از گذشته جدی است.

این مسیر البته مسیر مورد علاقه جمهوری اسلامی است؛ معرفی چهره‌هایی که از خانواده کارگری به مقامی

بد اقتصادی ایران، در کنار افزایش ناگهانی سه برابری قیمت بنزین سبب شد اندک اعتبار اصلاح طلبانی که از دولت روحانی حمایت کرده بودند، از بین برود. طبیعی بود اسحاق جهانگیری نیز یکی از همین افراد بود که به شدت جایگاهش تضعیف شد و به این ترتیب از آن ستاره مناظره‌های انتخاباتی ایران، سیاستمدار شکست خورده‌ای باقی مانده که مردم سخنانش را در سال ۹۶ با خود تکرار می‌کردند؛ آنجا که می‌گفت: «در دولت احمدی نژاد سفره مردم کوچک شد و این نتیجه تصمیمات نادرست بود. آنجا ۴۵ هزار تومان در جیب مردم گذاشتند و ۲۰۰ هزار تومان از آن برداشتند. حالا دوباره می‌خواهند از فقر مردم سوءاستفاده کنند و سرزده به خانه فقرا نروید و فیلم بگیرید. اگر آقای رئیسی قرار است ۱۵۰ هزار تومان یارانه بدهد، عزت مردم ایران را از بین می‌برد چون تامین این پول سه راه بیشتر ندارد؛ یا حامل‌های انرژی و گازوییل و بنزین را زیاد کنند، یا از هزینه‌های دولت بردارند و حقوق‌ها را ندهند یا آنکه در خزانه دست کنند. که در هر سه صورت ۱۰۰ هزار تومان یارانه می‌دهند اما یک میلیون تومان از جیب مردم برداشت می‌کنند.»

اگرچه جهانگیری در جریان مناظره‌های سال ۹۶ افزایش قیمت بنزین را دزدی از مردم خوانده بود، اما در دولت دوم روحانی همین اتفاق با همین شیوه افتاد و قیمت بنزین سه برابر شد و بدتر از آن، اینکه معترضانی که به گرانی‌های اعتراض داشتند با سرکوب سخت حکومت مواجه شدند و چند صد نفر در جریان اعتراضات کشته شدند. این اتفاق که به «حوادث آبان ۹۸» یا «کشتار ۹۸» مشهور شده، بدترین تجربه‌ای بود که مردم می‌توانستند از یک دولت اصلاح طلب به یاد داشته باشند.

اتفاق دیگر ماجرای ارز دولتی و دلار ۴۲۰۰ بود که به «دلار جهانگیری» مشهور شد. بیش از چند میلیارد دلار اموال عمومی بین افرادی تقسیم شد که قرار بود با این ارز، کالا به ایران وارد کنند، اما بخش عمده این منابع ناپدید شد و با بخش عمده دیگر واردات انجام شد، اما با دلار آزاد در بازار فروخته شد. کارشناسان اقتصادی تخصیص ارز دولتی که با ابتکار جهانگیری انجام شده را بزرگترین فساد سازمان‌یافته دولتی می‌خوانند؛ فساد که در پی آن طبقه جدیدی در ایران شکل گرفت که در ادبیات سیاسی به آن «طبقه جهانگیری» نیز گفته می‌شد.

#### فاصله گرفتن غیر محسوس جهانگیری از دولت

هر چه زمان به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نزدیک‌تر می‌شد، جهانگیری تلاش می‌کرد در عین حضور در دولت، در گوشه‌کنایه‌هایی فاصله خود با روحانی را بیشتر کند؛ از جمله زمانی که در کسوت منتقد از برخورد با معترضان آبان ۹۸ سال‌گلاهی می‌کرد یا توضیح می‌داد که افزایش قیمت بنزین باعث شد به مردم سخت بگذرد. عجیب‌ترین جمله جهانگیری در سال ۹۹ بود که تقریباً ۵ ماه به پایان دولت باقی مانده بود و می‌گفت: «تفاقات سال ۹۸ بر مسئولان کشور آشکار کرد که باید برنامه‌ریزی بلندمدت انجام دهند.»

#### سال کینه‌های قدیمی

در این دوران او بیشتر به عنوان یک فعال سیاسی مصاحبه‌های مختلف می‌کرد و به ویژه در جریان انتخابات سال ۱۳۸۸ بسیار فعالیت کرد و زمانی که همه نیروهای سیاسی اصلاح طلب ایران تصمیم به حمایت از میرحسین موسوی گرفتند، او نیز برای ستاد میرحسین تبلیغ و مصاحبه می‌کرد و سفر استانی می‌رفت. انتخابات سال ۸۸ رابطه اصلاح طلبان با حاکمیت را بسیار تیره کرد و هرچند جهانگیری هیچگاه به عنوان یکی از چهره‌های «فتنه‌گر» توسط حاکمیت شناخته نشد، اما رابطه‌اش با رهبر ایران نیز هیچگاه مانند گذشته شد. اگرچه این رابطه با استقرار دولت روحانی ترمیم شد، اما همچنان نشانه‌هایی از کینه قدیمی در آن وجود دارد.

سال ۱۳۹۲ وقتی آیت الله هاشمی رفسنجانی کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری ایران شد، همه احزاب اصلاح طلب و حتی اصولگرایی که آهسته آهسته اصلاح طلب می‌شدند (حزب اعتدال و توسعه) به ستاد هاشمی رفتند. رد صلاحیت هاشمی، اما شرایط را تغییر داد و بالاخره در انتخاب «عارف/روحانی» این محمدرضا عارف بود که استعفا کرد و به این ترتیب حسن روحانی هفتمین رئیس جمهور ایران شد. اگرچه تصور می‌شد که روحانی، عارف به عنوان معاون خود برگزیند، اما چنین نشد؛ چه آنکه نه خود روحانی راضی به چنین انتخابی بود، نه خاتمی و نه هاشمی رفسنجانی علاقه‌ای به عارف داشتند. در چنین شرایطی اسحاق جهانگیری به عنوان معاون اول دولت روحانی انتخاب شد.

#### ائتلاف کارگزاران و اعتدال و توسعه

دولت اول روحانی برای جهانگیری خوشنامی داشت، در این دوران برجام امضا شده بود و حتی وزرا و معاونان دولت آنقدر ذوق داشتند که در مراسم ورود هواپیماهای خریداری شده به ایران نیز حاضر می‌شدند.

مبادلات تجاری ایران افزایش یافته بود و احتمال عادی‌سازی روابط ایران و جهان وجود داشت. روحانی با همین پیشینه به انتخابات سال ۹۶ وارد شد و برای نخستین بار اسحاق جهانگیری نیز کاندیدای ریاست جمهوری شد. در جریان مناظرات، جهانگیری نقش کاندیدای پوششی روحانی را داشت؛ او وظیفه حمله به منتقدان روحانی را پذیرفته بود تا روحانی با خیال آسوده بتواند از برنامه‌هایش برای دولت دوم بگوید و وقتش را صرف پاسخ دادن به جلیلی و ولایتی و قالیباف نکند. همین اتفاق افتاد و نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌داد سخنان جهانگیری حتی رضایت‌بخش‌تر از سخنان روحانی بوده است.

اولین جرقه ریاست جمهوری جهانگیری در جریان همین مناظرات زده شد؛ اصلاح طلبان نیز با سابقه مناظره‌های سال ۹۶ او را گزینه بی‌رقیب انتخابات سال ۱۴۰۰ می‌دانستند. دولت دوم روحانی برای جهانگیری اما خوش‌یمن نبود؛ ماجرای ارز ۴۲۰۰ تومانی، حاشیه‌های بازداشت برادرش اختلافات با روحانی و واعظی و شرایط

نیز یکی از همین مردان بود که با همین ظاهر به جهاد سازندگی رفت و سپس عازم جبهه شد. او ۵ سالی هم به عنوان نیروی جهاد در جبهه ماند، اما سال ۶۳ با آغاز انتخابات مجلس دوم شورای اسلامی تصمیم گرفت به رسالت تاریخی خود را از این پس در مجلس انجام دهد.

در مجلس دوم او شانس زیادی برای راهیابی به مجلس داشت؛ چه آنکه این مجلس با مجلس اول متفاوت بود و عمده نیروهای چپ‌گرا و ملی مذهبی و سکولار در آن حذف شده بودند و اجازه حضور در انتخابات را نداشتند. رد صلاحیت‌های انتخابات مجلس دوم به اعتراضات عمومی و بازداشت معترضان با دستور ناطق نوری وزیر وقت کشور انجامید و در مقابل این شانس را برای چهره‌هایی همچون جهانگیری به وجود آورد که بتوانند به مجلس وارد شوند؛ که چنین هم شد و جهانگیری ۲۷ ساله به عنوان نماینده جیرفت به پارلمان راه یافت. فروردین ۶۷ وقتی انتخابات مجلس سوم برگزار می‌شد، جهانگیری بار دیگر توانست یک کرسی پارلمان را برای خود حفظ کند.

#### مردان زیر عبای هاشمی

عمده دوران نمایندگی جهانگیری مربوط به زمانی بود که اکبر هاشمی رفسنجانی رییس مجلس ایران بود. او چند سالی هم با کربوبی به عنوان رییس مجلس همکاری کرد و همین دوران کافی بود تا رابطه او با حلقه کرمانی‌های حکومت تقویت شود؛ همین ارتباط باعث شد او پس از پایان دوران نمایندگی و در دوره‌ای که هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور ایران بود، به عنوان استاندار اصفهان منصوب شود.

او در این دوران تنها ۳۵ سال داشت. از این دوران به بعد جهانگیری هیچگاه هاشمی رفسنجانی را رها نکرد و تا پایان عمر او به عنوان یکی از نزدیکترین حامیان باقی ماند و از همین طریق پله‌های ترقی را طی کرد. بعد از پایان دوره ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، اسحاق جهانگیری به دولت سیدمحمد خاتمی وارد شد. او و چند چهره دیگر (محسن نوربخش، محمدعلی نجفی و ...) سه‌می هاشمی در کابینه خاتمی بودند. جهانگیری به وزارت صنعت رسید و با ادغام این وزارتخانه نیز توانست از مجلس رای اعتماد بگیرد و تا سال ۸۴ در این سمت باقی بماند.

با پایان دولت خاتمی، اسحاق جهانگیری شغل رسمی نداشت و کار اقتصادی‌اش را در بخش خصوصی و کار سیاسی‌اش را با حزب کارگزاران ادامه داد. جهانگیری سال ۸۶ در انتخابات مجلس تأیید صلاحیت شد و در صدر فهرست یاران خاتمی قرار گرفت، اما این بار همان چهره‌هایی که یکبار رد صلاحیت را در ابتدای انقلاب کلید زده بودند، خودشان به همین درد دچار شدند و مجلس هفتم با گسترده‌ترین رد صلاحیتها برگزار شد. در این دوره از اصلاح طلبان اقبالی نشد و جهانگیری نیز از راهیابی به مجلس بازماند. در مجلس هفتم انتخاب ۱۰ نماینده به دور دوم کشیده شد، اما در دور دوم جهانگیری نتوانست به مجلس راه یابد.



مخاطب این سخنان مشخص نبود و نخستین سوال از جهانگیری به عنوان معاون اول رئیس جمهور این بود که مگر مسئول برنامه‌ریزی چه کسی است؟ و چرا تازه یادش افتاده که چنین سخنانی را بگوید؟

در ماجرای عجیب‌تر، او در مصاحبه‌ای اعلام کرد که «تا این لحظه اجازه برکناری منشی خودم را نداشته‌ام، پس از من انتظار نداشته باشید که وکیل و وزیر را تغییر دهیم.» اشاره جهانگیری به انتصاب وزیر صنعت معدن و تجارت بود. شب جمعه ۱۰ اردیبهشت وقتی جهانگیری در کلاب هاوس حاضر شده بود، درباره این جمله توضیح داد و گفت: «در ماجرای تغییر وزیر صنعت مثال زدیم که من نمی‌توانم منشی خودم را تغییر بدهم، چه برسد به وزیر. تمام انتصابات در دولت دوم آقای روحانی بدون حضور من بوده و حتی در انتخاب وزیر صمت هم نقشی نداشتم و با من مشورت نشد. به آقای روحانی هم گفتم ناراحت هستم چون در هیچ‌کدام از انتصابات نظر من خواسته نشد.»

این بخش عجیب‌ترین استدلال اسحاق جهانگیری بود؛ چه آنکه همه می‌دانستند او نه با رضا رحمانی موافقت دارد، نه با جعفر سرقینی و نه با مدرس خیابانی. به همین دلیل بود که تمام این گزینه‌ها یکی پس از دیگری از لیست نهایی حذف شدند تا «علیرضا رزم حسینی» همشهری و یار قدیمی اسحاق جهانگیری به وزارت صمت برسد. مشخص بود که ماجرای کاهش اختیارات معاون اول رئیس جمهور نه به خاطر واقعیت آن، بلکه به خاطر ایجاد یک جایگاه منتقد از زبان جهانگیری بیان می‌شد تا او بتواند در جریان انتخابات از آن استفاده کند. طبیعی بود سخنان جهانگیری بیش از آنکه بتواند با مردم همدلی ایجاد کند، نتیجه عکس ایجاد کرد و کمتر کسی چنین جملاتی را از او باور کرد.

بخشی از سخنان جهانگیری به اختلاف او با محمود واعظی اشاره داشت که بعد از تصویب قانون بازنشستگی در مجلس، در انتخاب ۱۴ استاندار دولت دوم بسیار حاشیه‌ساز شد. بخشی از فعالان سیاسی می‌گفتند محمود واعظی تلاش می‌کند به گزینه‌هایی مشتری با علی لاریجانی برسد و منشا اختلاف این دو بر سر همین مسئله است. جهانگیری زمانی نیز با دولت حتی قهر کرد و چند روز هم سر کار نرفت اما دوباره به کار بازگشت؛ کما آنکه معاون اولی دولت امتیازی نبود که به راحتی از دست او و اصلاح طلبان در بیاید. اصلاح طلبان برای حمایت از جهانگیری، این دوگانه را بسیار تقویت کردند تا این پیام را به جامعه منتقل کنند که «دست جهانگیری در دولت بسته است، اگر نه او مدیری توانمند است.»

### جایگاه اسحاق جهانگیری در انتخابات ۱۴۰۰

از روزهای نخست که بحث جدی انتخابات ۱۴۰۰ در میان بود، اسحاق جهانگیری یکی از گزینه‌های اصلی کاندیداتوری بود. اصلاح طلبان به او اعتقاد داشتند چون احتمال تأیید صلاحیت بالایی داشت، چنانچه سال ۹۶ هم یکبار تأیید صلاحیت شده بود و دیگر آنکه حزب کارگزاران و اتحاد ملت و اعتماد ملی «سه حزب اصلی

بزرگ و تأثیرگذار در جریان اصلاحات» از او حمایت می‌کردند؛ به این ترتیب او در ابتدا هم اقبال مردمی را با خود داشت، هم پشتوانه حزبی برای اجماع را با خود همراه می‌دید. وقتی گزینه‌های نهایی حزب اتحاد ملت (اسحاق جهانگیری / محمدجواد ظریف / شهیندخت مولاردی / مصطفی تاجزاده / سیدمحمد صدر) و حزب کارگزاران سازندگی (اسحاق جهانگیری / محمدجواد ظریف / محسن هاشمی) منتشر شد، دو نام «جهانگیری» و «ظریف» اسامی تکرار شونده بودند.



جهانگیری کارش را در سال ۱۳۵۸ با نهاد تازه‌تاسیس جهاد سازندگی آغاز کرد. این نهاد در حقیقت، نهادی بود که انقلابیون مسلمان برای رسیدگی به وضعیت محرومان تاسیس شد. ورود به این نهاد مقدمات ویژه‌ای می‌خواست؛ زنان چادری و پایبند، و مردانی با یقه‌های بسته و لباس‌های روی شلوار افتاده که ریش خود را نمی‌تراشیدند و خود را نماد معتقدان واقعی به اسلام می‌دانستند و رسالت تاریخی نجات امت اسلامی را بر دوش خود احساس می‌کردند. اسحاق جهانگیری نیز یکی از همین مردان بود که با همین ظاهر به جهاد سازندگی رفت و سپس عازم جبهه شد.

با توجه به انتشار فایل صوتی ظریف، احتمال تأیید صلاحیت او بسیار و بعید است آیت‌الله جنتی در شورای نگهبان اجازه ورود به ظریف را به انتخابات صادر کند؛ آنهم در حالی که بیش از ۲۰۰ نماینده مجلس خواستار برکناری او از دولت شده‌اند. واکنش روسیه به انتشار فایل صوتی هم نشان می‌دهد همسایه پر قدرت روس هم تمایلی به ریاست جمهوری ظریف ندارد؛ چه آنکه کرملین در واکنشی، سخنان ظریف را «تسنجیده» و «تاروا» توصیف کرده است. به این ترتیب در این دوگانه، شانس جهانگیری از ظریف بالاتر رفته است. این یعنی او ظرفیت اجماع اصلاح طلبان را دارد، اما دو پارامتر «رای‌آوری» و «ارتباط با رهبر ایران» مسائل مهمی هستند که جهانگیری در آن شانس چندانی ندارد.

### به نام برادر

درباره «رای‌آوری» چنانچه گفته شد، ماجرا بعد از دولت دوم روحانی تغییر کرد و البته دستگیری برادرش به کاهش اقبال عمومی به او کمک کرد. مهدی جهانگیری البته بسیار تلاش کرد با ارسال بیانیه‌های مختلف، فشار را از دوش برادرش بردارد؛ از جمله در بیانیه‌ای در پاسخ به اردشیر مطهری که او را دزد خوانده بود، پاسخ داد: «فعالیت‌های اقتصادی مهدی هیچ گونه ارتباطی با دولت و معاون اول رئیس جمهور ندارد و در پرونده قضائی مهدی که تعیین تکلیف نهایی نیز شده است هیچ گونه دزدی و اختلاسی مطرح نیست بنابراین اینجانبان ابراهیم و مهدی

جهانگیری برادران دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور که توسط اردشیر مطهری نماینده مردم گرمسار در نطق علنی با تهمت دزدی مورد هتک واقع شده‌ایم و شکایت خود را به مراجع ذی‌صلاح قضائی ارائه خواهیم کرد.» اگرچه حامیان جهانگیری تلاش کردند این موضوع را جا بیندازند که «حساب جهانگیری از برادرانش جداست» اما افکار عمومی کمترین توجهی به این پاسخ نکردند؛ آنها همین قدر این استدلال را باور می‌کردند که درباره حسن روحانی و برادرش باور کردند.

### رو در روی بیت

اما نکته مهمتر در جریان انتخابات ۱۴۰۰ حضور رئیس جمهوری است که بیشترین رابطه با رهبر ایران را داشته باشد. این گزاره از این جهت اهمیت دارد که طی سال‌های «۱۴۰۰ تا ۱۴۰۸» احتمال جانشینی رهبری در ایران وجود دارد و در چنین شرایطی جناح راست محافظه‌کار ایران تمایل دارد قدرت را در اختیار خود داشته باشد و خود را آماده چنین شرایطی کند، به همین علت است که رئیس دو قوه دیگر در ایران برای دستیابی به قوه سوم تلاش زیادی می‌کنند (روسای دو قوه مقننه و قضاییه به دنبال قوه مجریه هستند) تا پروژه یکدست‌سازی حاکمیت در چنین شرایطی به کمک آنها بیاید. در این وضعیت اسحاق جهانگیری گزینه مورد اعتماد برای دوران گذار نیست.

به تمام این موارد می‌توان این تحلیل را اضافه کرد که بعد از «موضوع جانشینی رهبری»، مسئله ارتباط ایران و آمریکا و پایان دادن به گره کور مذاکرات هسته‌ای در وین، مسئله مهم جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر است. اسحاق جهانگیری گزینه شش‌دانگ سیاست خارجی نیست و تصور دوگانه «بایدن/جهانگیری» نیز تصور دور از ذهنی است، مگر آنکه چهره‌ای همچون ظریف را پشت خود داشته باشد. اما مشکل آنجاست که با توجه به وضعیت ظریف در ماه‌های پایانی دولت روحانی، بسیار بعید است ظریف بار دیگر وزارت امور خارجه را بپذیرد و مهمتر از آن، مجلس به او اعتماد کند. حضور جهانگیری در کلاب هاوس البته نشان داد او برای این وضعیت نیز چاره‌ای اندیشیده است و احتمالاً قرار است در این پست از علی اکبر صالحی استفاده کند. دو چهره مهم اسحاق جهانگیری را در کلاب هاوس همراهی می‌کردند؛ علی اکبر صالحی رییس سازمان انرژی اتمی و محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات. این دو چهره‌ها در چند بزنگاه که جهانگیری کم آورده بود (در ماجرای فیلترینگ و بحث‌های برجامی) به حمایت از او آمدند. رسانه‌های ایران نیز در تحلیل آن نوشتند که جهانگیری از دوگانه حمایتی «آذری جهرمی/صالحی» رونمایی خواهد کرد. جایگاه جهانگیری در افکار عمومی به شدت افول کرده و بخشی از اصلاح طلبان (طیف کارگزاران) معتقدند در چنین فضایی بهتر آن است که جهانگیری به حمایت از لاریجانی بپردازد و از ورود مستقیم پرهیز کند. آرایش‌های سیاسی در ایران کمتر از دو ماه مانده به انتخابات هر روز در حال تغییر است.

# پنج نکته در واکنش رهبر به فایل صوتی مصاحبه ظریف

## ده دقیقه سخنرانی و تعیین تکلیف ۸ سال آینده



از سه روز پیش که بیت رهبری ایران اعلام کرد قرار است آیت‌الله خامنه‌ای روز یکشنبه سخنرانی مهمی داشته باشد، فعالان سیاسی می‌دانستند که حتماً قرار است واکنش‌های مهمی به سخنان ظریف درباره قاسم سلیمانی داشته باشد. ۵۰ دقیقه از سخنرانی یک‌ساعته رهبر ایران مشابه سخنانی بود که همیشه می‌گفت و نکته‌های تازه نداشت و بیشتر بیان مواضع ایدئولوژیک مذهبی و همچنین اشاره‌های به مرتضی مطهری به مناسبت روز معلم بود. ناظران که سه روز انتظار کشیده بودند، ۵۰ دقیقه هم صبوری کردند تا به حرف‌های اصلی برسند و بالاخره ده دقیقه انتهایی سخنان اصلی بیان شد؛ سخنانی که در آن تکلیف محمدجواد ظریف و سیاست‌های خارجی و انتخابات ۱۴۰۰ نیز مشخص شد. در تحلیل سخنان آیت‌الله خامنه‌ای چند نکته می‌توان گفت:

(۱) طبیعی بود در اختلاف‌نظر میان محمدجواد ظریف و قاسم سلیمانی، رهبر ایران جانب سلیمانی را بگیرد. این موضع قابل پیش‌بینی‌ترین موضع بود. هر چند تصور می‌شد این موضوع اتخاذ شود، اما استفاده از کلمات «تأسف‌آور» و «تکرار حرف‌های خصمانه دشمنان و آمریکا» در توصیف سخنان ظریف، آن قدر تند بود که برای محافظه‌کاران نیز جالب‌توجه بود. این سخنان نشان داد رهبر ایران در حمایت از سیاست‌های سپاه قدس در منطقه با احدی تعارف ندارد و تفاوتی نمی‌کند انتخابات در پیش باشد یا مذاکرات وین در جریان باشد یا خیر.

(۲) مهم‌ترین بخش سخنان رهبری تناقض آن درباره تعیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی بود. آیت‌الله خامنه‌ای در واکنش به تقابل «دیپلماسی» و «میدان» تلویحاً توضیح داد که چنین دوقطبی وجود خارجی ندارد: «سیاست خارجی ایران در وزارت خارجه تعیین نمی‌شود بلکه در مجامع بالادستی وزارت خارجه مثل شورای عالی امنیت ملی مشخص می‌شود.» معنای این جمله این است که مذاکرات برجام و مذاکرات وین و اینکه «ایران تا چه اندازه کاهش غنی‌سازی را بپذیرد» یا «ظرفیت غنی‌سازی نطنز و فردو چقدر باشد» یا «مبادله جیسون رضاییان چگونه انجام شود» و ده‌ها مثال دیگر همگی سیاست‌هایی بوده که توسط نهادهای بالادستی انجام شده است، باین حال رهبر ایران و حاکمیت هیچگاه حاضر نبوده مسئولیت آن را بپذیرد و تنها از خود رفع مسئولیت کرده است. معنای سخنان محمدجواد ظریف که چندین بار در گفته «من خودم را هزینه نظام کرده‌ام و نظام نباید هزینه من بشود» در کنار این جمله بهتر درک می‌شود؛ معنایی که می‌توان از

آن برداشت کرد سیاست جمهوری اسلامی نزد رهبر ایران تعریف می‌شود و سیاستمدارانی همچون ظریف مجربانی هستند که گاه در نقش پلیس خوب یا پلیس بد ظاهر می‌شوند و تصمیم اصلی جای دیگری اتخاذ شده است. (۳) رهبر ایران در بخشی از سخنانش تأکید کرده که «اینکه بخشی بیاید و بخش دیگری را نفی کند اصلاً معنایی ندارد و نباید از مسئولان جمهوری اسلامی چنین رفتاری سر بزنند.» اگر اندکی با سیاست ایران آشنا باشید، متوجه خواهید شد این گزاره تا چه اندازه از واقعیت دور است. در حقیقت می‌توان این گزاره را به این شکل تغییر داد تا نشان‌دهنده واقعیت بیشتری باشد: «اینکه بخشی آکه با من اختلاف‌نظر دارد! بیاید و بخش دیگری آکه نزدیک به دیدگاه‌های من است! را نفی کند اصلاً معنایی ندارد و نباید از مسئولان جمهوری اسلامی چنین رفتاری سر بزنند.» اگر به مصاحبه‌های ریز و درشت مسئولانی که مخالف برجام بودند، نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که اتفاقاً نفی یک بخش از دیدگاه‌های رسمی توسط بخشی که قدرت را در اختیار دارد، به‌سادگی در حال انجام است. منتقد به‌راحتی می‌تواند چهره‌هایی همچون ظریف (فارغ از درستی یا نادرستی عملکرد آنها) را خائن بنامد و آن را نفی کند اما یک مصاحبه تحلیلی که در آن از یک اختلاف‌نظر سخن گفته شده بود، برتابیده نمی‌شود. جالب آنکه هر دو آنها (ظریف و سلیمانی) دقیقاً در راستای سیاست‌های جمهوری اسلامی گام برمی‌دارند!

(۴) آیت‌الله خامنه‌ای در سخنانش ادامه حضور ایران در سوریه را تأیید کرد، چنانچه در همان ده دقیقه نهایی سخنرانی‌اش چند بار از سپاه قدس حمایت کرد و این نهاد را مهم‌ترین عامل برای جلوگیری از دیپلماسی منفعلانه در منطقه خواند. اگرچه پیش‌بینی می‌شد که با کاهش تدریجی نیروهای آمریکا، ایران نیز چنین تصمیمی بگیرد اما این سخنان نشان داد ایران قصد خروج از سوریه را ندارد. این سخنان را می‌توان در کنار اظهارات فرمانده سپاه و همچنین رئیس کل ستاد نیروهای مسلح ایران تحلیل کرد که تأکید کرده بود حضور ایران در سوریه حیاتی است. با چنین پیش‌فرضی جنگ در سوریه و مقابله با معارضان سوری از یک‌سو، و داعش از سوی دیگر همچنان ادامه دارد. در حالی که بشار اسد خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری سوریه آماده می‌کند، طبیعی است که ایران این کشور را رها نخواهد کرد.

(۵) روز شنبه ۱۱ اردیبهشت احزاب اصلاح‌طلب (اعتدال ملی، کارگزاران و اتحاد ملت) از گزینه‌های نهایی خود برای انتخابات ریاست‌جمهوری رونمایی کردند؛ نام «ظریف و جهانگیری» نام مشترک این احزاب بود. سخنان آیت‌الله خامنه‌ای دقیقاً یک روز پس از این موضوع بود و به این ترتیب از هم‌اکنون مشخص است که باید دور ظریف را برای انتخابات ریاست‌جمهوری خط کشید؛ بعید است شورای نگهبان، گزینه‌ای که سخنانش «تکرار حرف‌های خصمانه دشمنان و آمریکا» را تأیید کند.

در لیست نهایی احزاب این اسامی ذکر شده است: ۱- محمدجواد ظریف ۲- اسحاق جهانگیری ۳- مصطفی تاج‌زاده ۴- مسعود پزشکیان ۵- محمدرضا عارف ۶- محسن هاشمی ۷- محمد شریعتمداری ۸- مصطفی کواکبیان ۹- محمد صدر ۱۰- محمود صادقی ۱۱- شهیندخت مولودری، زهرا شجاعی، ۱۲- عباس آخوندی و صادق خرازی.

اگر ظریف را از این لیست نهایی خارج کنیم، از همین‌ان مشخص است که گزینه نهایی اصلاح‌طلبان اسحاق جهانگیری خواهد بود و با توجه به اختلاف جهانگیری و عارف، و همچنین آرای منطقه‌ای پزشکیان (پزشکیان روی رأی ترک‌زبان‌ها حساب باز کرده است و رأی ملی ندارد) می‌توان حدس زد که کاندیدای پوششی جهانگیری، محمد شریعتمداری باشد.

(۶) در روزهای گذشته مصطفی تاج‌زاده کاندیداتوری خود را برای انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرد. تاج‌زاده با شعارهای بسیار بزرگی پا به عرصه رقابت‌ها گذاشت و از «برگرداندن سپاه به پادگان‌ها» سخن گفت و وعده داد حصر را بردارد و از اختیارات رهبری کم کند. این وعده‌ها آن قدر زیاد بود که برخی به طعنه گفتند «تاج‌زاده برای انتخابات رهبری آمده یا انتخابات ریاست‌جمهوری»

رهبر ایران در سخنرانی خودش خط و نشانی برای اصلاح‌طلبان نیز کشید و به طعنه گفت: «انتخابات را با حرف‌های بیپه‌وده و وعده‌های فریبنده نباید خراب کرد اما عده‌ای مردم را دلسرد می‌کنند و به شورای نگهبان خدشه وارد می‌کنند.»

این سخنان واکنش ضمنی به کاندیداهایی همچون تاج‌زاده و کسانی بود که از او حمایت می‌کردند. به این ترتیب در ده دقیقه پایانی یک سخنرانی یک‌ساعته تکلیف ۸ سال آینده سیاست ایران مشخص شد؛ سیاستی که به گفته رهبر ایران تاکنون در آن تخلفی وجود نداشته است.



در بخش تولید، فروش محصولات چوبی مرتبط با ساختمان حدود ۶۹.۵ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته است. حال اگر دوباره این بخش را از چرخه‌ی محاسبات کنار بگذاریم، تمام صنایع و مشاغل موجود در بخش تولید حدود منفی ۴.۱ درصد نزول کرده‌اند. در بخش صنعت نیز اوضاع به همین شکل است. صنایع در سه ماهه‌ی اول رشد ۲۱ درصدی نسبت به موقع مشابه در سال قبل از خود نشان داده‌اند ولی اگر کل بخش صنعت را منهای بخش صنایع چوبی کنیم به رشد ۲.۲

درصدی می‌رسیم.

تمام این عوامل به دلیل سایه‌ی سنگین بازار مسکن شکل گرفته‌اند. میانگین فروش مسکن در ماه مارس حدود ۷۲ درصد از میزان مشابه در سال گذشته بیشتر بوده است. پس با بیان این نکات می‌توان گفت که اگر بخش مسکن و بخش دولتی از اقتصاد کانادا حذف شوند، شرایط چندان هم بر وفق مراد نیست.

وضع درآمد مردم نسبت به سال قبل ۹.۸ درصد بدتر شده است که اگر کمک‌های دولتی نبود، وخامت اوضاع بسیار شدیدتر هم بود. در بازار کار نیز رشدی که مشاهده می‌شود نتیجه مستقیم بهبود و احیای اقتصادی نیست. مطالعات نیروی کار یا Labour Force Survey (LFS) نشان می‌دهد بازار کار نسبت به سال قبل منفی ۴.۴ درصد کوچک شده است. از طرفی دیگر مطالعات و نظرسنجی‌های مربوط به کار، دستمزد و ساعات کاری یا SEPH، این مقدار را حدود منفی ۷.۳ درصد برآورد می‌کند. با وجود اختلاف چشمگیر میان این دو تحلیل، اگر فرض کنیم SEPH به واقعیت نزدیک‌تر باشد نرخ بیکاری حدود ۸ درصد خواهد بود. حال اگر تاثیر دولت و نرخ استخدام و مشاغل دولتی و صنعت ساختمان را از تحلیل‌ها کنار بگذاریم خواهیم دید وضع اشتغال در کانادا نسبت به سال گذشته ۸.۱ درصد بدتر شده است.

حال سوال دیوید روزنبرگ این است که بانک مرکزی به چه داده‌ها و اطلاعاتی دل خوش کرده است؟ اگر دولت دیگر توان لازم برای حمایت خانوارهای از کار برکنار شده را نداشته باشد و از طرفی حباب بازار مسکن یک‌باره بترکد، اقتصاد کشور بر کدام ستون استوار خواهد بود؟ با بررسی‌های انجام شده، حتی اگر بیشتر صنایع و مشاغلی که بر اثر کووید تعطیل شدند دوباره بازگشایی شوند، اثرشان آن‌قدر بزرگ و مهم نخواهد بود که بتواند از خسارات سنگین اقتصادی جلوگیری کند.

## آیا حباب مسکن در کانادا می‌ترکد؟

اثر منفی آن به سرعت بر وضع اقتصادی خانواده‌های وابسته به این کمک‌ها نمایان خواهد شد.

در این میان، بازار مسکن کانادا به طرز دیوانه‌واری رشد کرده است. دلایل اصلی آن کاهش نرخ بهره، تغییر عادت مردم به کار از خانه و سهولت دسترسی به وام‌های بانکی است که در مطالب هفته‌های اخیر به تفصیل به آنها پرداخته شد. حال اگر فقط بخش ساخت‌وساز خانه‌های مسکونی را در نظر بگیریم، با رشد بی‌سابقه‌ی ۲۲ درصدی مواجه خواهیم شد. تاثیر بخش ساختمان در رشد ناخالص ملی چنان زیاد بوده است که این رقم به عدد بی‌سابقه‌ی ۹.۳ درصد رسیده است، یعنی حدود دو برابر میزان طبیعی در سال‌های گذشته. در صورتی که صنعت ساختمان را از محاسبات رشد ناخالص حذف کنیم رشد ناخالص نسبت به سال قبل تنها ۳.۵ درصد رشد از خود نشان خواهد داد. حال اگر تاثیر بازار مسکن و دولت را یکجا از اقتصاد حذف کنیم با رقم باورنکردنی منفی ۵.۶ درصد مواجه خواهیم شد!

از جنبه‌ی دیگر به این موضوع نگاه می‌کنیم. اگر این بار بازار خرده‌فروشی را بررسی کنیم، مشاهده می‌کنیم که قیمت مواد اولیه و مصالح ساختمانی نسبت به سال قبل حدود ۲۶ درصد رشد کرده است. اگر این میزان رشد را از تحلیل اقتصادی حذف کنیم بخش خرده‌فروشی تنها حدود ۰.۴ درصد رشد کرده است. این اعداد خلاف آن چیزی است که در گزارش‌های عادی و سه ماهه‌ی تحلیلگران مشاهده می‌شود.

در حال حاضر و با بحران پیش‌آمده، بازار مسکن مهم‌ترین بخش اقتصادی است که در نبرد با رکود، بار سایر بخش‌ها را به دوش می‌کشد، اما این ماجرا تا چه زمان می‌تواند این چنین ادامه پیدا کند؟ چه خواهد شد اگر حباب مسکن بترکد و آوار قیمت‌های روز به روز بالارونده بر سر بانک‌ها، مشتریان و اقتصاد کانادا فرو ریزد؟ به گفته‌ی دیوید روزنبرگ تحلیلگر اقتصادی، هیچ کدام از بخش‌های اقتصادی کانادا توان این را ندارد که در زمان ترکیدن حباب مسکن بتواند اقتصاد فروریخته را به ساحل امن برساند. به عقیده‌ی وی، حتی بازگشایی مشاغل و کسب‌وکارها هم نخواهد توانست شدت صدمات ناشی از حباب مسکن را جبران کند.

با وجود انتشار خبرهای خوب مالی و اقتصادی در تمام رسانه‌های کانادایی، دیوید روزنبرگ معتقد است وضع اقتصاد کانادا آن‌چنان که تصور می‌شود، خوب نیست. به نظر او، اگر دو فاکتور مهم در اقتصاد کانادا (یعنی دولت و مسکن) را از چرخه خارج کنیم، خواهیم دید سایر بخش‌های اقتصادی بیشتر از پیش متحمل ضرر شده‌اند و به آسانی توان کمر راست کردن ندارند.

در این تحلیل مشخص نیست که بانک مرکزی کانادا دقیقاً چه عواملی را متصور است که تا این حد خوش‌بینانه قصد تغییر سیاست‌های کلان مالی را دارد؟ در آخرین گزارش بانک مرکزی، به‌زودی و حتی شاید در سه ماهه‌ی اول سال آتی نرخ بهره مجدداً روند صعودی پیدا کند. در حالی که اقتصاد و بازار منطقه‌ای کانادا به‌سختی شکننده و در حال دست و پا زدن است، اگر کمک‌های دولتی کانادا قطع شوند





## اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلو بندی

سرویس و خدمات  
در کوتاه ترین زمان  
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



**514-487-6262**

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1  
www.aufoshemiran.com



## Panneton & Panneton Moving & Storage

تخفیف ویژه برای  
هموطنان عزیز  
در نظر گرفته  
خواهد شد

### خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین های نظارتی
- ✓ سیستم های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی



☎ **514 939 0099**  
📍 **8660 Jeanne Mance,  
Montreal, QC H2P 2S6**

📧 info@pannetonpanneton.com



## HYDROWISE شرکت هایدر و وایز

### احداث و زیباسازی فضای سبز

- نصب، تعمیر و نگهداری سیستم آبیاری اتوماتیک فضای سبز
- آسفالت ورودی گاراژ و سنگ کاری پیاده روهای حیاط و باغچه
- نصب، تعمیر و نگهداری سیستم نورپردازی فضای سبز
- کاشت چمن
- تنها تامین کننده کود طبیعی چمن (بیویزیست Biofertilizer) در کانادا

**(514) 707 4767**  
INFO@HYDROWISE.CA  
WWW.HYDROWISE.CA

ارزیابی رایگان

## صرافی موندیال ایت

با هم نیرومندتریم



### ارائه خدمات ارزی

- با سه دهه سابقه خالصانه، بی دریغ در خدمت شما هستیم.
- انتقال فوری ارز به ایران و برعکس با تضمین بهترین نرخ روز

قبل از هر تصمیمی با ما مشورت کنید.

**یحیی هاشمی**

**(514) 989 2229**

**بیژن احمدی**

**(514) 937-5192**

## MondialElite Exchange

1855 Saint-Catherine St W, Montreal, H3H 1M4

جامعه

خنده بر هر درد بی درمان دواست؛ خنده آغاز خوش هر ماجراست

دنیای دانش

بازگشت چهار فضاورد از دراگون

جامعه سالم

با میانسالی و بحران‌های آن چه کنیم؟

سلامتی

جنگ تریلیون‌ها باکتری در روده‌های

شما، وزن و رژیم غذایی

## دانش و سلامتی

---

## بازگشت چهار فضانورد از دراگون



کپسول دراگون متعلق به شرکت اسپیس ایکس حامل چهار فضانورد اولین ساعات صبح روز یکشنبه ۲ می با چتر نجات در آب‌های خلیج مکزیک در سواحل پاناماسیتی در ایالت فلوریدا آمریکا فرود آمد. آژانس فضایی آمریکا (ناسا) به طور مستقیم تصاویری از بازگشت دراگون به زمین منتشر کرد. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، ناسا پیشاپیش

در ایالت فلوریدا منتقل خواهند شد و از آنجا برای دیدار با خانواده‌های خود با هواپیما به هیوستون در ایالت تگزاس خواهند رفت. این چهار فضانورد نوامبر گذشته اولین تیمی بودند که شرکت فضایی اسپیس ایکس متعلق به ایلان ماسک آنها را به فضا برد و با این عملیات موفقیت‌آمیز، خود را به عنوان یک شریک انکارناپذیر ناسا معرفی کرد. ناسا اعلام کرد دراگون علاوه بر چهار فضانورد، حامل نمونه‌ها و نتایج تحقیقاتی است که در فضا و در شرایط جاذبه صفر صورت گرفته است. هنوز هم هفت فضانورد دیگر در ایستگاه فضایی بین‌المللی حضور دارند.

در این منطقه قایق‌هایی مستقر کرده بود تا کپسول دراگون و چهار سرنشین آن را که پس از ۱۶۰ روز اقامت در فضا به زمین بازگشته‌اند، از آب‌گرفته و به ساحل منتقل کنند. بازگشت کپسول فضایی شرکت اسپیس ایکس به زمین و فرود آن در آب‌های خلیج مکزیک حدود شش ساعت و نیم طول کشید. این چهار فضانورد نوامبر گذشته با همین کپسول از مرکز فضایی کندی در فلوریدا به فضا رفته بودند. ناسا حال سه فضانورد آمریکایی و یک فضانورد ژاپنی را که سرنشینان دراگون بودند، خوب توصیف کرده است. طبق اعلام ناسا این فضانوردان پس از معاینات پزشکی لازم ابتدا با هلی کوپتر به پنساکولا

## نقش مختل‌کننده‌های هورمون‌های درون ریز در کاهش باروری مردان



محققان در این مطالعه کیفیت اسپرم ۱۰۴۵ سرباز ارتش سوئیس را مورد بررسی قرار دادند

فرانسه در این تحقیق کیفیت اسپرم ۱۰۴۵ نیروی ارتش سوئیس را مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند که در میان این مردان جوان ۱۸ تا ۲۲ ساله آن دسته از افرادی که مادرانشان در دوره بارداری به علل مختلف از جمله فعالیت‌های حرفه‌ای دست کم چهار بار در معرض مختل‌کننده هورمون‌های درون ریز قرار گرفته‌اند، دو برابر بیشتر از دیگران با خطر ضعف یا ناتوانی باروری (از نظر کمیت و کیفیت اسپرم) روبرو می‌شوند. پروفسور ماریز بوشار استاد دانشکده سلامت عمومی دانشگاه مونترال می‌گوید: «این مطالعه معتبر و باکیفیتی است که نتایج آن قابل اعتماد است.»

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، مدت‌هاست که محققان احتمال می‌دادند مختل‌کننده‌های غدد درون ریز یا همان هورمون‌های محیطی (ترکیبات شیمیایی با منشأ طبیعی یا مصنوعی که خواص مشابه هورمون غدد درون ریز را نشان می‌دهند و قادرند فعالیت غدد درون ریز را مختل کنند) می‌توانند برای باروری مردان زیانبار باشند اما نتیجه مطالعه جدید که به تازگی در نشریه پزشکی Human Reproduction منتشر شده است، ارتباط مستقیم و انکارناپذیر آثار این مواد را بر کاهش باروری مردان نشان داده است. محققان موسسه ملی سلامت و تحقیقات پزشکی

به نظر می‌رسد زنانی که پسر حامله هستند اگر در دوران بارداری در معرض مختل‌کننده‌های غدد درون ریز قرار گیرند، ممکن است این اتفاق بیست سال بعد آثار منفی بر میزان باروری پسران آن‌ها داشته باشد. این نتیجه گسترده‌ترین مطالعه‌ای است که تا کنون در این زمینه صورت گرفته است.

## یک پژوهش: افزایش شدید خطر سکته مغزی و پره اکلامپسی در زمان بارداری



پره اکلامپسی که با افزایش فشار خون در دوران بارداری همراه است، عوارض جینی به دنبال دارد و یکی از علل مهم مرگ و میر مادران باردار محسوب می‌شود.

محققان پزشکی آمریکا این خطر را به شکل جدی‌تر و روشن‌تری نمایان ساخته است. از هر ۲۵ بارداری در آمریکا یک مورد با پره اکلامپسی همراه می‌شود. این مشکل وقتی ایجاد می‌شود که یک زن که فشار خون طبیعی داشته است، از هفته بیستم بارداری به بعد مشکل فشار خون پیدا می‌کند. این عارضه در صورت عدم درمان می‌تواند سلامت مادر و کودک را به طور جدی به خطر اندازد. محققان آمریکایی در مطالعه جدید خود در این باره دریافتند که پس از عوامل خطرناک سنتی مثل مصرف دخانیات، کم تحرکی یا اضافه وزن، پره اکلامپسی یک عامل خطرناک برای سکته مغزی محسوب می‌شود.

دیگران در معرض خطر سکته مغزی قرار گیرند. این نتیجه مطالعه گسترده جدیدی است که محققان پزشکی آمریکا از سال ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۶ بر روی ۱۴۳۵ شرکت‌کننده زن انجام داده‌اند. سلامت شرکت‌کنندگان در این تحقیق هر دو سال یک بار ارزیابی شده است. دکتر لین لودوک از مرکز بیمارستانی دانشگاه سنت-ژوستین می‌گوید پره اکلامپسی در واقع از نشانه‌های یک بیماری عروقی است که در درازمدت ایجاد می‌شود. از حدود ده سال پیش پزشکان دریافته‌اند زنانی که به پره اکلامپسی دچار هستند، بیشتر از دیگران در معرض خطر بیماری‌های عروقی قرار می‌گیرند اما مطالعه جدید

پره اکلامپسی در دوران بارداری خطر سکته مغزی مادران را در آینده ۴ برابر می‌کند. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، یک مطالعه جدید نشان می‌دهد زنانی که در دوران بارداری از پره اکلامپسی رنج می‌برند، ممکن است در آینده چهار برابر بیشتر از



## چرخش ستاره‌های پیر سریعتر از تخمین‌های قبلی است

شاخه علمی نسبتاً جدید به دانشمندان این امکان را می‌دهد که نوسانات ناشی از امواج صوتی محبوس شده در داخل ستاره را اندازه‌گیری کنند. دانشمندان با اندازه‌گیری ویژگی‌های این امواج می‌توانند ویژگی‌های مختلف ستاره‌ها مانند اندازه یا سن آن‌ها را کشف کنند. دانشمندان نوسانات ناشی از امواج صوتی محبوس شده در ۹۲ ستاره در سنین مختلف را برای پی بردن به سرعت چرخش آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. آقای اولیور جی. هال تاکید کرده‌اند پیش از این نیز می‌دانستیم که ستاره‌های کهن سریع‌تر از آن چه در نظریه‌های ترمز مغناطیسی پیش‌بینی شده است به دور خود می‌چرخند. با این حال داده‌های حاصل از مطالعات اخترلرزه‌شناسی با وضوح بیشتری به این واقعیت صحنه گذاشت.

شده است، به دور خود می‌چرخند. محققان بین‌المللی با تلفیق روش‌های اخترلرزه‌شناسی و اطلاعاتی که از مشاهدات تلسکوپ فضایی کپلر جمع‌آوری شده است، به این نتیجه رسیده‌اند. به گزارش هفته، به‌نقل از رادیو کانادا، کلیه ستاره‌ها درست همانند خورشید از آغاز تولد چرخش به دور خود را آغاز می‌کنند اما به تدریج که عمر این ستاره‌ها افزایش می‌یابد، سرعت چرخش آن‌ها به دور خودشان تحت تاثیر بادهای مغناطیسی که از آن به عنوان فرایند مهار مغناطیسی یاد می‌شود، کندتر می‌شود. اولیور جی. هال ستاره‌شناس و و همکارانش برای محاسبه دقیق‌تر چرخش ستاره‌های کهنسال از روش متفاوت و جدیدی به نام اخترلرزه‌شناسی استفاده کردند. این



ستارگانی که در مراحل تکاملی شبیه خورشید قرار دارند یا ستارگان سالخورده‌تر، سریع‌تر از آن چه در نظریه‌های مهار مغناطیسی پیش‌بینی شده بود، به دور خود می‌چرخند.

ستاره‌های کهن سریع‌تر از آن چه تخمین زده می‌شد، به دور خود می‌چرخند یافته‌های جدید یک تیم تحقیقاتی بین‌المللی تحت هدایت دانشمندان دانشگاه بیرمنگام انگلیس نشان می‌دهد که ستاره‌ها به مرور زمان که پیرتر می‌شوند، سریع‌تر از آن چه در نظریه مهار مغناطیسی پیش‌بینی

## ۱۰ درصد زنان سقط بی‌دلیل را تجربه می‌کنند

خودی مکرر کمتر اتفاق می‌افتد و تنها ۱.۹ درصد زنان دو بار و ۰.۷ درصد زنان سه بار این پدیده را تجربه کرده‌اند. محققان می‌گویند زنانی که سقط جنین خود به خودی را تجربه کرده‌اند، باید از برخی حمایت‌های حداقلی مثل مشاوره‌های روانشناسانه و توصیه‌های تخصصی لازم برای بارداری‌های بعدی برخوردار شوند. این مراقبت‌ها برای زنانی که چندین بار سقط را تجربه کرده‌اند، باید تقویت شود. در این اواخر کریسی تیگن که یک مدل است و مگان مارکل همسر پرنس هری نیز از سقط جنین خود خبر دادند. انجمن‌های حامی حقوق زنان می‌گویند انتشار این خبرها در شکستن تابوهایی که در این زمینه وجود دارد، موثر بوده است.

جدیدی که گزارش آن در نشریه The Lancet منتشر شد، سقط خود به خودی در حال افزایش است و یک دهم زنان چنین پدیده‌ای را تجربه می‌کنند. این پدیده تا مدت‌ها چندان مهم تلقی نمی‌شد و به زنانی که این اتفاق را تجربه می‌کردند به راحتی گفته می‌شد که «یک بار دیگر امتحان کنید». اما اکنون محققان می‌گویند این پدیده باید از جنبه‌های مختلف به ویژه روانشناسی مورد توجه قرار گیرد. طبق تحقیقات جدیدی که در این زمینه صورت گرفته است ۲۳ میلیون سقط خود به خودی هر سال در جهان اتفاق می‌افتد که ۱۵ درصد کل حاملگی‌ها را شامل می‌شود. به عبارت دیگر هر دقیقه ۴۴ جنین در جهان به این شکل از بین می‌رود. همین تحقیق حاکی از آن است که سقط‌های خود به



محققان می‌گویند ۱۰.۸ درصد زنان دست‌کم یک بار سقط خود به خودی داشته‌اند.

سقط خود به خودی، پدیده‌ای فزاینده است که غالباً کم اهمیت شمرده می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از هر ۱۰ زن دست‌کم یک نفر سقط خود به خودی (از دست رفتن طبیعی محصول لقاح طی سه ماهه اول بارداری) را تجربه می‌کند. به گزارش هفته، به‌نقل از رادیو کانادا، طبق تحقیقاتی

## نتایج امیدوارکننده یک داروی جدید آلزایمر

دکتر کوئرو در سال‌های ۱۹۹۰ در کشف وجود فرایند پاکسازی سلولی که از آن به عنوان «توفازی یا خودخواری با واسطه چپرون» AMC یاد می‌شود، مشارکت داشت و از آن زمان تا کنون بیش از ۲۰۰ مقاله درباره نقش این سازوکار در سلامت مغز منتشر کرده است. تیم محققان تحت سرپرستی کوئرو برای اطمینان از این که AMC به ایجاد آلزایمر منجر می‌شود، با ایجاد تغییراتی ژنتیکی در موش‌ها نورون‌های مغزی بدون AMC در آن‌ها ایجاد کردند و به سرعت دریافته‌اند که نبود این سازوکار به سرعت موجب از بین رفتن حافظه کوتاه مدت می‌شود. به گفته دکتر کوئرو این پدیده در انسان نیز اتفاق می‌افتد و با رسیدن سن به ۷۰ یا ۸۰ سال، فعالیت AMC تقریباً ۳۰ درصد کاهش می‌یابد.

بازیافت می‌کند اما این سازوکار با افزایش سن تضعیف و در نهایت متوقف می‌شود. به گزارش هفته، به‌نقل از رادیو کانادا، کارهایی که در رابطه با این زوال شناختی روی موش‌ها انجام شده، تا کنون عملاً بر روی انسان صورت نگرفته است با این حال آنا ماریا کوئرو Ana Maria Cuervo زیست‌شناس سلولی و همکارانش در این مورد با اطمینان صحبت می‌کنند. دکتر ماریا کوئرو در بیانیه‌ای که توسط دانشکده پزشکی آلبرت انشتین منتشر شد، تاکید کرد تضعیف سازوکار پاکسازی سلولی که به ایجاد بیماری آلزایمر در موش‌ها کمک می‌کند، در افراد مبتلا به این بیماری شناختی نیز اتفاق می‌افتد. این واقعیت نشان می‌دهد که داروی تجربی ما می‌تواند بر روی انسان نیز تاثیرگذار باشد.



نتایج این داروی تجربی امیدوارکننده است هر چند هنوز روی انسان آزمایش نشده است

محققان دانشکده پزشکی آلبرت انشتین دانشگاه ییشیوا آمریکا اعلام کردند استفاده از یک داروی تجربی بر روی موش‌ها عوارض بیماری آلزایمر را در این جوندگان کاهش داده است. عملکرد این داروی تجربی بر محوریت احیای سازوکار پاکسازی سلولی استوار شده است. سازوکار پاکسازی سلولی پروتئین‌های نامطلوب مغز را هضم و

# با میانسالی و بحران‌های آن چه کنیم؟



در عادت‌ها، نوسانات خلق، تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده، مشکل در روابط زناشویی و خانوادگی، افسردگی‌های شدید، افزایش مصرف الکل و مواد مخدر، استفاده از مسکن‌ها و داروهای آرام‌بخش، اختلال خواب یا تغییرات در سبک زندگی همراه باشد.

کمک کنند. این امر به آموزش سواد سلامت نیاز دارد؛ به این منظور که مردم باید نسبت به عوامل خطر آگاه شوند و این که چگونه از خود مراقبت کنند، چه غذاهایی مصرف کنند، چه ورزش‌هایی انجام دهند و چطور توانایی و ظرفیت جسمی و روحی - روانی خود را افزایش دهند.

## هفت استراتژی مقابله با بحران میانسالی

(۱) آگاهی و پذیرش بحران: فرد ابتدا باید وجود این بحران را بپذیرد. آگاهی و پذیرش در مورد طبیعی بودن این دوران و تغییراتی که در فرد اتفاق می‌افتد، می‌تواند به او کمک کند راهی برای مدیریت کردن بحران‌ها در این دوره بیابد.

(۲) شناخت، بررسی و درمان مشکلات جسمی و روحی خود: در نظر داشته باشید که بیماری‌های مختلف جسمی نظیر کم‌خونی، کمبود ویتامین‌ها، اختلال در کارکرد تیروئید و غیره و نیز مشکلات روحی از جمله اضطراب‌ها، اختلالات خلقی (مثل افسردگی و انواع وسواس‌ها) چنانچه در ما بررسی و درمان نشوند، می‌تواند در روند زندگی اختلال ایجاد کرده و تاثیر بسزایی بگذارد. هر گاه احساس کردید که دچار این مشکلات هستید، بلافاصله برای درمان آن اقدام کنید.

(۳) فکر کردن قبل از ایجاد هر تغییر اساسی: قبل از ترک شغل، جدایی از همسر و دیگر تصمیمات ناگهانی، خوب فکر کرده و با دیگران مشورت کنید. گاهی اوقات، دیدگاه یک شخص دیگر می‌تواند کمک‌دهنده باشد.

(۴) ایجاد اهداف جدید: تغییر برنامه‌های روتین قبلی و ایجاد اهداف جدید می‌تواند در این دوران بسیار مفید باشد. تغییرات مثبتی همچون فعالیت‌های جدید، ایجاد شغل جدید یا حتی ازدواج مجدد در صورت تنهایی می‌تواند مثمرتر باشد. درباره‌ی اهداف شخصی جدیدتان با همسر و نزدیکانتان صحبت کنید و با در نظر گرفتن توانمندی‌ها و ناتوانی‌ها و واقعیت زندگی فعلی خود، گام‌های جدید را بردارید.

(۵) شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه و خیرخواهانه: داوطلب شدن در فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند چشم‌انداز جدیدی برای حل کردن مشکلات ناشی از بحران میانسالی باشد. (۶) رژیم غذایی مناسب و ورزش: ورزش‌هایی مثل یوگا، شنا و پیاده‌روی در ایجاد آرامش افراد میانسال بسیار تاثیرگذار است. رعایت رژیم غذایی و مصرف مواد غذایی سبک و ارگانیک برای سلامت جسمی سالمندان از موارد مهم و اساسی به‌شمار می‌رود.

(۷) کمک گرفتن از مشاور و روانشناس: کمک گرفتن از مشاور و روانشناس برای شناخت و تغییر این بحران می‌تواند بسیار مفید باشد. درمان می‌تواند شامل دارو درمانی، روان‌درمانی و آموزش مهارت‌های زندگی باشد.

## بحران میانسالی چیست؟

«بحران میانسالی» به طیف گسترده‌ای از کشمکش‌های روحی - روانی که افراد میانسال ممکن است با آن روبه‌رو شوند، اطلاق می‌شود. این بحران به رفتارهای ناسازگارانه‌ای گفته می‌شود که اغلب به دنبال اتفاق نامنتظره‌ای در زندگی همانند ازدواج بچه‌ها و تنها شدن، مرگ همسر، مرگ پدر یا مادر، بازنشستگی و یا از دست دادن شغل و یا بیماری جدی پدید می‌آید.

بحران میانسالی هم در مردان و هم در زنان اتفاق می‌افتد، اما نوع این بحران در آنها متفاوت است. مردان مستقیماً بر دستاوردهایشان در این سال‌ها تمرکز می‌کنند و تمایل دارند موفقیت‌هایشان را به اطرافیان ثابت کنند، اما زنان تمایل دارند ظاهر فیزیکی و جذابیت‌های ظاهری خود را حفظ کنند. از آنجا که بسیاری از میانسالان در این دوره دیگر به عنوان والدین وظایف چندانی ندارند، مایل هستند کارهایی انجام دهند که در گذشته به دلیل وجود فرزندان از انجامشان چشم‌پوشی کرده بودند.

## بحران میانسالی در افراد مختلف

افرادى که عمرشان را صرف اهداف و آرزوهایشان کرده‌اند، کمتر از سایرین به بحران میانسالی دچار می‌شوند. اما دسته‌ی دیگر ناگهان متوجه می‌شوند که شناسن بالا رفته، زمان گذشته است و هنوز آن‌طور که می‌خواستند و آرزو داشتند زندگی نکرده‌اند. این موضوع می‌تواند برای آنها ناراحتی، ناامیدی و پشیمانی زیادی به بار بیاورد.

ورود به این دوران برای بسیاری از افراد با احساساتی متضاد همراه است. در واقع این سن هم می‌تواند طلایی‌ترین سن و با پیشرفت و آرامش همراه باشد و هم با ناامیدی و یاس آمیخته شود. با فرا رسیدن میانسالی، انسان‌ها محدود بودن زندگی را به‌طور واقع‌بینانه‌تری لمس می‌کنند و کم‌کم به این می‌اندیشند که برخی آرزوهای زندگی‌شان را به دست نیاورده و روزه‌روز احتمال دسترسی به آمل و آرزوهای گذشته‌شان همچون رسیدن به ثروتی بزرگ، ایجاد روابط هیجان‌انگیز و دست زدن به ماجراجویی‌های عجیب و غریب کم‌رنگ‌تر می‌شود.

## نشانه‌ها و علائم بحران میانسالی

علائم و نشانه‌های بحران میانسالی ممکن است اندک و یا شدید باشد و با تغییر یا رها کردن کار، تغییرات شدید

میانسالی دوره‌ای از زندگی است که بعد از جوانی و قبل از سالمندی اتفاق می‌افتد. این دوران، مقطعی اجتناب‌ناپذیر در زندگی هر فرد است که متضمن ارزش‌گذاری، احترام و تکریم اجتماعی است. مساله‌ی سالمندی در دهه‌های اخیر به دلیل جمعیت نسبتاً زیاد این گروه سنی و لزوم بهداشت روانی و جسمانی آنها به شدت مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که سال ۱۹۹۹ را به عنوان «سال جهانی سالمندان» نامگذاری کردند.

## تعریف میانسالی و بحران میانسالی

بر اساس تعاریف گذشته، این دوره معمولاً در حدود سنین ۴۰ تا ۶۰ سالگی رخ می‌داد، ولی با تعریف و دسته‌بندی جدید سازمان بهداشت جهانی، متوسط سن در این دوره با توجه به تغییر در نقش اجتماعی، قابلیت‌ها، توانایی‌ها و ناتوانی‌های افراد، بالاتر رفته و حدود ۶۵ تا ۸۰ سالگی را دوران میانسالی نامگذاری کرده‌اند.

در گذشته و برخی از فرهنگ‌ها، سالمندان به مرور از زندگی اجتماعی کناره‌گیری کرده و جامعه نیز نقش آنها را کم‌رنگ می‌کرد، ولی به مرور و به خصوص در دهه‌های اخیر، به دلیل افزایش توانمندی افراد سالمند و تغییر نقش آنها، بالا رفتن سن امید به زندگی و نیز تغییر در تقسیم‌بندی سنی از نظر سازمان بهداشت جهانی، میانسالی از مهم‌ترین مراحل رشد شناخته شده و این گروه سنی، نقش پررنگ‌تر و موثرتری در جامعه به خود گرفته‌اند.

تغییرات بسیار اندک در سبک زندگی این گروه سنی که هزینه‌ی زیادی هم ندارد، باعث می‌شود سلامت افراد در این مرحله افزایش پیدا کرده و نسبت به رفتارهایشان آگاهی پیدا کرده و تغییرات جدی را در شیوه‌ی زندگی خود ایجاد کنند. بیماری‌های جسمی، روحی، استرس‌ها، حوادث شغلی و مسائل دیگری که در این سنین موجب مرگ‌ومیر افراد می‌شوند، باید جدی گرفته شوند.

## اهمیت خودمراقبتی در پیوند با بحران میانسالی

خودمراقبتی یک مساله‌ی مهم در نظام سلامت تمامی کشورهای دنیا محسوب می‌شود؛ به طوری که مردم بدانند هیچ‌کس بیشتر از خودشان نمی‌تواند سلامت آنها را تامین کند و خود افراد در وهله‌ی اول باید به ارتقای سلامت خود

# جنگ تریلیون‌ها باکتری در روده‌های شما، وزن و رژیم غذایی



معلوم شده است افرادی که در بازدم آنها مقدار بیشتری از گازهای متان و هیدروژن وجود دارد مستعد داشتن توده بدنی و چربی بیشتر در بدن خود هستند. بر همین اساس دانشمندان به نتیجه رسیده‌اند که جذب بیشتر کالری از غذا که به افزایش وزن منتهی می‌شود ممکن است در نتیجه غلبه بعضی از باکتری‌های روده بر گروه دیگری از آنها صورت بگیرد.

به نظر می‌رسد با دانستن این نکته که رژیم غذایی و سبک زندگی - چه به صورت انتخابی یا الزامی - چه تاثیری بر ترکیب باکتری‌های مجرای گوارش انسان دارد راه تازه‌ای را پیش روی پزشکان خواهد گشود تا با توصیه‌های تغذیه‌ای و تغییر در آرایش میکروبی‌های روده‌ای به درمان چاقی و بیماری‌های دیگر بپردازند. خوشبختانه درباره اصول تغذیه و سبک زندگی سالم اطلاعات کافی در دسترس عموم قرار دارد. و در مورد رژیم غذایی همه می‌دانند که باید غذای کامل، خالص و تازه بخورند و از مصرف قند، غذاهای پاستوریزه و فرآوری شده، و از نظر ژنتیکی دستکاری شده احتراز کنند. به علاوه مقداری از غذاهای تخمیر شده خانگی را به غذای روزانه خود بیفزایند.

## غذاهای زندگی بخش

برخلاف تاثیرات سمی قند و غذاهای فرآوری شده بر روی سلامتی، غذاهای تخمیر شده به رشد و گسترش باکتری‌های مفید در مجرای گوارشی انسان کمک می‌کنند. انسانها از دیرباز برای حفظ سلامتی روده‌های خود از غذاهای تخمیر شده استفاده کرده‌اند. وجود عناصر پاک کننده در غذاهای تخمیر شده باعث می‌شود که سموم مختلف از جمله فلزات سنگین از بدن خارج شود. از این جهت مصرف سبزیجات تخمیر شده مانند کلم ترش و خیارشور و لبنیات تخمیری مانند ماست و کفیر که از شیر خام بدست آمده باشد به‌طور روزانه توصیه می‌شود. باید توجه کرد که غذاهای تخمیر شده خانگی با محصولات مشابه پاستوریزه و فرآوری شده صنعتی یکی نیست. محصولات صنعتی فاقد عناصر زنده هستند و از این جهت تاثیری در تنوع و تکثیر باکتری‌ها ندارند.

به مراتب بیشتر از افراد لاغر است درحالی‌که در افراد لاغر زنجیره دیگری به نام باکترئوئیدها گسترده‌تر است. به نظر می‌رسد که فیرمیکوت‌ها در تبدیل کالری‌های ناشی از قندهای پیچیده به چربی بهتر عمل می‌کنند. و در مقابل، وقتی افراد دارای اضافه وزن شروع به لاغر شدن می‌کنند، تعداد باکتری‌های باکروئیدت بر تعداد باکتری‌های فیرمیکوت پیشی می‌گیرد.

## باکتری‌ها بر روی تمایلات غذایی و افزایش وزن تاثیر می‌گذارند

بر اساس یک مطالعه بسیار جدید، وجود زنجیره‌ای از باکتری‌های مفید بنام لاکتوباسیلوس رامنوسوس در زنانی که رژیم لاغری دارند به کاهش وزن آنها کمک می‌کند. در ۱۲ هفته اول این مطالعه، زنانی که مکمل لاکتوباسیلوس رامنوسوس مصرف می‌کردند بیشتر از زنانی که تنها رژیم غذایی را رعایت می‌کردند وزن کم کردند. و در ۱۲ هفته دوم که محدودیت غذایی برداشته شد، کاهش وزن گروهی که لاکتوباسیلوس رامنوسوس مصرف می‌کردند ادامه یافت، درحالی‌که گروه دیگر وزن از دست رفته را دوباره به‌دست آوردند. این جدیدترین مطالعه‌ای است که نشان می‌دهد هر تغییر در تعادل بین باکتری‌های مفید و غیرمفید مجرای گوارشی در حد قابل توجهی بر روی متابولیسم تاثیر می‌گذارد، و از این جهت لازم است که در برنامه‌های طولانی مدت کاهش وزن در نظر گرفته شود.

بر اساس یک نظریه، ترکیب باکتری‌ها در روده انسان را غذاهای مورد علاقه فرد تعیین می‌کند، اما یک مطالعه جدید شواهدی را نشان داده است که باکتری‌ها بر اساس نیازی که برای ادامه حیات خود دارند بر روی تمایلات غذایی افراد تاثیر می‌گذارند. برای مثال، میکروبی‌هایی که متکی به قند هستند پیامی به مغز ارسال می‌کنند که فرد را به خوردن قند بیشتر وادار کند. مطالعات دیگر نشان داده است که بعضی از باکتری‌ها با ایجاد درجاتی از التهاب مزمن باعث ایجاد مقاومت انسولین و افزایش وزن می‌شوند. با مطالعه دیگری که بر روی تنفس افراد انجام شده،

مجرای گوارشی انسان زیستگاه یکصد تریلیون باکتری است که بین یک تا دو کیلو از وزن او را تشکیل می‌دهند و تعداد آنها به ده برابر سلول‌های بدن می‌رسد. آنها بخشی از سیستم ایمنی هستند و هر گروه از آنها در یکی از زمینه‌های سلامتی نقش ایفا می‌کنند. برای مثال، باکتری‌های مفید روده که با نام پروبیوتیک از آنها یاد می‌شود واکنش‌های ایمنی را تنظیم می‌کنند، التهاب را کاهش می‌دهند، در تولید ویتامین، جذب مواد معدنی و دفع مواد سمی به شما کمک می‌کنند، بروز آسم و انواع آلرژی‌ها را کنترل می‌کنند، در سلامتی روحی و خلق و خوی شما تاثیر دارند و کاهش وزن را سرعت می‌بخشند.

باکتری‌های مفید برای دریافت غذای بیشتر و تصاحب سطح بزرگتری از روده بزرگ با باکتری‌های بد و بیماری‌زا رقابت می‌کنند و از این جهت سد راه رشد آنها می‌شوند. این موضوع حائز اهمیت است، چون در صورتی که باکتری‌های غیرمفید و بیماری‌زا بر باکتری‌های مفید غالب شوند سلامتی شما را تخریب کرده و بر روی وزن شما هم تاثیر می‌گذارند.

مصرف غذاهای فرآوری شده، پاستوریزه و استریل تعادل لازم بین باکتری‌های مفید و غیرمفید روده را از میان می‌برد. عواملی مانند محل زندگی، سن، سطح استرس و مشکلات سلامتی هم بر روی باکتری‌های روده تاثیر می‌گذارند، به علاوه قند و غذاهای فرآوری شده به رشد هرچه بیشتر باکتری‌ها و قارچ‌های بیماری‌زا کمک می‌کنند. به‌طور مثال، خستگی، افسردگی، تحریک‌پذیری، سردرد، عدم تمرکز، ضعف عضلانی، عفونت‌های مکرر در ناحیه واژن و مجرای ادرار، بیماری‌های قارچی در ناحیه پا، سوزش دائمی معده، سوء هاضمه، یبوست، ورم مفاصل، گرفتگی بینی و گلودرد از عوارض رشد نوعی قارچ به نام کاندیدا هستند.

دانشمندان متوجه شده‌اند که باکتری‌های روده افراد چاق با افرادی که وزن متعادل دارند فرق دارد. تعداد یک زنجیره باکتریایی به نام فیرمیکوت‌ها در افراد چاق





**Farzam Andalib**

**Home Inspector**

**Tel: (438) 494-5580**

**مهندس فرزام عندلیب**

**« بازرس فنی ساختمان »**

\* عضو انجمن بازرسان حرفه‌ای ذیصلاح کبک (AIICQ)

**خرید خانه شاید مهم‌ترین سرمایه‌گذاری زندگی شما باشد پس ارزش آن را دارد که قبل از خرید مورد بهترین بازرسی قرار گیرد**

InterNACHI Certified Professional Inspector (CPI)  
InterNACHI Quebec membership number # 19111203  
Email: uniqueinspectioninc@gmail.com

**استاد شیدا قره‌چه‌داغی**  
**اهنگساز پیانیست**

چند شاگرد پیشرفته پیانو می‌پذیرد  
جهت آماده شدن برای امتحان‌های  
دانشکده‌ها یا مدارس عالی  
موسیقی و کنسرت



**514 484 8748**  
**sheida.g@hotmail.com**

**صابر جلیل زاده**

**آموزش سنتور**

ابتدایی  
مقدماتی  
ردیف



**saberjalilzadeh@yahoo.ca**    **514-549-4697**

آریانا

مسحور جمال استاد ادبیات و هنرمندی خوش آواز

آریانا

معرفی مادران قهرمان افغانستان

آریانا

مادر بودن در سایه پاندمی

آریانا؛ داستان

داستان کوتاه: سعاد، سجده  
و سوال

# آریانا

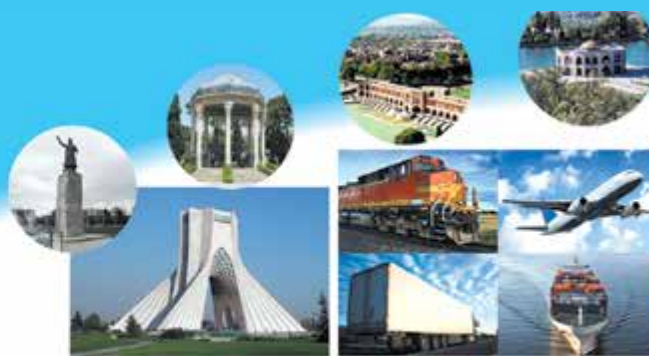
**LOADEX TRANSPORT INC.**  
**شرکت حمل و نقل بین‌المللی**

خدمات حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی  
ایران، سراسر کانادا، آمریکا و سایر نقاط جهان  
سرویس کامل حمل برای واردات و صادرات کالاها  
نرخهای ویژه برای اضافه بار هوایی مسافران

www.loadextranport.com | info@loadextranport.com

Tel: 514-234-3399

Fax: 514-685-3168



سرویس هوایی به شیراز، تبریز، تهران، اصفهان، کرمانشاه و مشهد



## مسحور جمال، استاد ادبیات و هنرمندی خوش آواز

خموش باد رنگ‌های جنگ‌ها  
میاد زنده امتیاز رنگ‌ها  
یکی شوید برادران و خواهران  
برادران و خواهران یکی شود

در سال ۱۳۵۵ خورشیدی صنف دوازدهم لیسه عالی حبیبیه بودم و بیاد دارم که؛ مرحوم استاد مسحور جمال مضمون ادبیات و منطق را به ما تدریس می‌نمود. شخصیت آرام، با وقار داشت. با شاگردان بسیار دوستانه و مهربانانه برخورد می‌کرد. هیچ‌گاه در صنف از هنرش صحبت نمی‌کرد.

منبع: گزیده از مجله فانوس نوشته مختار وفايي و از محفلي سالگرد مرحوم مسحور جمال در آلمان.

عشق پاک این میهن همچو خون به رگ‌هایم  
خار زار خاک من گلشن تمنایم  
توده‌های این کشور چون برادر و خواهر  
هستی آفرین هستن در نگاهی معنایم  
عشق پاک این میهن همچو خون به رگ‌هایم  
خار زار خاک من گلشن تمنایم  
من به میهنم عاشق خوش به عشق خود صادق  
بهر عشق این کشور این همه خوش آوایم  
عشق پاک این میهن همچو خون به رگ‌هایم  
خار زار خاک من گلشن تمنایم  
تا که عشق مردان شد چلچراغ راهی من  
روشن است امروزم گلشن است فردایم  
عشق پاک این میهن همچو خون به رگ‌هایم  
خار زار خاک من گلشن تمنایم

از جمله آهنگ‌های حماسی و میهنی مرحومی شعر دو آهنگ او را برگزیده و تقدیم شما عزیزان گردید. روحش شاد و یادش جاویدانه باد.

استاد به ارتباط معلم بودنم در لیسه‌ی حبیبیه باشد، باکی ندارد، اما از نگاه موسیقی، من هنوز این لقب را شایسته‌ی خود نمی‌دانم) به هر حال امروز نام مسحور جمال با لقب استاد پیوند خورده است و اجازه دهند که در این محفل بزرگداشت از شخصیت هنری‌شان این واژه را به هر دو معنا کار بگیریم. مسحور جمال به وسیله‌ی ترانه‌های ماندگار و کارنامه‌ی پرپرگ و بار هنری‌اش در قلب همه جا و ریشه دارد». او نه تنها به عنوان یک آوازخوان، کمپوزیتور و آهنگساز بیش از نیم قرن حیات پربار خود را وقف خدمت به هنر موسیقی کشور کرده، بلکه هنرمندی بود متعهد، آگاه، با درک و با احساس. مشعل هنر را با یادآوری‌های چینی از پیشگامان این عرصه‌ی فروزان و جاویدانه نگهداریم. داکتر آربین بیاد مسحور جمال می‌گوید: «بدون شک از برجسته‌ترین فرهنگیان و فرزانه‌ترین استادان ادبیات و هنر در افغانستان است. عشق و نبرد، ترسیم دورنمای روشن، تلاش به سوی زنده‌گی نوین، میهن‌پرستی، انسان‌دوستی، همبستگی اجتماعی، راه‌هایی از درد و رنج و... ماهیت و مضمون سروده‌های ناب و بی‌بدیل او را تشکیل می‌دهد.»

درین وطن درین زمین و آسمان  
درین دیار مرد خیز باستان  
درین فضا درین بهشت جاودان  
درین زمان به جستجوی کاروان  
به جستجوی کاروان زنده‌گی  
به سوی اوج بیکران زنده‌گی  
به اتفاق و باهمی و یکدلی  
روانهایم و می‌رویم و می‌رسیم  
شعار ما برادری و باهمی  
سعادت و نوای صلح دایمی  
کلام ما اتحاد و یکدلی  
برای کافه ملت برابر

درین وطن درین زمین و آسمان  
درین دیار مرد خیز باستان

در شهر کابل فرزندان بسیاری چشم به دنیا گشوده و در جامعه‌ی فرهنگی و مدنی نقش‌آفرینی کرده‌اند. یکی از همین فرزندان نقش‌آفرین کابل جلیل احمد مسحور جمال است. مسحور جمال علاوه بر این که استاد زبان و ادبیات دری بود، هنرمند خوش‌صدا و با استعداد نیز بود. مسحور جمال، یکی از خوش‌آوازترین هنرمندان افغانستان در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در شهر کابل تولد شده است. از دوران کودکی رو به موسیقی آورد. با استفاده از ترانه‌های استاد غلام‌حسین، آوازخوانی می‌کرد. تحصیلات عالی خود را در رشته‌ی زبان و ادبیات دری در دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه کابل به پایان رساند و به عنوان معلم زبان دری در لیسه‌ی حبیبیه شروع به کار کرد. در آنجا، با هنرمندان دیگر از جمله احمد ظاهر گروه هنری این لیسه را تشکیل داد. اولین آهنگش «وفا می‌کنی یا جفا می‌کنی، رضای تو به ما می‌کنی» بود که در سال ۱۳۴۲ از رادیو افغانستان پخش شد. اما آهنگی که بیشتر این هنرمند را سر زبان‌ها آورد آهنگ «درین وطن درین زمین و آسمان درین دیار به جستجوی باستان...» بود.

مسحور جمال آهنگ‌ساز شمار زیادی آواز خوانان معروف افغانستان است. در سال ۱۳۶۷ لقب «کارمند شایسته‌ی فرهنگ» افغانستان را به دست آورد. در کشور هالند مهاجر شده بود، در ماه سنبله‌ی سال ۱۳۹۳ خورشیدی چشم از جهان بست. پنجاه سال عمرش با هنر موسیقی سپری شد. هنرمند حماسه‌سرا و بانی موسیقی حماسی بود. در محفلی که به مناسبت زاد روز مسحور جمال در آلمان برگزار شده بود گرداننده‌ی برنامه درباره مسحور جمال چنین گفت: «دوستان گرامی، محترم مسحور جمال با واژه‌ی استاد محتاطانه برخورد می‌نماید، از او بارها با شکسته‌نفسی شنیده شده است: (هرگاه این واژه



# معرفی مادران قهرمان افغانستان

شد، با گرفتن مدرک لیسانس می‌توانست افسر شود، بعدها به مطالعات پیشرفته در یک آکادمی نظامی در شوروی سابق ادامه داد. در طی جنگ شوروی در افغانستان به او اجازه‌ی جنگ داده نشد، بنابراین به عنوان مربی سربازان شد و به آن‌ها چتربازی و عملیات کوماندویی را آموزش می‌داد.

جنرال خاتول در سال ۱۹۹۰ با یکی از همکارانش ازدواج کرده و صاحب یک پسر شد. شوهرش در سال ۱۹۹۱ کشته شد.

پس از سقوط دولت در سال ۱۹۹۲ وی در دولت اسلامی افغانستان در طول جنگ‌های کابل به عنوان مسئول آموزش زنان در شاخه‌های دفاع هوایی ارتش خدمت کرد.

بعد از اینکه در سال ۱۹۹۶ طالبان قدرت را در کشور در دست گرفت، او مجبور به خروج از ارتش شد و به علت بیوه بودن محدود به ماندن در خانه شد.

او به کارهای عجیبی مثل خیاطی پرداخته و مدرسه مخفیانه‌ای برای دخترها تأسیس کرد تا هم برای مردمش خدمت کند و هم برای زنده‌گی خود و فرزندش چیزی داشته باشد.



## سارا بهاوی

سارا بهاوی مادر دو فرزند یتیم است و مسئولیت نفقه‌ی دو طفل و برادر معتادش را به‌دوش دارد. او ۴۵ سال عمر دارد و خود را نخستین تکسی‌ران زن در افغانستان می‌خواند.

او همچنان معلم مکتب استاد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است و از این که معاش معلمی‌اش برای زنده‌گی کافی نیست، در پهلوی معلمی به تکسی‌رانی هم می‌پردازد.

سارا بهاوی می‌گوید: برای مبارزه با فقر و کسب روزی حلال به تاکسی‌رانی روی آورده است. گفته می‌شود در افغانستان شماری زیاد خانم‌ها هنگام رانندگی مورد اذیت قرار می‌گیرند، اما خانم بهاوی بر همه‌ی این مشکلات فایز آمده و برای معیشت اولادهايش کار و زحمت می‌کشد.

## فتانه نجیب

فتانه نجیب یکی دیگر از مادران فداکار افغانستان است.

او در سال ۱۹۵۳ در ولایت بغلان، افغانستان تولد شد.

خانم فتانه نجیب محقق و دارای مدرک دوکتورای زبان و ادبیات فارسی است.

وی در دهم سنبله‌ی ۱۳۵۳ با دکتر نجیب‌الله رییس‌جمهور اسبق افغانستان ازدواج کرد و سه دختر به نام‌های هیله، اونی و مسکا دارد. خانم نجیب از سال ۱۹۸۷ تا سال ۱۹۹۲ بانوی اول افغانستان بود.

خود او می‌گوید که در عرصه‌های سیاسی نقشی بازی نکرده اما به عنوان یک فعال اجتماعی ۱۸ سال آموزش‌گاری کودکان یتیم و معلول را به عهده داشته است.

او مدتی در یکی از دانشگاه‌های دهلی‌نو استاد بوده و هم‌اکنون در این شهر با سه دخترش زنده‌گی می‌کند. زمانی که داکتر نجیب فوت کرد دخترش موسکا فقط پنج سال داشت و اکنون ۲۹ سال دارد.



## جنرال خاتول

جنرال خاتول محمدزی یکی دیگر از مادرانی است که یگانه پسرش را به تنهایی بزرگ کرد. او در حدود سال ۱۹۶۶ در کابل به دنیا آمد. بعد از فارغ‌التحصیلی از مدرسه راهنمایی در ۱۹۸۳ به عنوان پیاده‌نظام چترباز به ارتش ملحق شد.

وی آموزش‌های سخت را با موفقیت گذراند و داوطلب پیاده‌نظام چترباز شد. آموزش‌های او شامل ۱۵۰ کیلومتر پیاده‌روی در کوه‌ها در دو روز و انجام اولین پرش در سال بعد بود. او پس از دریافت گواهی به تحصیل در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه کابل مشغول

در روز مادر، همه‌ی ما در تلاش این استیم که به مادران خود تحفه‌ای دست‌ساز خود را تقدیم بداریم و یا یکی را برایش قطع نماییم تا باشد دین و هیجان خود را نسبت به او نشان بدهیم. اما آیا این همه تکاپو برای مادر کافی است؟ مادران ما، مادران افغانستان، زنانی‌اند که در بدترین شرایط اطفال شان را با کمترین دست‌مزد کلان کرده‌اند و استند مادرانی که در تنور داغ در گرم‌ترین موسم سال نان می‌پزند و اطفال شان را بزرگ می‌نمایند و یا در خانه‌های افراد متمول لباس‌شویی می‌کنند و همچنان مادرانی که شرایط بد امنیتی شوهران شان را از آنها ربوده است به تنهایی سرپرستی اطفال شان را به عهده دارند.

جا دارد در این جا چند مادر قهرمان و فداکار را که برای تربیت سالم جگرگوشه‌هایشان جوانی را صرف کرده و حاضر به ازدواج دوم نشده‌اند را معرفی کنیم.



## میترا ارشادی عاصی

یکی از این جمله زنان قهرمان و مادران فداکار میترا ارشادی عاصی خانم شاعر فقید افغانستان قهار عاصی است؛ میترا ارشادی دختر محمد هاشم ارشادی در سال ۱۳۴۷ خورشیدی در شهر کابل دیده به جهان گشود. تعلیمات ابتدایی و ثانوی را در لیسه‌ی عالی ملالی در سال ۱۳۶۴ ختم نمود و تحصیلات عالی را در رشته‌ی علم مدیریت خاک و کشت حبوبات (اگرانومی) دانشکده زراعت دانشگاه کابل در سال ۱۳۶۸ انجام داد و به حیث استاد در همان دانشکده مدتی ایفای وظیفه نمود.

اکنون پس از تحصیل مجدد و دریافت دیپلوم در رشته‌ی ی پیداکوژی کودک، در شهر اوسلو مشغول کار می‌باشد. میترا عاصی فقط هژده ماه با شوهرش قهار عاصی زنده‌گی کرد و صاحب یک فرزند دختر شد و هنوز دخترش کودکی بیش نبود که جنگ شوهرش را از او گرفت و به تنهایی دخترش را بزرگ کرد و اکنون دختر قهار عاصی و میترا عاصی ۲۲ سال عمر دارد.

# مادر بودن در سایه پاندمی



سمیرا مادری است که دو طفل دارد و مانند دیگر مادران از پاندمی کرونا به تشویش است، او می‌گوید: قرنطین و کرونا نه تنها اینکه مسوولیت‌ها را اضافه نمود بلکه حالا مانند اطفال مجبور استم درس کودکانه بخوانم و باید اوقات درس پسر و دخترم را کنترل کنم. در ابتدا با این شیوهی زنده‌گی عادت نداشتم و برایم خیلی سخت بود ولی رفته‌رفته اکنون با بودن اطفالم در خانه و تعقیب نمودن دروس‌شان عادت گرفته‌ام و امیدوارم نه خودم و نه اطفالم به این ویروس خطرناک سردچار نشویم. او اضافه کرد: زمانی که پسرم درس آنلاین دارد، بعد از هر یک ساعت معلم برایشان تفریح می‌دهد و در هنگام تفریح، ارتباط پسرم با صنف قطع می‌گردد و هر یک ساعت بعد من مجبور استم تا دوباره او را به صنف درسی وصل کنم.

و خودم، نرگس هاشمی که مادر چهار فرزند استم در زمان قرنطین و منع رفتن اطفال به مکتب از اثر تشدید ویروس کرونا اگر چه احساس آرامش داشتم و از ترس و اضطراب مبتلا شدن اطفالم به ویروس کرونا، مانند آنها را در خانه ترجیح می‌دادم ولی طرز و شیوهی دروس آنلاین آنها در خانه برایم جدید بود. خصوصاً دو طفلم که در مکتب ابتداییه درس می‌خوانند، مسوولیت بزرگی را بر شانه‌هایم گذاشت؛ آن این که به هر یک آنها باید مکان مساعدی را مهیا می‌ساختم و در ضمن باید تایم مضامین‌شان را تعقیب می‌کردم. به اصطلاح باید با نوک پنجه راه می‌رفتم تا مبادا سروصدایی ایجاد شود و مانع فرا گرفتن دروس‌شان شود. چندی قبل زمانی که معلمان مکاتب در کبک مظاهره کردند و شاگردان را از راه دور درس می‌دادند. به خاطر دارم که در پلت‌فارم گوگل کلسروم در حالی که به خوبی پسر «عماد مبشر» (که صنف دوم مکتب است) با هم‌صنفي‌هایش وصل گردید مگر یک ساعت بعد با افکار کودکانه و متجسس بالای صفحه گوگل کلسروم دبل کلک نمود و به یکباره گی ارتباط اش قطع گردید و تا دو ساعت دیگر نتوانست با هم‌صنفي‌هایش ببینند و پراسترس‌تر این که در ایلم پیام غیرحاضری او را دریافت می‌کردم ولی چاره‌ای نداشتم تا این که به مکتب به تماس شدم و پسرم در آخرین اوقات درسی موفق به وصل دوباره گردید. امیدواریم همه‌ی ما به روال زنده‌گی عادی برگردیم.

که هر معلم توقع دارد تا به شاگرد او رسیده‌گی شود، آنها باید این موضوع را درک کنند که والدین فقط یک اولاد ندارند و باید به دیگر اطفال‌شان هم رسیده‌گی نمایند. امیدوارم هرچی زودتر این ویروس از جهان نابود گردد و قرنطین تمام شود تا اطفال به مکتب حضور فیزیکی یابند. زرینه احمدی مادر سه طفل در مورد دروس آنلاین پسرش چنین ابراز نظر کرد: برای والدین در زمان قرنطین از این که اطفال کمتر به درس آنلاین علاقه می‌گیرند مشکلاتی را به بار آورده است. مخصوصاً خودم که طفل یک ساله دارم در عین زمان نگهداری طفل خرد و متوجه بودن به درس پسر هشت ساله‌ام برایم مشکل بود به خاطر دارم که پسرم به صورت آنلاین فعالیت ورزشی داشت و پسر چهار ساله‌ام نیز می‌خواست با برادرش حرکات ورزشی را انجام دهد و این مساله باعث دلخوره‌گی پسر بزرگم می‌شد و نمی‌گذاشت تا برادرش در صنف درسی او اشتراک کند. در ضمن اطفال آن چنانی که در صنف درسی با معلم با علاقه‌مندی درس را می‌آموزند؛ در خانه کمتر علاقه می‌گیرند.

مریم‌سادات که سه طفل دارد نیز یکی از مادرانی است که با حس مسوولیت فراوان در مقابل اولادهایش همیشه آنها را به درس و تعلیم تشویق می‌کند؛ در حالی که او یک طفل مریض دارد و اکثر اوقاتش را با طفلسخانه می‌گذراند. او خاطر نشان می‌کند که دختر بزرگش، پسرش را در وصل شدن با هم‌صنفي‌هایش در زمان قرنطین کمک می‌کرد ولی شرایط کرونا و تشدید این ویروس، مایه‌ی دلهره و تشویش برایش بود. او از این که با ازدواج اقارب نزدیک، خاطره‌ی خوشی ندارد به دیگر فامیل‌ها این گفتنی را دارد که از ازدواج‌های اقارب نزدیک، صر نظر کنند، چون در اکثر موارد این‌گونه ازدواج‌ها، باعث تولد شدن طفلی می‌گردد که از صحت کامل برخوردار نمی‌باشد و طفل معصوم تا آخرین لحظه‌ی زندگی درد را متحمل می‌شود. مریم‌سادات که از هشت سال بدین‌سو در کانادا زنده‌گی می‌کند؛ در حالی که از شرایط زنده‌گی در کانادا خوشنود است و کانادا را یک محیط خوب تحصیلی برای اطفالش می‌داند ولی قرنطین و تشدید این ویروس برایش تشویش ایجاد نموده و مسوولیت‌های او را بیشتر کرده است و می‌گوید: امیدوارم هرچه زودتر به زنده‌گی عادی برگردیم و ازین بیش تحت استرس و دلهره قرار نگیریم.

دو موجود ز هستی گرمی‌تر است  
یکی میهن و دیگریش مادر است

مادران الگوی عظمت و بزرگواری‌اند که بدون هیچ نوع خسته‌گی، عاشقانه به فرزندان‌شان عشق می‌ورزند و در هر عرصه زنده‌گی دست اطفال‌شان را گرفته قدم به قدم تا قله‌های موفقیت آنها را همراهی می‌کنند. در قبال همه‌ی مسوولیت‌های مادرانه، شرایط کرونا و قرنطین اطفال در خانه، بر علاوه این که اطفال را بی‌مضمون و بدون پروگرام ساخت کار و مسوولیت مادران را نیز دوچندان نمود. چون مادران در پهلو دیگر مسوولیت‌های بزرگ‌شان وظیفه نظارت و تنظیم پروگرام درسی اطفال را در خانه نیز به‌عهده دارند همچنان از روی وسواس در جریان پاندمی کرونا مادران بیشتر اوقات‌شان را در پاک کاری منزل بیشتر از پیش متقبل می‌شوند، در این زمینه نظریات و گفتنی‌های مادران را چنین جمع‌آوری کرده‌ام.

سپوزمی مادری است که سه طفل دارد و بر علاوه وظیفه‌ی مقدس مادری، برای معیشت زنده‌گی شب‌هنگام بیرون از منزل کار می‌کند و صبح به خانه می‌آید. قبل از دوران قرنطین اطفالش به مکتب می‌رفتند و سپوزمی استراحت می‌کرد اما در دوران قرنطین، در گیر درس‌های آنلاین اطفالش است. او در این زمینه می‌گوید: ساعت هشت صبح درس آنلاین اطفالم شروع می‌شود و قبل از آغاز درس معلم هایشان در ونسپ برایم پیام می‌گذارند و اوقات و مضمون درس اطفال را مشخص می‌کنند. درس آنها در روی پلت‌فارم زوم قابل دسترس است، چون هر سه طفلم همزمان به انترنت بالا ضرورت دارند. گاهی اوقات ضعیف شدن انترنت باعث ایجاد اخلال در وصل شدن آنها به صنف درسی می‌شود. از سوی دیگر، پسر شش هشت ساله‌ام برای تنظیم نمودن پروگرام زوم به من ضرورت دارد و در ضمن از این که اطفال جستجوگرند برایشان خوشایند نیست تا در یک صفحه‌ی انترنتی دیر زمان نگاه کنند.

سپوزمی می‌افزاید: اصلاً فرصت و وقت آن را ندارم تا بخوابم. تعقیب نمودن پروگرام‌های معلمان از یک طرف، نظارت اطفال از سوی دیگر و همچنان تسلیم نمودن کار خانگی آنها به معلمان و پاک کاری منزل بیشتر از قبل مصروفیت‌هایم را خیلی‌ها زیاد کرده است. و مشکل‌تر این



## داستان کوتاه: سعاد، سجده و سوال

نکن. بار دیگر تعجب به سراغش می‌آید. یعنی چی...؟  
وقتی میشل همصنفی‌اش وی را با خشونت به زمین پرتاب کرده می‌گوید:

چرا همراهی من خوب نیستی؟ سعاد بدون پرده‌پوشی می‌گوید:

تو بدم می‌آیی که کافر هستی و در جهنم می‌سوزی. من همراهی تو به دوزخ نمی‌روم. میشل با مباحثات او را لگدی می‌زند و می‌گوید:

کافر چیست؟ مرا عیسی مسیح که پسر خداست به بهشت می‌برد، ترا کی می‌برد؟ سعاد تمسخر نموده می‌گوید:

خدا که بچه‌دار نمی‌شود. او که زن ندارد. میشل می‌گوید:

برو تو نمی‌فهمی، پس مسیح از کجا آمده است؟ مگر می‌شود که انسان بی پدر به دنیا بیاید؟ سعاد این مذاکره را با مادرش در میان می‌گذارد و ذهنش بسیار درگیر می‌شود. مادرش بدون اینکه حرف‌های او را بشنود می‌گوید:

پشت این گپ‌ها نگرده؛ برو بخواب من برایت دعا می‌کنم که در امتحانات کامیاب شوی. سعاد همراهی گدی گک خود درد دل کرده می‌گوید:

اگر خدا غلط کند و کدام سعاد دیگر را کامیاب کند باز...؟ بعد از زبان گدی گک خود می‌گوید:

نی نی خدا بسیار بزرگ است و مثل من خورد نیست که اشتباه کند. بعد گدی گک اش را پهلویش می‌خواباند و می‌گوید:

بیا درس بخوانیم که از یاد خدا نرویم. همان است که سعاد عزم‌اش را جزم می‌سازد و در کنار بازیچه‌های دوست داشتنی‌اش تا می‌تواند، بهتر و بیشتر آموختن را شعار خود می‌سازد.

زمان با گذشت چندین فصل‌اش، پس از جنگیدن بسیار و تجربه ای شکست و پیروزی، سعاد را به پله‌های کامیابی می‌رساند و اثری از مجهولات کودکی در وی باقی نمی‌ماند. شجاعانه جواب سوالات کودکی‌اش را مطرح می‌کند و دیگر منتظر جواب‌های سربالا و سخت‌گیرانه‌ای پدر و دعوای مادر نمی‌نشیند.

همراهی اطفال کشورش کار کرده تمامی سوالات دوران کودکی خودش را با آب و تاب به آنها قصه می‌کند و ترس را از ذهن کوچک‌شان می‌زاید.

بعد از چندی به آن‌هم کنار آمد و عادت کرد که ماهرش را پوشیده به آب بازی برود. ولی حسی در ذهنش باقی می‌ماند که با برادرانش فرق فاحشی دارد. ولی اینکه بزرگان به کارهای فراتری می‌پرداختند؛ یک وقت نان می‌خورند و بیشتر نماز می‌خوانند و قرآن تلاوت می‌کردند. گاهی پدرش افکار سعاد را نیز به سوی باورهای دینی سوق می‌داد، به ذهنش غوغای برپا می‌شد. اینکه هیچ چیز مثل بدبختی کودکان را ساکت نمی‌کند. سعاد نیز به سکوت پناه برده بود. از زیر چشم کارهای خانواده را ورنه‌انداز می‌کرد و تصور می‌نمود زندگی یک جهنم دست‌کاری شده و مصنوعی برای همه‌ی‌شان درست کرده است. بخصوص وقتی پدر می‌گفت:

دختران زودتر از پسران رشد می‌کنند و مکلف به اجرای اوامر دینی می‌شوند باید به گرفتن روزه عادت کنی. به این روزه‌های کوزه‌ای و کله‌گنجشکی خود را فریب ندهید. باز هم برای سعاد همه‌چیز مجهول می‌نمود. اما زمانی که می‌دید مادرش در خفا روزه می‌خورد؛ به صیغه‌ای کودکانه انگشت شهادت‌اش را طرف می‌ساخت و شیطنت‌آمیز سرش را شور می‌داد که: ببین مادرم نیز با خدا فریب کاری می‌نماید. هرگاه مادر عذر شرعی‌اش را به وی تشریح می‌کرد؛ یقیناً که مفهوم گرفته نمی‌توانست. فقط می‌دید که پدر بالای برادر همسن خودش هرگز این فشار تحمیلی را نمی‌آورد.

ولی به قول ویکتور هوگو، «فرایندی از شر به خیر، از بی‌عدالتی به عدالت، از بطلان به حقیقت، از فساد به اخلاق، از حیوانیت به وظیفه، از جهنم به بهشت، از ایمان به خدا و از جسم با روح و حاملین پیام الهی هیچ‌چیز سرش نمی‌شد و همانند یک فرشتک کوچک به خرابی جهنم بیشتر از خوبی بهشت می‌اندیشید. کلافه می‌شد و تنها یک چیز ذهنش را مکدر می‌ساخت. فاصله و فرق میان دختر و پسر را... می‌دانست ولی تفکیک نمی‌کرد که چرا... آنگاه اندوهگین می‌شد و می‌گفت:

پس خدا هم مرا دوست ندارد؛ حتماً در بهشت راهم نمی‌دهد. چرا که من دختر هستم و ها راستی مادرم را نیز در جنت نمی‌گذارد؛ خودم دیدم که روزهاش را پنهانی خورد. وقتی برایش می‌گویند: با دختران غیرمسلمان بازی

سعاد با چشمان براق، ابروان کشیده و چهره‌ای معصومانه کنار مادرش می‌نشست و متعجبانه خم و چم شدن وی را هنگام نماز خواندن تماشا می‌کرد. بدون اینکه حرکات مادر برایش مفهومی داشته باشد ته و بالا شدن وی را تعقیب می‌نمود. روزهای اول ترس از دست دادن مادر؛ دست‌پاچه‌اش می‌ساخت ولی گاه گاهی متوجه می‌شد که پدر و برادرانش نیز به نوعی خودشان را قد راست و دولا کرده، رو به زمین می‌خوابند و زیر زبان چیزهای می‌گویند. پس آنها وی هم به تقلید از بزرگان خانواده چادر مادر را می‌پوشید، کنارش می‌ایستاد و خودش را ته و بالا می‌کند. وقتی سعاد پا به سن مکتب گذاشت، نخستین بار جدایی از مادر و اینکه وی را با افراد ناشناس تنها رها کرد؛ ترسید. ترس از دست دادن خانواده‌اش بیشتر افکارش را مغشوش ساخت و تصور می‌کرد، کسی وی را می‌دزد و دیگر خانواده‌اش را نمی‌بیند. به نوا همصنفی خود گله‌آمیز می‌گوید:

ببین مادرم مرا تنها گذاشت اگر مرا کسی دزدی نماید؟ نوا که نسبت به سعاد بیدارتر بود و پدر و مادرش با پیشانی باز جواب سوالاتش را می‌دادند، خنده نمکینی نموده می‌گفت:

نترس! همه متوجه ما هستند. معلم ما، مادر و پدر ما و خواهر و برادر ما... سعاد موهای خرمایی‌اش را از مقابل چشمان قشنگ‌اش دور نموده گفت:

من خواهر ندارم. نوا جواب داد:

پدر و برادرانت متوجه تو هستند. سعاد گفت: نه پدرم مرا دوست ندارد، به برادرانم هیچ چیز نمی‌گوید. نوا گفت:

دروغ نگو، خدا جان قهر می‌شود و ترا در دوزخ می‌اندازد. دهن سعاد از تعجب باز ماند و پرسید:

جهنم چیست؟ ترس از جهنم به خیالات شیرینش چنگ زد. ها... به یادش آمد که پدرش می‌گفت: بهشت جای خوب و دوزخ جای بد است. باید هر مسلمان به امر خدا رفتار نماید تا به بهشت برود. دوزخ جای کفار باشد.

وقتی مانند برادرانش بدنش را برهنه می‌ساخت، مادرش بازویش را می‌فشارد که تو دختر هستی نباید بدون لباس به حوض داخل شوی.



ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609

bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکپور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872

اجاره آپارتمان دو خوابه

با تمام امکانات، پارکینگ، استخر، سونا، سالن ورزشی

الکتریسیته و شوفاژ، ۵ دقیقه با ترمینال پاناما و مرکز خرید

438-396-8107 برای اول فوریه / champlain



خاطره تحویل داری یکتا

مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران  
Commissioner for Oaths

در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها  
کواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت  
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694

khaterehyekta@yahoo.ca

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری

با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص  
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس



Iraj Mohammadi  
(514-625-6292)  
CPA Candidate

Mojdeh Miri  
(514-562-3493)  
CPA Candidate



360-3285 Cavendish Blvd.  
Montreal, QC H4B 2L9

http://elanaccounting.ca  
info@elanaccounting.ca

آتوسا تنگستانی فر

VANTAGE

514 995 3041

همراه با شما در خرید آگاهانه همگام با شما در فروش موفقیت آمیز



سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

هدیه من به شما پرداخت اولین تسط دو هفته گانه وام بانکی شما

8250 boul. Décarie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5  
atosa.tfar@gmail.com

Artistic Men Haircut  
by Sirous



متخصص  
مدلهای هنری  
برای آقایان

514-240 1493

SOROOR SADR

سرور صدر

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES  
WITH APPOINTMENT

Gestion Financière Loyale

5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

Pharmacie  
Golnasim Riahi

داروخانه، دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



آشپزی

کوفته تبریزی گیاهی

سخن ستارگان

صفحه‌ای برای تفنن

سرگرمی

طنز و حکایت

خانواده  
و سرگرمی

---

	3	5	2	9	1		8	
				7				9
						6	2	
5		8			4	3	9	
	7	3	5		2	4	1	
	2	6	9			8	7	
	5	4						
3				5				
	8		1	4	6	5	7	

نرمال ▲

9			1					
		4		9	6			1
1			2			6		
6	3	7		5				
	1		7	3	9			5
				6		8	3	7
		6			4			8
	7		3	2		9		
					7			3

متوسط ▲

			2			7	1	
7						6		
	3			7	9			5
		5			1	8		
		7		9		1		
		4	3			5		
4			1	5			7	
		3						2
	8	9			2			

سخت ▲

	7	8						
			9	7				3
6		3				5		
		2	8	1				6
			6		2			
9				5	3	7		
		7				3		9
5				8	9			
						6	2	

خیلی سخت ▲

توضیح: خانه‌های جدول زیر را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

مهسا عباس‌پور

## جدول سودوکو

SUDOKU TABLE



کوفته تبریزی از خوش طعم‌ترین و محبوب‌ترین غذاهای ایرانی است که بسیاری از مردم چه با سبک سنتی و چه مدرن این غذا را درست می‌کنند. کوفته به قدری در تاریخ آشپزی ایران نقش مهمی دارد که حتی نادر میرزا قاجار در کتاب خود «کارنامه خورش»، از آن نام برده است.



## آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

# کوفته تبریزی گیاهی

## طرز تهیه

لیه را با کمی آب نیم‌پز کنید. آلوها را در آب خیس کنید. سویا را در آب ولرم از یک ساعت قبل خیس کنید. سپس آبکش کرده و آب آن را بگیرید. برنج خیس خورده، لیه نیم‌پز و سویا را یکبار چرخ کنید. یکی از پیازها را رنده کرده و به همراه تخم‌مرغ، سبزی کوفته، آرد، زرشک و ادویه‌ها به مواد اضافه کنید. مواد کوفته را باید به خوبی و با حوصله ورز دهید تا چسبندگی شود. این مرحله بسیار مهم است و گرنه کوفته شما هنگام پخت وا می‌رود. چون مواد کوفته با سویا بسیار نرم‌تر از گوشت است، بهتر است مواد را یک ساعت در یخچال استراحت دهید. پیاز دیگر را خلال کرده و با نمک و زردچوبه تفت دهید. سپس رب و نیمی از آلوها را اضافه کرده و در آخر ۳ لیوان آب به آن اضافه کنید و اجازه دهید تا به جوش آید. یک کاسه کنار دستتان بگذارید. کمی از مواد کوفته را برداشته و یک آلو میان آن قرار دهید و گرد کنید. دستتان خود را باید خیس نگه دارید تا مواد کوفته به آن نچسبند. کوفته‌ها را یکی یکی درون سس انداخته و اجازه دهید تا به مدت یک ساعت با شعله متوسط بپزد. نوش جان!

## مواد لازم

۱. برنج نیم‌دانه
۲. سویا
۳. لیه
۴. پیاز
۵. آلو خورشتی
۶. زرشک
۷. تخم‌مرغ
۸. آرد نخودچی
۹. رب گوجه‌فرنگی
۱۰. نمک، فلفل و زردچوبه
۱۱. سبزی کوفته (مرزه، ترخون، نعنا، تره، جعفری، پیازچه)

## نکته مثبت هفته

مهم نیست چه جایگاهی داری؛ مهم این است که خوشحال باشی.





## فال شما برای ۶ تا ۱۲ می / ۱۶ تا ۲۲ اردیبهشت



### متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

عجب هفته درخشانی! انرژی قوی خورشید، عطارد و ونوس در بالای موقعیت شما عمل می‌کند. این بدان معناست که همه از موفقیت شما مطلع هستند. به‌آسانی در مکالمات و ارتباط با رؤسا، والدین و افراد مهم به نتایج خوب می‌رسید. بر دیگران تأثیر بسیار می‌گذارید و خصوصاً در زمینه جمع‌آوری پول برای حمایت فرد یا افرادی موفقیت بسیار خواهید داشت. به هر جهت باید مراقب باشید و با چشمان باز همه‌چیز را کنترل کنید.



### متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

این هفته سرشار از انرژی و شور هستید، زیرا خورشید، عطارد و ونوس در موقعیت شما قرار دارند. علاوه بر آن ونوس به رقص با مشتری مشغول است و انرژی خود را از مریخ پرشور می‌گیرد. در این زمان سکان هدایت به دست شماس است. دوستان جدید پیدا می‌کنید و با ایده‌های پول‌سازی که در سر دارید، پول جذب می‌کنید. علاوه بر آن داوطلبانه می‌خواهید به دیگران کمک کنید و تغییری در زندگی‌شان ایجاد کنید.



### متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

این هفته زمان بسیار خوبی را پشت سر می‌گذارید، زیرا تمام انرژی‌ها بر روابط شما با کشورهای خارجی و همه‌چیز مربوط به مسائل حقوقی، پزشکی و چاپ تأثیر می‌گذارد. فرصت‌های خود را در زمینه تحصیلات عالی دنبال کنید، زیرا این فرصت‌ها طلایی هستند. نتیجه این انرژی تمایل بسیار شما برای سفر و ماجراجویی است. همچنین ممکن است از علائق خود به کشورهای خارجی کسب درآمد کنید.



### متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

این هفته اتفاقات بسیار خوبی خواهد افتاد. مسائلی که دیگران از وجودشان بی‌خبرند یا در درون شما و فقط برای شما اتفاق می‌افتند. در این زمان برای افزایش درآمد تلاش بسیار می‌کنید. متوجه می‌شوید که از نظر مالی خود را قوی‌تر می‌کنید. از طرفی هم با سخاوتمندی در فعالیت‌های خیریه شرکت می‌کنید، به‌نوعی که خوش‌نامی‌تان در بین دیگران بیشتر می‌شود. در آخر هفته به ترس در مورد مسائل مالی اهمیت ندهید که گذرا است.



### متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

این هفته از نظر مالی برای شما بسیار خوب است. انرژی بسیاری در یکی از خانه‌های پول شما به وجود می‌آید؛ خصوصاً خانه پول فردی مرتبط به شما و ارثیه، اموال مشترک یا هر دارایی مشترک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قطعاً مزایا، هدیه یا پول از دیگران دریافت خواهید کرد. البته ممکن است بخشی از آن را برای کمک به افراد نیازمند به کار گیرید. در آخر هفته نگران دوستی‌های نزدیک نباشید. مشکلات به‌زودی حل می‌شوند.



### متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)

این هفته از محبوبیت برخوردارید و همه می‌خواهند چهره شما را ببینند. بسیاری از شما با جوان‌ترها و افراد خلاق در فعالیت‌های هنری شرکت می‌کنید. ممکن است وقت خود را به فعالیت در سازمان‌های خیریه هم اختصاص دهید، زیرا از انرژی بسیاری برای منفعت رسانی به دیگران برخوردارید. جالب است بدانید همه انرژی که برای کمک به کار می‌گیرید به‌طور غیرمستقیم از نظر مالی شما را تقویت می‌کند.



## PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آتلیه مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۰۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



### متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



همه چیز همچنان به آرامی به پیش می‌رود. تعمیرات در خانه و تغییر دکوراسیون در این زمان انجام می‌گیرد. تأکید بر خانه و خانواده ممکن است به املاک هم مربوط شده و به نوعی فرصت‌هایی برای خرید آن‌ها برایتان پیش آید. شاید به خرید املاک یا حتی تغییر محل زندگی بیندیشید. پولی را که صرف خانه یا املاک می‌کنید، عملاً بر دارایی شما افزوده شده و به عبارتی برداشت بیشتری خواهید داشت.

### متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



سرعت کارهای شما همچنان در این هفته زیاد است! اما مشغولیت شما با تفریح همراه است! از صحبت با خواهر و برادر، اقوام و همسایه‌ها لذت ببرید، زیرا واقعا می‌خواهید بیشتر یاد بگیرید. از روحیه بسیار خوبی برخوردارید و جهان اطراف خود را با چشم دیگری می‌بینید. برای جایی که در آن زندگی می‌کنید و افرادی که می‌شناسید، شکر گزار هستید. به این حقیقت رسیده‌اید که: «اگر دید خود را نسبت به همه چیز تغییر دهید، هر چه که می‌بینید در نظرتان متفاوت است».

### متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



این هفته می‌توانید درآمدهای خود را افزایش دهید، زیرا پول جذب می‌کنید. بدون شک باید بگویم ایده‌های پول‌سازی در سر دارید که باعث می‌شوند در آینده هم همچنان کسب درآمد کنید. در اواخر هفته مراقب سردرگمی که در خانه اتفاق می‌افتد، باشید. اجازه ندهید این ابر افکار شما را درگیر کرده یا شما را دچار شک کند. در عین حال به دلیل جذب پول، به فکر خرید برای خود و عزیزانتان هم می‌اندیشید.

### متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



این هفته همه چیز به ارتباط نزدیک با همسر و دوستان صمیمی مربوط می‌شود و در این خصوص از موهبت‌هایی برخوردار خواهید بود. احساس خوب و نزدیک در فهرست روزانه شماست. به سادگی می‌توانید محبت خود را به دیگران ابراز کنید یا از آن‌ها محبت بگیرید. حتی شاید دوستان جدیدی پیدا کنید و گرمی را که در ابتدای آشنایی احساس می‌کنید شما را شاد کند. یکی از نزدیکان سخاوتمندانه ایده‌های پول‌ساز خود را در اختیار شما قرار می‌دهد.

### متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



احساس اطمینان خاطر می‌کنید زیرا مسائل مربوط به شغل شما این هفته به آرامی پیش می‌روند. راه‌های بسیاری را برای افزایش درآمد می‌یابید. از طرفی دیگران شما را به دلیل آنکه خالصانه به آن‌ها کمک می‌کنید، می‌ستایند. دوستی جدیدی که به کار مربوط می‌شود، در حال شکوفایی است. سفرهای کاری یا فعالیت‌های مربوط به کشورهای خارجی جهان اطراف شما را توسعه می‌دهد.

### متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



شما برج خوش‌شانسی هستید، زیرا سیاره مشتری حاکم شماست و این هفته برایتان هفته شانس است! به دلیل شور و اشتیاق برای آینده، شادتر از همیشه به نظر می‌رسید. این خوشحالی به دلیل فرصت‌هایی که برای تلاش جدی دارید هم هست. از هر فرصتی برای تفریح با بچه‌ها و برنامه‌ریزی سفر در آینده استفاده کنید. احساس می‌کنید بالاخره به بازی برگشته‌اید و زندگی امیدوارکننده است!



**مشاور رسمی املاک مسکونی شما**

**مشاوره تخصصی املاک درآمدزا جهت سرمایه گذاری**  
**همراه شما در خرید خانه های ویلایی، کاندو و تانهاوس**  
**دسترسی به پیش فروش VIP دریافت وام تضمینی**

**514-730 3909**  **برای مشاوره رایگان با ما تماس بگیرید**

RE/MAX REALTY GROUP INC

High Roller  
2018, 2019, 2020

A Donation partner of  
DANS LARUE

Broker of the year  
2019, 2020

 خرید  
 فروش  
 اجاره



## حکایت هفته

## تاکسی، تابستان، ماه رمضان

## شعر هفته

### نقد مردم بر مردم

ما داریم به آخر دنیا اصابدمت! می‌کنیم  
ولی خوشحالییم و از گذشته صحبت(ت) می‌کنیم  
بده وضعمون ولی آخر اعتراضمون  
اینه که زیر پتو غرغر ممتد می‌کنیم  
همه دنیا دارن به همدیگه خوب می‌کنن  
ولی ما اینجا داریم به همدیگه بد می‌کنیم  
یه روزی اگر که خط قرمزا رو بردارن  
مطمئن باش خودمون راه همو سد می‌کنیم  
دونه مون نیفتاده، زندگیمون نفله شده  
مث مورچه الکی سعی مجدد می‌کنیم  
به آدم کوتوله‌ها فضا میدیم قد بکشن  
الکی با خودمون اونارو هم قد می‌کنیم  
داریم از تنهایی می‌میرم و آدم نمی‌شیم  
خیلی همت بکنیم همدیگرو add می‌کنیم  
دور گردن من و تو عوض طناب اگه  
دستمون حلقه بشه گردنه رو رد می‌کنیم  
خلاصه یه روز میاد ممیزا خسته میشن  
همه حماقتامونو مجلد می‌کنیم!

منبع: (این کتاب مجوز دارد، محمدرضا ستوده، تهران؛ ماهریس، ۱۳۹۷)

سوار تاکسی شدم. صندلی جلو آن قدر گود بود که احساس کردم داخل رورونک نشستم و احتمال بیرون آمدنم تقریباً صفر است. سمند بود ولی یاد و خاطرهٔ پیکان‌های قدیمی را زنده می‌کرد. به هر حال هر دویشان از یک کارخانه بیرون آمدند و ایران خودرو آن قدر کارخانه‌ی ریشه‌داری هست که همهٔ تولیداتش مثل کواکولا سال‌های سال طعم خودش را حفظ کند!

راننده هر چیزی را که قابلیت آویزان کردن داشت را به آینهٔ جلوی ماشینش آویزان کرده بود. از تسبیح و نشان ضد چشم‌زخم بگیر تا توپ پلاستیکی کوچک و خوشبوکننده فقط یک حرکت سمبلیک بود و تنها از لحاظ روانی، وجدان راننده را راحت کرده بود، چون چنان بوی بدی در تاکسی حکم‌فرما بود که سیستم بویایی‌ام را به‌زانو درآورده بود. نمی‌دانم چرا بعضی از تاکسی‌ها بوهای عجیب غریب می‌دهند! تازه این جدا از بوی بعضی از رانندگان تاکسی است که الحمدالله ایشان از این یک‌قلم برائت جسته بود.

اما انگار یک استیک آبدار با مقداری کشک و بادمجان را داخل یک جوراب یک هفته شسته نشده ریخته‌اند و از اول خردامه آن را روی داشبورد گذاشته‌اند و حسابی آفتاب خورده است. شدت فشار به دستگاه بویایی، داشت دستگاه بینی‌ام را از کار می‌انداخت و وقتی نگاهم به بوگیر آویزان به آینه می‌افتاد، جگرم آتش می‌گرفت. حسرت می‌خوردم که چقدر می‌توانست همه‌چیز خوب باشد ولی همه‌چیز خیلی بد است. نمی‌توانستم منشأ بو را پیدا کنم، سرچشمهٔ بو مثل سرچشمهٔ داعش نامعلوم بود و بی‌اغراق توانایی این را داشت که مثل داعش منطقه را به هم بریزد. دلم می‌خواست سلول معاونین رئیس‌جمهور سابق را از سلولشان به این تاکسی منتقل کنم.

روی داشبورد نوشته شده بود با تلفن همراه صحبت نکنید. دوست داشتم به راننده بگویم با این بو توانی برای حرف زدن با تلفن همراه باقی نمی‌ماند ولی همین را هم نمی‌توانستم بگویم.

راننده دستش را بلند کرد و سرش را خاراند، به محض بالا آمدن دستش، بوی مذکور به حالت سونامی به سمت من آمد و من را در هم نوردید. به طوری که ناخودآگاه به در ماشین که سمت راستم بود، کوبیده شدن. سرم را چرخاندم و به راننده نگاه کردم...

زیر بغل راننده خیس بود!

منبع: (این کتاب مجوز دارد، محمدرضا ستوده، تهران؛ ماهریس، ۱۳۹۷)

## نکته هفته

اگر عشق آخرین عبادت نیست، پس آمده‌ایم اینجا برای کدام درد بی شفا شعر بخوانیم و باز به خانه برگردیم!

## نقل قول هفته

حافظ: میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست، تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز!

## ضرب‌المثل هفته

پارسی: علم از بهر دین پروردن است نه از بهر دنیا خوردن.

بلغارستان: عرف و عادت قانون نیستند ولی قدرت قانون را دارند.

## لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- ☺ مامانم قنوت نمازش تموم میشه مثل کرم مرطوب‌کننده میماله به صورتش ... بابامم قنوتش تموم میشه پرتش میکنه هوا!
- ☺ مشه‌دیه میره بالای تپه داد میزنه: ... خدایا برچی پول نمدی! خنه نمدی! ماشین نمدی! ... یهو پاش سر می‌خوره از بالای تپه پرت میشه پایین! ... میگه: نمدی که نمدی، برچی هل مدی؟
- ☺ «این محرم و سفر است که اسلام را زنده نگه داشته و گرنه ماه رمضان تا حالا همرو کشته بود!» ... دکتر شریعتی در حال غش وضعیت ناشی از روزه!
- ☺ هرکی بوده آشنا بوده؛ چیست؟ ... اولین حرفی‌ست که هر ایرانی بعد از یه دزدی میزنه ... یعنی این قدر به آشنا و فامیل ارادت داریم ماها!؟
- ☺ دولت داره ۱۷۲ هزار تومان کمک‌هزینه معیشتی برای ماه رمضان میده ... با این قیمت زولبیا و بامیه شیر و خرما و حلیم و گوشت و مرغ و میوه و ... انگار همه رو برده رستوران گفته هرچی دوست دارید بخورید خلال دندونتون رو من حساب می‌کنم!
- ☺ خدایا در این ماه رمضان گناهان ما را به ریال و کارهای نیکمان را به دلار محاسبه بفرما ... الهی آمین!
- ☺ یه روز روزه نگیری به جاش باید شصت روز روزه بگیری ... نمیدونم صدی چند حساب کرده ... باز صد رحمت به بانک انصار!



**صرافی افرا**  
 با مدیریت آقای مصطفایی  
 کارتخوان ایران  
 انجام خدمات ارزی به ایران و بر عکس (استرالیا و ترکیه و ارمنستان)  
 تضمین امنیت وجوه حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا  
 جنب مترو اتواتر  
 514-576-3830  
 4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 3J8

**Five Star I.P.M Inc.**  
**صرافی پنج ستاره**  
 متوجه تر به ایران  
 تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و بالعکس با کمترین هزینه

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و  
 بالعکس با کمترین هزینه  
 514 585 2345 | 514 846 0221  
 4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

**صرافی آشنا**  
 خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی  
**ASINA EXCHANGE**  
 Office: 514 - 560 - 7085  
 Cell: 514 - 462 - 5185  
 4055 Ste Catherine O # 194 H3Z 3J8

**UNIQUE Inspection Inc.**  
 Certified Home Inspectors  
**Farzam Andalib**  
**Home Inspector**  
 مهندس فرزام عندلیب  
 «بازرس فنی ساختمان»  
 Tel: (438) 494-5580  
 \* عضو انجمن بازرمان حرفه ای ذیصلاح کبک (AIICQ)  
 خرید خانه شاید مهم ترین سرمایه گذاری زندگی شما باشد پس ارزش آن را دارد که قبل از خرید مورد بهترین بازرسی قرار گیرد  
 InterNACHI Certified Professional Inspector (CPI)  
 InterNACHI Quebec membership number # 19111203  
 Email: uniqueinspectioninc@gmail.com

**SHARIF EXCHANGE**  
**صرافی شریف**  
 توجه: انتقال ارز به ایران و بر عکس نداریم  
 www.sharifexchange.ca  
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

**تعمیرات و نو سازی ساختمان**  
 مسکونی و تجاری  
**Ben Reno** **RBQ License**  
 کاشیکاری و سنگ کاری • نصب کفپوش و پارکت  
 تعمیرات و نو سازی حمام • نرده چوبی  
 کابینت و تجهیزات آشپزخانه • بالکن (Deck)  
 نصب در و پنجره • نقاشی  
 facebook: Ben Reno  
 benrenovation4295@gmail.com  
 (514) 441 4295

هر روز هر روز  
**مونترال** ◀ ▶ **تورنتو** ◀ ▶ **مونترال**  
 مسافر، بار و بسته با نرخ های باور نکردنی  
**Montreal: 514-887-0432**  
**Toronto: 647-822-2529**

**VANTAGE**  
 LE REALITE MONTREAL  
**آتوسا تنگستانی فر**  
 514 995 3041  
**همراه با شما در خرید آگاهانه همگام با شما در فروش موفقیت آمیز**  
 سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:  
 • تهیه فوری وام مسکن  
 • مشاوره برای فروش مسکن  
 • کلیه امور مربوط به خرید مسکن  
 هدیه من به شما پرداخت اولین تسط دو هفته گانه وام بانکی شما  
 8250 boul. Décarie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5  
 atosafar@gmail.com

**کلیه خدمات عکاسی و فیلمبرداری حرفه ای در استودیو**  
 فقط با وقت قبلی  
**STUDIO PHOTOBOOK**  
 (514) 984-8944  
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3



# محل های پخش هفته در اتاوا

۶ ۱۳۵۹۴۳۶۳۶

سوپرمارکت آریا

508 Gladstone Ave

۶ ۱۳۵۶۳۱۲۰۷

فروشگاه شیراز

725 Somerset St W . K1R 6P7

۶ ۱۳۸۹۷۶۶۶۶

فروشگاه کابل

355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

۶ ۱۳۶۹۵۲۲۲۱

رستوران دونرما

129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

( 5 1 4 ) 8 3 4 - 7 2 5 4

www.hafteh.ca

info@hafteh.ca

**Saeideh Shabani**  
With TheTulipTeam at Service Excellence

FOR RENT  
FOR SALE  
SOLD

Follow me on Instagram  
**saeideh\_realtor**

To be up to date joined on TELEGRAM  
Ottawa Real Estate بازار مسکن اتاوا

سرمایه گذاری مطمئن  
حاصل خریدی مطمئن  
در نتیجه انتخابی مطمئن

O: 613 236 5959  
D: 613 413 0093  
E: saeideh@TheTulipTeam.com  
www.TheTulipTeam.com

**MEHDI FALLAHI**  
REALTOR

تمام مشتریان من  
تبدیل به دوستان  
صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما  
نیز خدمت کنم.  
۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

ROYAL LEPAGE  
Team Realty  
Master Sales Award 2023

yes@RealOttawa.ca

**RAVADID**  
IMMIGRATION SERVICES

**www.ravadid.ca**  
**info@ravadid.ca**

**موسسه مهاجرتی روادید:**

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب  
اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی  
سرمایه گذاری و کار آفرینی  
خرید بیزینس و دریافت مجوز کار  
اکسپرس انتری  
ویزای توریستی  
تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا  
اسپانسرشیپ همسر والدین  
خدمات اسکان اولیه  
و ...

**تماس رایگان در آمریکای شمالی:**

Free Tell & fax:  
1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی  
+1(514) 797-6850 (Ottawa head office)  
+1(514) 638-8258 (Montreal office)

**ALIREZA MANSOURI**  
**RCIC, R533715**



پیش شماره‌های  
نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

# نیازمندی‌ها فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

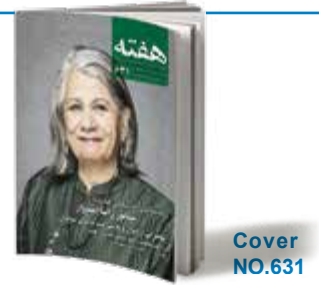
مد و لباس HPadar ۸۴۲-۵۶۰۸	فریدون هرنیدیان ۹۳۳-۶۸۰۰	دکتر رضا یاوریان ۶۵۳-۳۰۵۰	اتومبیل (فروش) Auto Highlander ۹۹۰-۲۵۰۰ www.autohighlander.com
مراکز مذهبی انجمن بهایی ۸۴۹-۰۷۵۳	رسانه های گروهی بازار ۸۴۸-۹۵۹۹	بیمه عمر و سرمایه گذاری نیره امداد ۴۷۳-۵۳۹۵	۱۰۸۰ Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7 اتو کاسپین ۵۷۵-۷۹۴۰ www.autocaspien.com
موسسه خویی ۳۴۱-۲۲۳۵	پوشه ۵۷۵-۸۴۵۱	علی پاکنژاد ۲۹۶-۹۰۷۱	اتومبیل (تعمیرگاه) اطلس ۴۸۴-۴۴۸۱
کلیسای ایرانی ۲۶۱-۶۸۸۶	هفته ۷۸۷-۸۸۴۸	عبدالله صفوی ۴۶۷-۸۴۹۱	6000 saint jaque H4A 2E9 شمیران ۴۸۷-۶۲۶۲
کلیسای فارسی- کشیش ۹۹۹-۵۱۶۸	پرنیان ۹۰۳-۴۷۲۶	متین تیره دست ۶۹۰-۶۱۸۱	آرایشگاه - زیبایی - اسپا آمنه ۹۳۳-۰۷۶۳
مشاور املاک مهدی انصاری ۵۸۸-۰۶۰۹	رستوران-پیتزا - کترینگ فارس ۷۳۷-۴۵۲۷	بیمه (خودرو و خانه و سفر)	3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1 www.Amybeautysalon.com
آتوسا تنگستانی فر ۹۹۵-۳۰۴۱	رستوران غذاهای دریایی ۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹	مشاور فارسی زبان بیمه Allstate ۶۵۲-۷۶۷۷	سوزان ۸۱۳-۴۹۴۷
مینو اسلامی ۹۶۷-۵۷۳۳	362-Ave.-Fairmount W. / 514-270-8437	مهرداد ملکچمشیدی پزشکی جایگزین	رویا ۹۳۴-۳۳۷۴
نادر خاکسار ۹۶۹-۲۴۹۲	پوشاپ (هندی) ۷۳۷-۴۵۲۷	ترجمه و دعوتنامه رسمی رضا داودی ۶۹۱-۴۲۸۳	فریبا ۴۸۷-۰۸۰۰
شهره شهریان ۲۹۰-۲۲۱۰	آریا ۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹	شهریار بخشی خاطره تحویل‌داری یکتا ۶۲۴-۵۶۰۹	آزادانا ۷۳۱۸-۸۳۹
سحر صمدایی ۶۲۵-۲۵۲۵	کباب سرا 820 Ave. Atwater / 514-933-0933	نوشارجمال ۵۷۵-۷۰۸۰	پرسپولیس ۴۳۸-۳۵۷-۷۰۰۰
فیروز همتیان ۸۲۷-۶۳۶۴	ساخت و ساز Builders ۵۷۴-۵۷۴۳	چاپ و کپی فتوکپی ان دی جی ۴۸۸-۵۳۳۳	پنج ستاره ۸۴۶-۰۲۲۱
آرزو کتمیری ۵۶۱-۳۵۶۱	علی خاقانی ۵۷۴-۵۷۴۳	حسابداری اردشیر معین افشاری ۴۵۸-۷۵۹۹	صرافی الیت ۹۸۹-۲۲۲۹
کاظم پرتو تهرانی ۹۷۱-۷۴۰۷	سی.دی - ویدئو ۲۲۳-۳۳۳۶	حسین خریدین حجت رستمی ۲۴۲-۶۰۳۴	شریف ۲۲۳-۶۴۰۸
آرش شکور ۷۳۰-۳۹۰۹	فروش و موکت ۷۳۹-۴۸۸۸	سرور صدر مهدیه سلیمی ۷۷۷-۳۶۰۴	صرافی رویال ۸۳۶-۷۰۹۰
محمد اجزای ۹۲۴-۵۰۵۵	عکاسی و فیلمبرداری استودیو فتوبوک ۹۸۴-۸۹۴۴	حمل و نقل المپیک ۹۳۵-۳۳۰۰	پاسیفیک ۲۸۹-۹۰۱۱
شاهین سجادی ۴۶۴-۸۲۲۰	فتو شاپ ۸۴۶-۰۲۲۱	ExpertFX الکترونیک - برق کار ۸۴۴-۴۴۹۲	آراز الکتریک ۳۵۲-۶۸۸۳
مشاور خانواده لاله رهبین ۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	فروشگاه ها	آرانس های مسافرتی سلطان تراول ۴۸۴-۴۰۰۰	فرناز معتمدی ۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶
مشاور تحصیلی	سن لوران ۳۶۹-۳۴۷۴	خدمات ویزای توریستی مهری صدوقی ۹۴۰-۱۶۴۲/۴۳	سعید هاشمی ۲۷۲-۹۹۹۹
مشاور مهاجرت معصومه علی محمدی ۲۸۹-۹۰۴۴	بازار ۴۸۶-۱۶۱۷	خیاطی Tailleur Bijan 419-1039 2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1	آموزش پروین عبائی - فارسی ۶۷۵-۴۴۰۵
نان و شیرینی کندم ۸۳۶-۵۵۵۳	EXO Fruits ۷۳۸-۱۳۸۴	خدمات در ایران دارالترجمه فرهنگ ۶۹۱-۴۲۸۳	مدرسه فردوسی ۵۰۲-۴۳۷۸
نان سنگک آذر ۶۳۴-۶۳۶۳	متروبولیس (تعاونی رز) ۸۴۹-۴۲۴۲	داروخانه کل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰	مدرسه وست آیلند ۶۲۶-۵۵۲۰
نوسازی و تعمیرات ساختمان شرکت بن ۴۴۱-۴۲۹۵	کامپیوتر و خدمات بیژن جلالی ۲۵۸-۸۱۸۶	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰	مدرسه دهخدا ۲۵۸-۸۱۸۶
شرکت آماج ۹۴۲-۹۹۶۹	EvoWeb ۵۱۴-۶۴۹-۹۳۶۶	دندان پزشک راضیه رضوی ۶۳۴-۷۲۸۱	آموزشگاه (راندگی)
لوله کشی پتانسیل ۴۶۳-۳۰۱۴	کتاب فروشی / کتابخانه کتابخانه نیما ۴۸۵-۳۶۵۲	شریف نائینی ۷۳۱-۱۴۴۳	استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
لوله کشی پارس ۲۹۰-۲۹۵۹	طراحی و گرافیک محضر رسمی ۹۰۳-۸۵۶۰	علی شفیعی ۶۸۵-۶۲۲۲	آکادمی آریا ۸۳۹۴۴۴۴
بهنام ۴۴۱-۴۲۹۵	مهد کودک سیما (دولتی) ۶۹۹-۸۳۷۳	دیوید برگر ۹۶۱-۸۷۴۶	



## 17: Histoire de couverture

**Qui est-elle et pourquoi elle est aimée et très honorée ?  
Une interview exclusive avec la sénatrice Ratna Omidvar**

■ Arash Mohebi et Khosro Shemiranie



**43 Interview:** Farshid Sadatsharifi  
**Un soi-disant «réalisme» insignifiant qui a disparu  
comme une bulle de savon**  
Entretien avec Mohammad Keshavarz, un écrivain  
de Shiraz

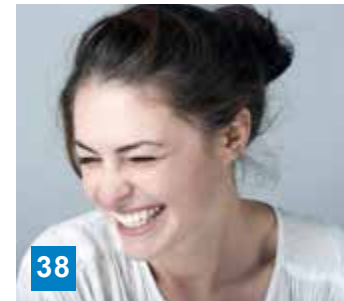


**54 Economie:** Armin Aryanpour  
**La bulle immobilière éclatera-t-elle bientôt au Canada?**



CLB Level	Reading	Writing	Listening	Speaking
8	283-300	303-450	310-300	303-450
7	248-282	321-352	258-315	324-352
6	233-247	340-378	280-257	340-378
5	207-232	310-348	249-270	310-348
4	151-185	226-270	181-216	226-270

**25 Immigration:** Masoumeh Alimohammadi  
**Points importants du nouveau programme pilote  
d'immigration du gouvernement canadien**



**37 Introduction du livre** Yassaman Hassani  
**L'intrusive par Claudine Dumont**

**38 Santé:** Maryam Irani  
**Le rire est le remède contre une douleur incurable;  
Le rire est le début des aventures heureuses**

Publication: Journal Hefteh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal

06 may 2021, numéro 631  
06 MAY 2021, issue Nr. 631

Hefteh will not be published on the following dates during 2021:

January 7th  
March 25th  
July 5th  
October 14th

**Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie**

Photographe: Mahnaz Zangirzani  
Dessinateur: Sirous Yahyaabadi

Politique: Farangis Shakiba  
Littérature: Farshid Sadatsharifi (PhD)  
Psychologie: Dr Elham Gerami  
Economie: Armin Aryanpour  
Immigration: Masoumeh Alimohammadi  
Cinéma: Mostafa Azizi  
Médecine: Dr. Faegheh Ebrahimi  
Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,  
Habib Osman et Abdolhadi Tapand  
Actualité Communauté: Negin Parvarandeh



This project is funded in part by the Government of Canada.  
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada

le prix: \$2.50

Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars



**PERMONT**

Entrepreneurs généraux - General contractors Inc.

تیم مدیریتی با بیش از ۳۰ سال سابقه اجرا در کانادا

## سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی  
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز  
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca  
5575 boul. de la Verendrye, Montreal, H4E 3R6  
RBQ # 5639-5874-01

B | L | V | D  
BOULEVARD  
REAL ESTATE BROKER

## مشاور املاک در مونتreal بزرگ

### سارا تاثیري

مشاور املاک در مونتreal بزرگ

**Sara Taassiri**  
Real Estate Broker

- همکاری با مشاوران دریافت وام مسکن
- شرایط استثنایی برای تازه واردین
- خدمات رایگان برای خریداران
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره تلفنی و حضوری

514-929-8425

taassiris@bldimmobilier.com





# آرش و شیرین شکور

کارشناسان رسمی املاک مسکونی و تجاری شما

در مونترال و حومه



خرید

فروش

اجاره

مشاوره تخصصی املاک درآمدزا جهت سرمایه گذاری  
همراه شما در خرید خانه های ویلایی , کاندو و تان هاوس  
فروش ملک شما به بالاترین قیمت  
دسترسی به پیش فروش VIP  
دریافت وام تضمینی

برای مشاوره رایگان  
با ما تماس بگیرید



Instagram/Shakourz

(514) 441-4189

(514) 730-3909

Agence Immobilière  
GROUPE IMMOBILIER  
LONDONO  
REALTY GROUP INC

Broker Of The Year  
2019, 2020

A Donation Partner Of  
DANS LARUE

High Roller  
2018, 2019, 2020, 2021





**SAMI FRUITS**

# میوه تره بار سامی

کیفیت: خوب قیمت ها: غیر قابل رقابت

با شش شعبه بزرگ در خدمت شما

**D.D.O. (514) 421-6333**  
**3000 Rue du Marche, H9B 2Y3**  
 چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۸:۳۰  
 پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۸:۳۰  
 جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۸:۰۰  
 شنبه و یکشنبه: ۱۹:۰۰ تا ۸:۰۰  
 (دوشنبه و سهشنبه تعطیل)

**Head Office**  
**1505 rue Legendre Ouest**  
**Montreal, QC H4N 1H6**  
**(514) 858-6363**

**Nord-est (514) 593-1333**  
**8200 19E Avenue, H1Z 4J8**  
 دو و چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۸:۳۰  
 پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۸:۳۰ - جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۸:۰۰  
 شنبه و یکشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۸:۰۰ - سهشنبه: تعطیل

**St. Laurent (514) 856-1333**  
**1320 boul. Jules-Poitras, H4N**  
 چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۸:۳۰ - پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۸:۳۰  
 جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۸:۳۰ - شنبه: ۱۹:۳۰ تا ۸:۰۰  
 یکشنبه: ۱۹:۰۰ تا ۸:۳۰ - دو و سهشنبه: تعطیل

**Laval (450) 978-1333**  
**1550 Blvd Daniel Johnson**  
 دوشنبه و چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۸:۳۰  
 پنجشنبه، شنبه و یکشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۸:۰۰  
 جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۸:۳۰ - سهشنبه: تعطیل

**Lasalle (514) 368-1333**  
**400 ave Lafleu, H8R 3H6**  
 چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۸:۳۰  
 پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۸:۳۰ - جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۸:۰۰  
 شنبه و یکشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۸:۰۰ - دو و سهشنبه: تعطیل

سامی، جایی که می توانید سبد خرید خود را پر از میوه کنید،

اما کیف پوتان را خالی نکنید.





**INSTITUT TECHNIQUE**  
**AVIRON**  
**TECHNICAL INSTITUTE**  
**DE MONTRÉAL**

80 années écoulées pour le bon service

## روایهای خود را واقعیت بخشید

les cours en ligne sont disponibles en français et en anglais

### دوره های آنلاین اویرون آغاز شد

**Programmes D.E.P 1800 heures:**

- \* Soudage-montage
- \* جوشکاری و مونتاژ
- \* Mécanique automobile
- \* مکانیک اتومبیل
- \* Dessin industriel
- \* طراحی صنعتی
- \* Électricité
- \* برق کاری

• تئوری: به صورت آنلاین  
• عملی: در موسسه و حضوری  
• امتحانات: حضوری با رعایت پروتکل های بهداشتی

• امکان دریافت وام و بورس

• مشاوره برای کارهایی ارائه می شود

Service de Placement Disponible






5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010

## مهندس مهدی انصاری

### مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

خرید و فروش تخصصی ملک  
دسترسی ویژه به پیش خرید  
در سراسر مونترال

دسترسی تضمینی به بهترین  
مبلغ وام با کمترین سود بانکی

514-588-0609 ☎

MEDI.ANS.MTLBROKER 📱

www.mahdiansari.com

## بسته خرید ویژه فقط برای پرستاران و پزشکان عزیز



MAHDI ANSARI - CANADA AWARDED BROKER 2019-2020